

رژیم امریکائی پاکستان طرح‌های تجاوزکارانه جدیدی علیه انقلاب ایران و افغانستان

● اتحاد همه دولت‌های ترقیخواه و ضد امپریالیست منطقه، نیرومندترین ضامن مقابله با سیاست تجاوز امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده آن است.

آماده کرده است

در صفحه ۲۴

آقای بهزاد نبوی!
امپریالیست‌های ژاپنی، اروپائی و امریکائی
همه اعضای پیکر واحد امپریالیسم جهانی اند!

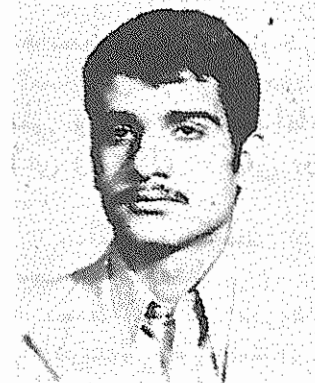
در صفحه ۲۰

به دستور فرح‌ورضا پهلوی،
بختیار و اویسی و با
حمایت تجار عمده بازار و
روحانیت مخالف انقلاب
سلطنت طلبان
برای گسترش ناامنی
در اماکن عمومی
بمب می‌گذارند
در صفحه ۱۳

پیروزی‌های افتخار آفرین
جمهوری اسلامی ایران
نیرومندترین پشتوانه صلح شرافتمندانه
در صفحه ۴

● در برابر بیگانگی سربازان رژیم صدام از جنگ
تحمیلی، چهره‌های مصمم و فداکار رزمندگان دلاور
ما حکایت از حق‌طلبی مردم ما در این جنگ دارد.

شهادت رفیق امیر سعید واعظی آشتیانی در
جبهه سوسنگرد



● خود را در یک آن به داخل یک سنگ روبا
انداختم و یک نگاه دیگر به بمب‌ها انداختم و آن
وقت با تمام هستی وداع کردم... بدون کوچکترین
ترسی خود را فدای تمام آرمان‌های خلق قهرمان و
طبقه کارگر حس‌گرم .
در صفحه ۲۳

در شرایط حساس امروز ایران
گسترش کشمکش میان نیروهای
خط امام و جناح رئیس‌جمهور
به زیان انقلاب است

بار دیگر اختلاف میان نیروهای حکومت جمهوری اسلامی، جناح غالب خط امام و جناح بنی‌صدر بالا گرفته است.

تمهیدات و تدابیر آیت‌اله خمینی در بیانیه ۱۰ ماده‌ای ۲۵ اسفند ایشان که به تشکیل ارگان ۳ نفره حل اختلاف انجامید، هر چند سنجیده و ماهرانه بود، اما واضح بود و ما نیز در همان زمان تاکید کردیم که تنها می‌تواند اختلافات را بطور موقت کاهش دهد.

از میان بردن بحران یا تخفیف آن در بالا قبل از هر چیز به حل مسائل انقلاب در پائین بسته است که متناسفانه تا به امروز به مقدار وسیعی بی‌پاسخ مانده است.

اما هر چند تضاد میان نیروهای جمهوری اسلامی تضادی طبقاتی است و هر چند که بدون حل ریشه‌ای این تضادها، کشمکش و ستیز در بالا از میان نخواهد رفت و همواره در فرصت‌های معین درگیری‌های حاد و حنی درگیری‌های وسیع قهرآمیز میان جناح‌های حاکم قابل پیش‌بینی است، لیکن با این همه شدت و حدت تضادها و شیوه حل آن بسته به درجه آگاهی و شعور طبقاتی جناح‌های حاکم، سیاست‌هایی که در قبال یکدیگر در پیش می‌گیرند و برخورد نیروهای سیاسی به مسائل، به میزان زیادی متفاوت است...

بقیه در صفحه ۲

به پیشنهادات صلح جویانه
جمهوری دمکراتیک افغانستان
پاسخ مثبت دهید در صفحه ۲۱

در این شماره:
تعطیل کارخانه فولاد اهواز در صفحه ۲۷
ضربه تازه‌ای بر پیکر انقلاب
برای افزایش تولید و گسترش
پایگاه اجتماعی انقلاب در صفحه ۸
بند (ج) و (د) را اجراء کنید

متحد شوید
تجاوزات امپریالیسم امریکائی و رژیم صدام را در هم کوبید

در شرایط حساس امروز ایران

گسترش کشمکش میان نیروهای خط امام و جناح ...

بقیه از صفحه ۱

ما گرایش‌هایی را که چه در خط امام و چه در جناح بنی‌صدر میل بر تخاصم‌آمیز کردن و شدت بخشیدن به تضاد میان این دو جناح حکومت جمهوری اسلامی دارد، برای شرایط حساس کنونی انقلاب زیانبار می‌شناسیم و اعتقاد داریم که علیه این گرایش‌ها باید مبارزه شود و همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست باید نه تنها در شرایط کنونی درقبال این کشمکش‌ها به‌گونه‌ای برخورد کنند که از شدت و حدت آن کاسته شود، بلکه باید با تلاش پیگیر درجهت اتحاد عمل و نزدیکی هرچه بیشتر همه نیروهای ملی، همه نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران، درجهت تشکیل جبهه واحد ضدامپریالیستی تلاش کنند و بدیهی است جبهه واحد ضد امپریالیستی در صورتی واقعا جبهه است که اکثریت قریب به اتفاق نیروهای ملی و مدافع استقلال را در بر گیرد. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که:

تنها با حرکت درجهت پاسخگویی به نیازهای اساسی انقلاب است که این زمینه فراهم می‌آید تا نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران در صفوفی فشرده و یکپارچه گرد آمده و هر نیروی مخالف گسترش انقلاب منزوی گردد. آنچه توده‌های مردم ایران خواهان آنند، حرکت درجهت تحقق هدف‌های اساسی انقلاب است. فقط نیروهایی که بتوانند خود را با این ضرورت‌های حیاتی سازگار سازند، در صفوف نیروهای خلق موقعیت مستحکم و پایداری خواهند داشت.

به هر حال ما در شرایط کنونی شیوه‌های برخورد هر دو جناح جمهوری اسلامی نسبت به یکدیگر و گرایش‌های محافل معینی از هر دو جناح را که میل به تشدید مخاصمات و کشمکش‌ها از خود نشان می‌دهند، برای وحدت توده‌های مردم و برای انقلاب زیانبار می‌دانیم. حداقل زیان این شیوه‌ها در شرایط فعلی تضعیف جبهه مقاومت خلق ما در قبال رژیم تجاوزگر صدام، تضعیف پایگاه توده‌های نیروهای خط امام، تقویت سایر نیروهای داخلی و خارجی دشمن انقلاب و سرخوردگی توده‌های مردم از انقلاب است.

حوادثی مانند اجرای اسناد وزارت خارجه و بازداشت شخصی منتسب به دفتر ریاست جمهوری کشمکش‌هایی که بر سر اداره بانک مرکزی، لایحه موسوم به "حذف فرمان همایونی" و از این قبیل درمی‌گیرد و شیوه برخورد و لحن روزنامه‌های نزدیک به هر یک از جناح‌های حاکم و بطور کلی سیاستی که در قبال یکدیگر اتخاذ کرده‌اند، بیانگر آن است که تضاد طبقاتی میان این دو نیرو هرگاه با درک آنچه در شرایط کنونی به مصلحت همه نیروهای ملی خواهان استقلال ایران است همراه نباشد، می‌تواند به کشمکش‌های وسیع و قهرآمیز، آن هم در شرایطی که دستاوردهای انقلاب از هر سو در خطر تهاجم امپریالیسم و ارتجاع داخلی است منجر گردد.

ما به سهم خود بار دیگر صریحا اعلام می‌داریم که در شرایط حساس میهن به هیچ‌وجه خواهان گسترش کشمکش میان نیروهای ملی و استقلال‌طلب نیستیم و هر گرایشی که بخواهد این کشمکش‌ها را شدت و گسترش بخشد، نادرست می‌دانیم. ما اعتقاد داریم که در این شرایط همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست دیگر نیز باید همین موضع را اتخاذ کنند و موضع خود را نیز صریحا اعلام نمایند.

راه وحدت همه نیروهای مدافع استقلال و آزادی ایران پدید آمده است، از سر راه بردارد. همانگونه که تشدید تضاد میان بنی‌صدر و خط امام در حکومت، موجب تضعیف جبهه انقلاب می‌شود، قطعا تشدید تضاد میان خط امام و سازمان مجاهدین خلق ایران نیز که فعلا برای مقابله با سیاست‌های نادرست خط امام در کنار لیبرالها قرار گرفته، سخت موجب تضعیف انقلاب و تقویت لیبرالها می‌گردد. سازمان مجاهدین که ماهیتا نیروئی خلقی و ملی است، امروز در مقابله با سیاستی که آزادی‌های سیاسی را در چهارچوب قانون اساسی نمی‌پذیرد، بر مبنای تحلیلی نادرست، سیاستی نادرست در پیش گرفته است. به اعتقاد ما تامین و تضمین آزادی‌های سیاسی در چهارچوب قانون اساسی می‌تواند گامی بزرگ در راه تصحیح سیاست‌های سازمان مجاهدین، خط امام و سایر نیروهای درون جبهه خلق گردد و از همین رو است که ما بر لزوم برداشتن گام‌های بلندتری از طرف آیت‌الله خمینی و جمهوری اسلامی برای تحکیم وحدت خلق تاکید می‌کنیم.

ما همچنان بر همین سیاست اصولی خویش تاکید داریم.

امروز میهن ما در جنگی وسیع و گسترده با رژیم مرتجع و تجاوزگر صدام، با امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی درگیر است. هرگونه تشدید تضاد میان نیروهای طرفدار استقلال و آزادی ایران، هرگونه تفرقه و تشتت در میان توده‌های مردم، مستقیما به معنی تقویت جبهه ارتجاع و ضدانقلاب داخلی و هارتر شدن دشمنان خلق ما از جمله رژیم ارتجاعی صدام است و دود آن مستقیما به چشم خلق ما و به‌چشم همان کسانی می‌رود که بارسنگین انقلاب و حفظ آن را بر دوش دارند. از این‌روست که ما گسترش دامنه کشمکش میان جناح غالب خط امام و جناح بنی‌صدر را در شرایط کنونی نه درجهت تعمیق و تقویت انقلاب، نه درجهت مصالح مردم بلکه درجهت تضعیف نیروهای استقلال و آزادی، تشتت توده‌های مردم و در مخاطره قرار گرفتن دستاوردهای انقلاب و یکپارچگی و تمامیت ایران می‌دانیم، با آن مخالفیم و اعتقاد داریم که نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست باید برای جلوگیری از تشدید این تضادها و گسترش دامنه کشمکش‌ها تلاش کنند.

تشدید و تخاصم‌آمیز شدن تضاد میان نیروهایی که در شرایط کنونی، در جنگ علیه رژیم صدام و علیه امپریالیست‌ها و ارتجاع داخلی باید و می‌توانند متحد هم باشند به معنی عمده شدن تضادهای فرعی و از زیر ضرب خارج شدن دشمنان انقلاب ما است و هر کس هر نیروئی که درجهت تشدید این کشمکش‌ها تلاش ورزد و آتش‌بیار معرکه‌ای گردد که نیروی دفاع از استقلال ایران را در کام خود می‌سوزاند و تحلیل می‌برد چه بداند و چه نداند به انقلاب آسیب وارد ساخته است.

مثلا گرایش تنگ‌نظرانه در خط امام قطعا خواهان تشدید این تضادها و گرایش مصلحت‌اندیش و واقع‌بینی که امام‌خمینی را نیز دربر می‌گیرد، خواستار تشدید تضادها به‌ویژه در موقعیت کنونی نیست. گرایش دوم همانگونه که ما در کار شماره ۱۰۳ نوشتیم خواهان آن است که ضمن حفظ موقعیت غالب بر رئیس‌جمهور و جناح بنی‌صدر اتحاد خود را با این جناح حفظ کند. روشن است که موضع درست همین موضع دوم است. ما در سرمقاله کار ۱۰۳ چنین نوشتیم:

"امروز آشکار است که بخشی از ناآرامی‌های سیاسی محصول اقدامات خودسرانه و قانون‌شکنانه محافل منتسب به "خط امام" و به‌ویژه "حزب جمهوری اسلامی" است. بیانیه به این خودسری‌ها که آب به آسیاب امپریالیسم و لیبرالها می‌ریزد و ضربات سختی به وحدت توده‌های مردم در دفاع از انقلاب وارد آورده، توجه داشته و درصدد مقابله با آن است.

یک بررسی کاملا عینی از وضعیت طبقات و مرحله تکامل انقلاب ایران نشان می‌دهد که تا چه میزان سیاستی که می‌کوشد رئیس‌جمهور را علیرغم تمایزات او با سیاستمداران لیبرال که فاقد هرگونه گرایش ضدامپریالیستی هستند، به آغوش لیبرالها سوق دهد، سیاستی نادرست و به زیان انقلاب است.

همچنان که بارها تاکید کرده‌ایم، گرایشی که بخواهد رئیس‌جمهور را با لیبرالها یکی کند و او را از صف نیروهای استقلال و آزادی براند، گرایشی خطرناک و به زیان انقلاب است. هل دادن نیروهای ملی به خارج از جبهه نیروهای طرفدار انقلاب صرفا در خدمت تضعیف جبهه انقلاب و تقویت دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد و خواست امپریالیسم است. در برابر گرایش مذکور گرایش بغایت نادرست دیگری وجود دارد که عملا درجهت سرکردگی رئیس‌جمهور در جنبش خلق و درحکومت جمهوری اسلامی تلاش می‌کند. (چنین گرایشی در برخی از روحانیون، در برخی نمایندگان مجلس و در سازمان مجاهدین خلق مشاهده می‌گردد.)

پیام آیت‌الله خمینی در واقع با هر دوی این گرایش‌ها مقابله می‌کند و بر موارد زیر تاکید دارد:

۱- تلاش درجهت تقویت وحدت نیروهای استقلال و آزادی در حکومت جمهوری اسلامی و نگهداشتن رئیس‌جمهور در صف این نیروها.

۲- تلاش درجهت حفظ موقعیت برتر آیت‌الله خمینی و نیروهای خط امام در حکومت جمهوری اسلامی و اعمال هژمونی بر رئیس‌جمهور و یاران او...

... اگر حکومت جمهوری اسلامی همین سیاست را نه فقط برای نیروهای درون حاکمیت بلکه نسبت به کل نیروهای ماهیتا ترقیخواه و ملی درپیش می‌گرفت، قطعا چنین سیاستی می‌توانست یکی از مهم‌ترین موانعی را که امروز در

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

شوراهائی که رئیس جمهور می خواهد سنگر مبارزه علیه کیست؟

امپریالیستی و توده‌های آنرا) هیچگاه ملاک ارزیابی‌اش از شورا قرار نداده است بلکه شورا را بمثابة یک "تشکل مزاحم" (مزاحم اعمال اتوریته حاکمیت بطورکلی) می‌دید. در فروردین ماه ۵۹ شورا "مزاحمی" است برای بالاترین مرجع قانونی مملکت.

(رئیس جمهوری با ۱۰/۵ میلیون رای و در آغاز راه زمامداری، با چشم‌اندازی "امیدبخش" از استقرار پایه‌های قانونی‌اش) و در اردیبهشت ماه ۶۰ ابزار مقاومت در برابر تثبیت سلطه انحصاری جریان سیاسی دیگر. این است آن تلقی ثابت و پایداری که آقای

۳- پیام اول ماه مه ۱۳۶۰
۱- در فروردین سال گذشته (پس از قطع رابطه سیاسی ایران با آمریکا) آقای رئیس جمهور در یکی از سخنرانی‌هایشان با شعار "شورا بی‌شورا" عملاً به نقش ارزنده شوراها در دفاع از دستاوردهای انقلاب و تثبیت پیروزی‌های آن مهر باطل گویدند و اقدامات موثر آن را در زمینه تضمین ادامه‌کاری واحدهای تولیدی، مبارزه با تشبثات اخلاک‌گرا نه سرمایه‌داران و مدیران ضدانقلابی و لیبرال و کوشش در جهت تدارک و پی‌ریزی استقلال اقتصادی، نادیده گرفتند. جالب آنکه چنین موضعی (شورایی‌شورا) به بهانه

آنها را در بسیج و تشکل صفوف خلق مورد تائید و حمایت قرار داده و موجبات تحکیم آنها را فراهم آورد، به‌نجوی غیرمسئولانه از "شورا پورا" سخن گفته و با تخطئه و تحقیر شورا، عملاً در جهت تضعیف آن حرکت می‌کرد. از نظر آقای رئیس جمهور خصلت مردمی و ضد امپریالیستی شورا نادیده گرفته می‌شد و شورا، تشکلی مزاحم و مخمل برای تثبیت پایه‌های قانونی حاکمیت (و در راس آن رئیس‌جمهور قانونی کشور) تلقی می‌شد.

۲- اما پنج ماه بعد که آشکارتر شدن هرچه بیشتر تمایزات طبقاتی در جامعه و درون حاکمیت، محاسبات

آقای بنی‌صدر اخیراً در رابطه با شورا، موضعی اتخاذ کرده‌است که نقطه عطف دیگری در بیان نظراتش در قبال شورا، از آغاز ریاست جمهوری‌شان تاکنون است. ایشان که زمانی مبلغ شعار "شورا بی‌شورا" و "شورا پورا" را بگذارید کنار! بودند، اکنون در پیام "اول ماه مه" خود برای شوراها "رسالت انجام برنامه‌گذاری جامع انقلابی موسسه خودرا" قائل بوده و بر لزوم ایستادگی و مقاومت شورا علیه سلطه‌جویی‌ها و انحصار طلبی‌ها تاکید می‌کنند.

ببینیم این تناقضات ناشی از چیست؟ آیا مضمون شوراها دگرگون شده است یا موضع آقای بنی‌صدر در قبال شوراها تحول یافته است؟ به‌عنوان یک پاسخ ساده ولی سطحی می‌توان گفت هم این و هم آن. ولی با کمی دقت در سیر تحول شوراها و مضمون واقعی آن و همچنین با نگاهی اجمالی به سوابق برخورد آقای رئیس‌جمهور با شوراها، می‌توان گفت: نه این و نه آن. هیچکدام از این دو دلیل پاسخگوی این تناقض نیست.

اساس اعتقادات رئیس‌جمهور درباره شورا علیرغم مواضع بظاهر متفاوتی که اتخاذ کرده‌اند، همواره یکسان بوده است: مخدوش کردن مضمون ضدامپریالیستی شوراها.

از فروردین ماه ۵۹ که آقای بنی‌صدر شعار "شورایی‌شورا" را طرح کرد تاکنون، نه مضمون درونی شوراها در اساس تغییر کرد و نه تلقی آقای بنی‌صدر از مفهوم واقعی شورا دگرگون شد. تغییرات اصلی را باید در جای دیگری جستجو کرد. در کم و کیف سهمی که آقای بنی‌صدر از قدرت قانونی (وتثبیت یا عدم تثبیت پایه‌های آن) داشته و دارد. این مسئله را که درک آقای بنی‌صدر از مضمون واقعی شورا از فروردین ماه ۵۹ تا اول ماه مه ۶۰ (از شورا بی‌شورا تا زنده باد مقاومت "شورا") تغییری نکرده است، می‌توان به‌روشنی نشان داد. آقای بنی‌صدر در خلال این مدت هیچگاه نخواست و نتوانست به محتوای و سمت واقعی شوراها چه بگذارد. شوراها که تشکل دمکراتیک و ضدامپریالیستی کارکنان (کارگران، کارمندان و مدیران ترقیخواه) در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف بوده و در راستای مصالح انقلاب و تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلابی مردم مبارزه می‌کند. آقای بنی‌صدر مهم‌ترین مشخصه و معیار حقانیت و ضرورت شورا (یعنی جوهر ضد

بنی‌صدر از شوراها دارد. تلقی‌ای که بیش از آنکه — متکی بر جوهر ضد امپریالیستی شوراها می‌باشد، مبتنی بر "ارگان قدرت" یا ضد قدرت بودن شوراها (بطورکلی) است و از این‌روست که آقای بنی‌صدر شوراها را به "ایستادگی در برابر انحصارطلبی‌ها و زورمداری و... تشویق می‌کند و بتبع آن شوراها را تاحد ایزاری در خدمت تصفیه حساب‌های رقابت جویانه جناح‌های حاکمه تنزل می‌دهد. از اینجاست که شورا با لفظ تحقیرآمیز "پورا" مترادف می‌شود و شعار مخرب و غیرمسئولانه "شورایی‌شورا" و یا زنده‌باد شورای "ضد انحصار" در زمان‌های مختلف به مقتضای ملاحظات گروه‌گرایانه طرح و تبلیغ می‌شود.

آنچه را که گفته شد، می‌توان در رابطه با سوابق برخورد آقای بنی‌صدر با مسئله شورا، حول سه نقطه عطف مشخص به ترتیب زیر مرور کرد:

۱- فروردین ماه ۵۹
۲- ۱۹ مرداد ۵۹ (سخنرانی به مناسبت سالروز مرگ آیت‌الله طالقانی)

واهی اخلال شوراها در واحدهای تولیدی اتخاذ شده بود. یعنی همان چیزی که شوراها مهم‌ترین وظیفه‌شان را در مبارزه علیه آن قرار داده بودند. در آن زمان زنجیر توطئه‌های جبهه ارتجاع جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا برگرداگرد میهن انقلابی ما بیش از پیش تنگ‌تر شده و تحریم و محاصره اقتصادی امپریالیستی رو به تشدید گذاشته بود. به‌همین خاطر وظیفه مبرم همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست، بسیج و سازماندهی توده‌های میلیونی مردم برای مقابله با محاصره اقتصادی و اقدامات توطئه‌گرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم بود. در این میان شوراها به‌منزله سنگرهای ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان مهم‌ترین اهرم‌های این بسیج و تجهیز توده‌های به شمار می‌آمدند و لذا برعهده همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست بود که با تمام قوا در جهت تحکیم و تقویت آنها تلاش کنند. اما آقای بنی‌صدر درست در همان زمان که می‌بایست بیش از پیش شوراها و نقش انقلابی

"خطر" روز افزون جناح‌های رقیب حاکمه طرح و تبلیغ گردید. هرچند در آن زمان آقای بنی‌صدر منظور واقعی خویش را از "حضور فعال مردم در صحنه" آشکارا بیان نکردند ولی قابل درک بود که این حضور در صحنه قبل از هرچیز به معنای مقابله تخاصم‌آمیز شوراها علیه جناح غالب حاکمیت جمهوری اسلامی است و نه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا.

۳- بالاخره در پیام اول ماه مه امسال، شعار مشروعیت شورا، به نقطه عطف نوینی می‌رسد. بدین معنا که آقای رئیس‌جمهور علاوه بر تبلیغ ضرورت "حضور مردم در صحنه"، بر حضور شوراها در صحنه نیز تاکید می‌کند و این حضور متشکل، با صراحت تمام سمت اصلی ضربه‌اش علیه تثبیت "حاکمیت انحصاری یک جریان سیاسی" دیگر است. "مشکل اساسی جامعه ما که بر موسسات تولیدی نیز سایه افکنده است، تلاشی است که برای تثبیت حاکمیت انحصاری یک‌جریان سیاسی جابر بر شئون مختلف کشور به عمل می‌آید... شورای کارخانجات و موسسات باستانی در مقابل خطر تبدیل شدن خود و موسسه خود به ابزار تثبیت حاکمیت زور و سلطه به سختی مقاوم باشند."

(از پیام اول ماه رئیس‌جمهور) در پیام اول ماه مه وقتی که از شورا سخن می‌رود، کماکان می‌بینیم که از مضمون واقعی شوراها سخنی در میان نیست. جوهر و مضمون این شورا (که در اول ماه مه از آن صحبت می‌شود) با (شورا بی‌شورا)ی فروردین ماه تفاوت کیفی ندارد. در اینجا نیز از دمکراتیسم اقتصادی یعنی انجام برنامه‌های اقتصادی به نفع توده‌های محروم و مبارزه علیه انحصارات امپریالیستی و خنثی کردن توطئه‌های مدیران ضدانقلابی و لیبرال و... حرفی در میان نیست. آنچه که منظور نظر است تنها مبارزه، حول "انحصارطلبی و آزادیخواهی" است و بس.

باید از آقای رئیس‌جمهور پرسید که چرا از نقش انقلابی شوراها در مبارزه بخاطر کوتاه کردن دست غارتگران امپریالیست و سرمایه‌داران وابسته و... از صنایع میهن ما، از افشای مدیران بقیه در صفحه ۴

پیروزی‌های افتخار آفرین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیرومندترین پشتوانه صلح شرافتمندانه!

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی طی ده روز گذشته با چند فقره عملیات هماهنگ و متهورانه در جبهه‌های غرب و جنوب کشور نقاط حساسی از خاک میهنمان را از متجاوزان عراقی پاک کردند. ارتفاعات الله اکبر در جنوب و گومیشان در غرب به تسخیر نیروهای مسلح انقلاب درآمد و این به معنی آن است که راه برای پیروزی‌های باز هم بیشتر هموارتر گردیده است.

رزمندگان قهرمان ما، پاسداران، سربازان، درجه‌داران و افسران میهن پرست به همراه نیروهای بسیج و مردمی از جمله فدائیان خلق نمونه‌های درخشانی از میهن پرستی و پایمردی به انقلاب و مردم عرضه داشتند که بدون تردید در تاریخ قهرمانی‌های خلق در راه کسب استقلال و آزادی با کلمات درخشانی به ثبت خواهد رسید.

در جریان این عملیات ظفرمند، تجاوزگران با دادن تلفات سنگینی تسلیم نیروهای مسلح انقلاب شدند و شکست نیروهای

و تغییری مثبت در فن جنگ - آوری در نزد نیروهای مسلح انقلاب است.

سازمان ما این پیروزی‌ها را به تمامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به مردم انقلابی ایران و بخصوص به مردم قهرمان خوزستان و غرب کشور که علیرغم حملات سبعانه موشک‌های عراقی سرسختانه مقاومت و پایمردی می‌کنند تبریک می‌گوید.

باشد که این پیروزی‌ها و پیروزی‌های دیگر، رژیم متجاوز و جنایتکار صدام را بر جای خود بنشانند و حقانیت انقلاب ما را بیش از پیش برای مردم عراق و سایر مردم صلح‌دوست جهان آشکارتر گردانند. نبردهای قهرمانانه و پیروزی آفرین نیروهای مسلح ما، مطمئن‌ترین وثیقه و نیرومندترین پشتوانه برای رسیدن به صلحی شرافتمندانه است.

مبارزه ما تا دفع تجاوز و برای دستیابی به صلحی که مصالح دو ملت ایران و عراق را تامین کند، ادامه خواهد یافت.

صدامی - امریکائی در این مناطق، پوشالی بودن قدرت صدام را به نمایش گذاشته است و نشان می‌دهد که بین مردم ما و توده‌های محروم عراق که اکثریت قریب به اتفاق اسرای عراق از آن جمله‌اند، چه پیوندهای تاریخی و مبارزاتی عمیقی وجود دارد.

اکثریت این اسرا را سربازانی تشکیل می‌دهند که ناخواسته و ندانسته قربانی مطامع و اهداف پلید دار و دسته صدام جنایتکار شده و به مسلخ فرستاده شده‌اند. روحیه ضعیف و متزلزل آنان که از چهره‌های مات و مبهوتشان قابل تشخیص و از لابلای گفته‌ها و مصاحبه‌های آنان مشهود است، به وضوح بیگانگی آنان را با جنگ

تحمیلی رژیم صدام به اثبات می‌رساند.

در برابر بیگانگی سربازان رژیم صدام از جنگ تحمیلی، چهره مصمم، فداکار و مومنانه پاسداران، سربازان، درجه‌داران، افسران و فرماندهان میهن پرست، نیروهای بسیج مردمی و دیگر رزمندگان دلور جبهه‌های جنگ حکایت از مردمی دارد که با تمامی اعتقاد در راه کسب استقلال و آزادی میهن به مبارزه مرگ و زندگی علیه تجاوزات امپریالیسم و رژیم صدام به پیکار ایستاده‌اند.

این چهره‌ها همگی حکایت از حق طلبی مردم ما دارد. چهره‌های مصمم و فداکار آنان به روشنی این باور را بازگو می‌کند که پیروزی آنها تداوم پیروزی انقلابی است

که ضربات مهلکی بر پیکر فرتوت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و رژیم‌های دست‌نشانده آن در سراسر جهان و به‌ویژه در منطقه وارد آورده است.

طبق اخبار و اطلاعات رسیده در نتیجه پیروزی‌های اخیر، مناطق مهمی از غرب سوسنگرد و شوش آزاد شده است و روند جنگ به‌گونه‌ای است که تعادل قوا به‌نحو محسوسی به نفع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در حال تغییر است. عملیات موفقیت‌آمیز آزادسازی ارتفاعات الله اکبر، گومیشان مناطق سوسنگرد، دارخونین و شوش در مقایسه با عملیات بی‌انجام و نسبتاً ناموفق ۱۴ و ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ نشانه تکامل در تاکتیک‌های نظامی

بحث آزاد سلاحی ...

نهمه از صفحه ۲۸

استوار خلق را در مبارزه علیه امریکای جنایتکار و دیگر متحدین آن فراهم می‌آورد. این بحث‌ها گامی است در جهت گسترش آزادی‌های سیاسی و دمکراتیک مصرحه در قانون اساسی. خلاصه برگزاری چنین بحث‌هایی علیرغم تمام نارسائی‌ها و کاستی‌هایی که دارد، در تمامی جنبه‌ها به سود مردم و به زیان دشمنان انقلاب است همانگونه که در برنامه‌های تلویزیونی توضیح داده شده و ما نیز در هفته گذشته اعلام داشتیم، متأسفانه برخی از گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و البته نه با انگیزه‌های کاملاً مشابه در بحث آزاد تلویزیونی شرکت نکردند. این سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی عبارتند از: مجاهدین خلق، دفتر ریاست جمهوری، جاما، نهضت آزادی و جبهه ملی. سازمان ما بسیار مشتاق است که تمامی این گروه‌ها - که

می‌رفت، با استقبال و حمایت وسیع توده‌های مردم مواجه شد و جنب و جوش سیاسی سالمی را در فضای میهنمان پدید آورد. این بحث‌ها و ادامه آن در رشد و بارور ساختن آگاهی توده‌های وسیع مردم نقش مهم و قابل تأکیدی برعهده دارد. این بحث‌ها به مردم کمک خواهد کرد که دوستان و دشمنان خود را بهتر بشناسند، از مشکلات و خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند، آگاهی یافته و راه مبارزه و مقابله با این مشکلات و چگونگی ادامه پیروزمندانه انقلاب را دریابند. پخش بحث‌های آزاد تلویزیونی در کاهش جو خشونت و درگیری و ایجاد فضای تفاهم‌آمیز بین نیروهای مردمی بسیار موثر است و زمینه نزدیکی و همکاری نیروهای ضد امپریالیست و تامین وحدت

برخی از آنها خود را طرفدار جدی و پرچمدار بحث آزاد می‌نامند - در این بحث‌ها شرکت کنند.

ما اعتقاد داریم که شرکت گروه‌های فوق‌الذکر از یک سو نیروهای سازشکار و تسلیم طلب را بیش از پیش رسوا ساخته و بدین جهت زمینه وحدت واقعی نیروهای ضد امپریالیست و طرد وسیع‌تر سازشکاران را از میان مردم فراهم می‌آورد و از سوی دیگر بر روابط خصمانه و کین‌توزانه‌ای که متأسفانه هم اینک بین برخی از نیروهای درون جبهه مردم پدید آمده است، تأثیرات مثبت و جدی برجای خواهد نهاد.

سازمان ما بار دیگر ضمن پشتیبانی از برگزاری بحث‌های آزاد، همه هم‌میهنان را به حمایت و استقبال از چنین برنامه‌هایی دعوت می‌کند و متذکر می‌گردد که هم‌اینک دو جلسه از مباحث ایدئولوژیک و دو جلسه دیگر از مباحث سیاسی ضبط شده که در هفته‌های آتی در معرض دید هم‌میهنان قرار خواهد گرفت.

شوراهائی که رئیس جمهور می خواهد ...

نهمه از صفحه ۳

واقعیت آن است که برای آقای رئیس جمهور بیش از آنکه مضمون و عملکرد ضد امپریالیستی شوراهای مورد نظر باشد، مبارزه آنها با انحصار طلبی‌های سیاسی جناح غالب حاکمیت مورد توجه است. از "شورا بی شورا" تا زنده باد "شوراهای در صحنه" گامی است از نقی واقعیت شورا تا اغتشاش و تهی کردن مضمون و سمت و هویت ضد امپریالیستی آن. واقعیت این‌است که آقای رئیس جمهور بیش از هر "انحصار" طلب دیگری تاکنون مضمون ضد امپریالیستی شوراهای را مخدوش کرده‌اند.

لیبرال، از تلاش شوراهای راه تامین و تضمین تداوم تولید و افزایش بازدهی کار از فعالیت مبتکرانه آنها برای توزیع کالاهای مصرفی و کوتاه کردن دست محترمان چپاولگر، واسطه‌ها و ... سخن نمی‌گوید؟ شوراهای در جریان مبارزه و تلاش خود در این راه با کارشکنی‌ها، اخلاص‌گری‌ها و انواع دسیسه‌ها و ترفندهای سرمایه‌داران و مدیران ضدانقلابی و لیبرال مواجه‌اند. چرا ایشان از مبارزه پیگیر شوراهای در راه خنثی کردن اینگونه تشبثات ضدانقلابی سخنی نمی‌گویند و شوراهای را به مبارزه هرچه قاطعانه‌تر در این عرصه فرا نمی‌خوانند؟

استقلال - کار - مسکن - آزادی

دکتر بهشتی و حسن نیت تجار!

دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مصاحبه مطبوعاتی و رادیوتلوویزیونی اخیر خود ضمن اشاره به یک رشته از مسائل قوه قضائیه سخنانی نیز در مورد سازمان تعاون اقتصاد اسلامی گفته‌اند. ما قبلاً در صفحات نشریه "کار" موقعیت کنونی این "سازمان" را که تحت پوشش "تعاون اسلامی" فعالیت می‌کند بر ملا کرده‌ایم.

شواهد و مدارک فراوانی موجود است که نشان می‌دهد صاحبان سرمایه‌های بزرگ تجاری برای مقابله با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن تجارت خارجی به سرعت متشکل و مجهز می‌شوند. "سازمان تعاون اقتصاد اسلامی" جدا از نیت حسنه‌ای که احیاناً در پی ریزی آن وجود داشته، هم‌اکنون به پوشش مناسبی برای فعالیت‌های مخرب و ضدانقلابی تجار مخالف ملی شدن تجارت خارجی، محتکران و دلالان مفتخوار تبدیل شده است و از کانال این سازمان در مقابل اقدامات ترقیخواهانه جهت ملی کردن تجارت خارجی کارشکنی می‌شود با وجود این دکتر بهشتی در مصاحبه‌اش در مورد این سازمان اینگونه اظهار نظر می‌کند:

"این سازمان سازمان فعالی است که می‌کوشد در این دوره بحرانی نیازهای ما را برآورده کند و عده قابل ملاحظه‌ای از اعضای آن از افراد فعالی هستند که در طول سالهای انقلاب فعالیت داشتند و استنباط من این است که اینها با حسن نیت به این کار دست زده‌اند، اما راجع به جزئیات کار آنها اطلاعی ندارم و وقت این کار را هم ندارم که وارد جزئیات آن شوم."

ما هم با دکتر بهشتی در مورد "فعال بودن" سازمان مزبور و "عده قابل ملاحظه‌ای از اعضای آن" توافق داریم منتها به هیچ وجه به "حسن نیت" آنها در این "فعالیت" ایمان داریم و نه برخلاف آقای بهشتی اعتقاد داریم که از "جزئیات کار" آنها بی اطلاع بمانیم. برعکس معتقدیم کسانی که با ملی کردن تجارت خارجی و از این طریق مبارزه با غارت و چپاول دسترنج زحمتکشان مخالفند، به هیچ وجه نمی‌توانند "نیازهای ما را برآورده کنند"، ما پیشنهاد می‌کنیم که هیئتی زیر نظر مجلس شورای اسلامی تحقیق درباره فعالیت‌های سازمان تعاون اقتصاد اسلامی را برعهده گیرد و بر پایه این تحقیق اقدامات قانونی لازم را درباره این سازمان به عمل آورد.

آزموده را آزمون خطاست

روزنامه‌ها خبر دادند که شورای عالی قضایی اقدام‌های خیابانی را ممنوع کرده است. این حرکت مثبت را به فال نیک گرفتیم و تصور کردیم که دست‌اندرکاران از تجربه‌های خود می‌آموزند و کوره‌راه‌های پرت افتاده‌ای را که به ناکجا آبادها منتهی می‌شود، در عمل رها می‌کنند. اما این پندار دیری نپائید چرا که روزنامه‌ها ایضا خبر از آن می‌دهند که طرح مردانه - زنانه کردن اتوبوس‌ها مورد بررسی قرار گرفته است! اینکه این طرح مشعشع جدید کدام گره از

با انقلاب
علیه انقلاب

هزاران معضل اجتماعی کنونی ما را می‌گشاید و کدام درد مردم را درمان می‌نماید به جای خود و اینکه درست در شرایطی که هزاران مشکل بزرگ و کوچک و اساسی و غیراساسی جامعه ما بیش از هر زمان به راه حل‌های اصولی و دوراندیشانه نیاز دارد و مسئولین ما در فکر چه چیزهایی هستند! بازهم بکنار، اما سؤال ما از طراحان این است که چرا نمی‌خواهند از تجربه خود و از عمل خویش درس بیاموزند و خود به دست خویش مشکلی بر مشکلات می‌افزایند. آیا وقت آن نیست که مسئولین امر دست از آزمون آزموده‌ها بردارند و از تجربه‌های خودشان درس لازم را بگیرند؟ و بیش از این به انقلاب مردم ایران زبان نرسانند؟

از جنایات ضد انقلاب

بر اساس خبری که روزنامه "صبح آزادگان" (شنبه ۲ خرداد) منتشر کرده است روز اول خرداد تعداد ۵۰۰ هزار آمبول سالم از نوع اتاقلین و ناداوین در بیابان‌های اطراف تهران کشف شده است. این دو نوع آمبول از نوع داروهای کمیاب بوده و نوع اتاقلین آن که مخصوص بیماری‌های قلبی است از داروهای کمیاب می‌باشد.

این خبر گویای این واقعیت است که ضدانقلاب فعالان و به طرز جنایتکارانه‌ای برای ایجاد کمبود مصنوعی مایحتاج ضروری مردم می‌کوشد و در این راه حتی از صرف مبالغ هنگفت نیز ابایی ندارد. موارد مشابه این اقدام به دفعات تکرار شده و مردم ایران تقریباً هر روز شاهد وقوع چنین جنایاتی هستند! راه بنیانی مبارزه با این خرابکاری‌ها ملی کردن تجارت مواد داروئی در چهارچوب ملی کردن تجارت خارجی و نیز دولتی کردن صنایع تولیدداری داخلی است. دولت بایستی با دردست گرفتن انحصار ورود و تولید دارو و توزیع و پخش آن دست عناصری را که حاضرند برای رسیدن به اهداف شوم خود با جان و هستی مردم بازی کنند از این عرصه کوتاه کند. هرگونه تعللی در این راه به معنای قربانی کردن جان‌های بیشتر و فشار فزاینده‌تر بر شانه‌های مردم محروم و زحمتکش ماست.

یاب پرسش يك راه حل و چند تمرین!

۱- پرسش

چنانچه یک روزنامه لیبرال بخواهد در شرایط کنونی هم خود را مدافع انقلاب، قانون اساسی آزادی و جمهوری اسلامی جا بزند و هم مردم را علیه انقلاب، قانون اساسی و آزادی و جمهوری اسلامی بشوراند چه باید بکند؟

۲- راه حل

ستونی در نشریه باز می‌کند به اسم "زنگ میزان" و از خوانندگان می‌خواهد که نظرات خود را تلفنی به آن اطلاع دهند. به این وسیله دستشان باز می‌شود، هم حرف دلشان را بزنند و هم مسئولیتی در قبال مخالفت با قانون به عهده نگرفته‌اند، هم آزادیخواه مانده‌اند و هم آنتی کمونیسم خود را نشان داده‌اند، هم از آخور خورده‌اند و هم از توبره.

۳- تمرین

صورت مسئله - کمونیست‌ها برای پیشبرد مبارزه ضدامپریالیستی میتینگ قانونی برگزار کرده‌اند، چگونه بایستی با این اقدام مبارزه کرد؟

راه حل - "از وزیر کشور سؤال می‌کنم چرا وقتی سیاست ما نه شرقی نه غربی است به گروهک‌های وابسته‌ای نظیر حزب توده و فدائیان اکثریت اجازه برگزاری میتینگ و راهپیمایی داده می‌شود، ولی به دیگران خیر؟"

(زنگ میزان پنجمین ۱۷ اردیبهشت)
صورت مسئله - تلویزیون برای گشودن فضای تفاهم و بحث یک سلسله بحث آزاد را شروع کرده و از همه نیروها منجمله لیبرالها برای شرکت دعوت کرده است، به جز شرکت نکردن در بحث چگونه می‌توان این حرکت را تخطئه نمود؟

راه حل - "از اینکه پای توده‌ای‌ها و کمونیست‌ها به تلویزیون باز شده است به امت مسلمان تسلیت عرض می‌کنم"

(زنگ میزان، دوم خرداد)
صورت مسئله - مسئولین تلویزیون تا کنون محاکمات امیر انتظام را به قضاوت و رای مردم نگذارده‌اند چگونه می‌توان از این تأخیر نا بجا در جهت تخطئه کمونیست‌ها و آب پاک ریختن بر خیانت‌های یک جاسوس استفاده کرد؟

راه حل - "طاغوت با آن همه استبداد بالاخره کوشه‌ای از محاکمات کلسرخ‌ی را در تلویزیون نشان داد اما حالا کار به جایی رسیده است که هیچ چیز از محاکمات آقای امیر انتظام را در تلویزیون نشان نمی‌دهند"

(زنگ میزان ۱۷ اردیبهشت)
صورت مسئله - از چه راهی می‌توان جلوی تصویب لوایحی چون اجرای بند "ج" - تجارت خارجی و... را گرفت؟

راه حل - "چرا در حالی که این همه لوایح ضدملی و ضداسلامی به مجلس می‌رود و دائم به تصویب می‌رسد، آقای بازرگان و همفکران ایشان در آنجا بنشینند و سکوت نموده و تنها به دادن رای کیود که هیچ اثری در مقابل رای اکثریت مجلس ندارد، اکتفا کرده‌اند؟ چرا آقای بازرگان و همفکران ایشان جلسه مجلس را ترک نمی‌کنند تا از اکثریت بیفتند و نتواند این لایحه را تصویب کند؟"

(زنگ میزان ۴ خرداد)

۴- رهنمود

کسانی که با چند تمرین فوق هنوز "شیرفهم" نشده‌اند می‌توانند به ستون زنگ میزان و ایضا ستون‌های "با حاشیه بی حاشیه"، "وجدان بیدار"، "در یک نگاه"، "افکار عمومی"، "نامه‌ها و نظرات" و... روزنامه میزان را مطالعه کنند.

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

کارگران در تمامی جبهه‌ها مبارزه می‌کنند

کارگران معادن و کوره‌های گچ کازرون: ما حقوق قانونی خود را می‌خواهیم



در اطراف کازرون بیش از سی کوره گچ وجود دارد که تولیدات آن بخش مهمی از احتیاجات استان فارس و تعدادی از استان‌های محاور را تأمین می‌کند. سنگ گچ این کوره‌ها از معادن مجاور آن استخراج می‌شود تولید گچ در دو مرحله توسط کارگران معدن و کارگران کوره صورت می‌گیرد. چه کارگران معادن گچ و چه کارگران کوره‌ها، در شرایطی بسیار نامساعد و خطرناک و بدون کمترین وسایل ایمنی کار می‌کنند. کارگران معادن گچ، زمستان‌ها در گل و لای و رطوبت و تابستان‌ها در گرمای طاقت‌فرسا و گرد و غبار و همواره در معرض خطر ریزش دیواره‌های معادن، به کار مشغولند. کارگران کوره نیز در معرض خطر گازهای متصاعد شده از سنگ گچ و گرد و غبار ناشی از جا به جایی سنگ‌ها و گچ حرارت دیده قرار دارند. این گرد و غبار روی چشم‌ها و دستگاه تنفسی اثرات مخربی

می‌گذارد. بطوری که اکثر کارگران کوره دارای ناراحتی‌های شدید و مزمن ریوی هستند. کارگران معدن از طلوع تا غروب خورشید کار می‌کنند و مقدار دستمزدی که می‌گیرند به هیچ وجه کفاف حداقل مایحتاج زندگی‌شان را نمی‌کند. بخصوص که این کارگران از هیچ گونه مزایای قانونی برخوردار نیستند. در رژیم گذشته، به علت زدوبندهای اداره کار با کارفرمایان هر گونه حرکت کارگران برای تأمین حداقل خواست‌هایشان با سرکوب و اخراج همراه بود. بعد از سرنگونی رژیم شاه و استقرار جمهوری اسلامی، کارگران معادن و کوره‌های گچ، با ارسال شکایت - نامه‌های فراوان خواست‌های برحق خوش را به گوش مقامات مسئول رساندند. آنها خواهان:

- ۱ - دوازده روز مرخصی سالانه (با استفاده از حقوق)
- ۲ - دریافت حقوق روزهای جمعه و تعطیلی رسمی

(مطابق قانون کار) ۳ - دریافت حق مسکن اولاد، خواروبار. ۴ - ۸ ساعت کار در روز می‌باشد. اداره کار نیز در اردیبهشت ماه ۵۹ با ارسال بخشنامه‌ای به کلیه معادن گچ، پرداخت حقوق و مزایای فوق را مورد تأکید قرار داد اما کارفرمایان حقوق قانونی فوق را به رسمیت نشناخته و تاکنون از قبول آن امتناع کرده‌اند. کارگران معادن و کوره‌های گچ کازرون که اکنون با درس - آموزی از تجارب تلخ نفرزده و پراکندگی صفوف خویش در تدارک تشکیل نخستین کانون‌های اتحاد و شکل صنفی - سیاسی خویش برآمده‌اند، می‌کوشند تا با تحکیم شکل خویش مبارزه قانونی و انقلابی‌شان را در راه بهبود شرایط کار و زندگی خویش و تقویت هرچه بیشتر انقلاب (به سهم خویش) به پیش برند.

کارگران چایخانه‌های تهران خواهان تثبیت حقوق سندیکائی خود هستند

جمعی از کارگران چایخانه‌های تهران، طی اعلامیه‌ای ضمن تأکید بر ضرورت وحدت سندیکائی کارگران ایران به لزوم شرکت فعالانه کارگران چاپ در انتخابات هیئت مدیره سندیکا اشاره نموده و مصرا نه خواستار تثبیت و تصریح ماده ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قانون کار حدید شده‌اند. کارگران چاپ تحکیم شکل‌های صنفی - سیاسی کارگران را (که موضوع ماده ۲۶ قانون اساسی است) لازمه انسجام صفوف کارگران دانسته و دفاع از دستاوردهای انقلاب و استقلال میهن را وظیفه مبرم همه تشکلهای کارگری شمرده‌اند. در این اعلامیه آمده است:

"در این شرایط حساس که از یک طرف بیکاری و کرانی اوج گرفته و از طرف دیگر فشارهای شدید کشورهای امپریالیستی و از همه مهمتر جنگ تحمیلی رژیم ضد مردمی صدام بیشترین لطمات را به مردم و بخصوص به کارگران وارد آورده است نداشتن یک وحدت قوی درون تشکلهای صنفی - سیاسی مشکل را چند برابر خواهد کرد... باید از انقلاب، به اتکای وحدت و

تشکل‌هایمان دفاع کنیم" کارگران مبارز چاپ در پایان اعلامیه خود در رابطه با مهمترین موانعی که علاوه بر توطئه‌های جبهه ضدانقلاب بر سر راه ایجاد این تشکلهای مبارزاتی قرار دارد می‌نویسند:

باید تأکید کنیم که برخورد های غیر مسئولانه وزارت کار و وجود عناصر مشکوک باقی مانده از دولت موقت نیز این‌گره را کور کرده است، هنوز هم وزارت کار به شکل دیگر لجاجت دارد که سندیکاهای را به عنوان تشکلهای کارگری نفی کند" ماضن تأیید و حمایت همه‌جانبه از تلاش‌های پیگیرانه کارگران مبارز و انقلابی چاپ توجه مسئولین وزارت کار را به مضمون و جوهر مواد ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی، که ناظر بر حقوق انقلابی تشکلهای کارگری است، جلب نموده و هماهنگی مسئولان وزارت کار با کارگران و تشکلهای کارگری موجود را در امر تثبیت حقوق شورایی و سندیکائی کارگران و پی‌ریزی و تدارک ایجاد این تشکلهای مبارزاتی را، ضرورتی حیاتی و مبرم می‌دانیم.

مواد ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی
(حقوق شورایی و سندیکائی)
کارگران، باید در
قانون کار جدید تصریح شود

مصادره ماشین آلات بلا استفاده شرکت‌های بزرگ در راه اندازی ادوات آسیب دیده در جنگ توسط کارگران

همزمان با آغاز جنگ تحمیلی عراق، کارگران "بانک ماشین‌آلات" استانداری خوزستان با تمامی امکاناتی که در اختیار داشتند، تعمیر و بازسازی ماشین‌آلات جنگی را به عهده گرفتند. کارگران این "بانک" که قبلاً پاسخگوی نیازهای تعاونی منطقه بودند با افزایش خرابی‌های جنگ اقدام به مصادره ماشین - آلات سنگین شرکت‌های خصوصی تعطیل شده نموده و آنها را در خدمت نیازهای جنگ تدافی بکار انداختند و به منظور ادامه بی‌وقفه کار تعمیر و بازسازی ادوات آسیب‌دیده پیشنهاد انتقال بانک از اهواز به مکان مناسب‌تری را نمودند. کارگران مبارز "بانک ماشین‌آلات" هم اکنون از مسئولین منطقه خواسته‌اند

که با در اختیار گذاشتن تسهیلات لازم جهت استفاده بیشتر از امکانات موجود و راه‌اندازی فوری ماشین - آلات و خودروهای ارتش و سپاه، از طریق مصادره ابزار و ادوات بلااستفاده‌ای که متعلق به سرمایه‌داران بزرگ است، بیش از پیش در جهت پاسخگویی به نیازمندی‌های مبرم جبهه مقاومت و پیشبرد انقلاب گام بردارند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر
پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

هروری بر نار یخچه جنبش سندیکائی در ایران

(قسمت پنجم)

● شکست جنبش ملی و دموکراتیک در آذربایجان و کردستان و تضعیف جو دموکراسی در حیات سیاسی جامعه به نوبه خود موجبات تضعیف اتحادیه‌های کارگری را فراهم آورد. امپریالیسم و دولت ارتجاعی قوام، به مراتب هارتر از گذشته شدند و به هر چه که نشانی از استقلال طلبی و آزادیخواهی داشت گستاخانه حمله بردند. بخشی از امکانات علنی اتحادیه‌ها از آنها سلب شد و متعاقب آن، "شورای متحده" نیز تاحدی تضعیف گشت به دنبال آن عناصر متزلزل و فرصت طلب نیز به اتحادیه‌ها پشت کردند که این امر از جنبه‌هایی مثبت بود زیرا تصفیه عناصر متزلزل از صفوف جنبش کارگری سندیکائی تاحدی به بازسازی و تحکیم اتحادیه‌ها و تقویت خلوص انقلابیشان کمک کرد. به هر حال بررسی دستاوردهای مبارزاتی اتحادیه‌ها در سالهای ۲۷ - ۱۳۲۵ نشان می‌دهد که:

اتحادیه‌های کارگری در طول هفت سال فعالیت علنی‌شان به رشد کمی و کیفی بی - سابقه‌ای نائل آمدند، در راه اتحاد با دهقانان گام‌های اولیه‌ای برداشتند، کارفرمایان را مجبور کردند حقوق اتحادیه‌ها را به رسمیت بشناسند، قانون کار، ۸ ساعت کار روزانه و بخشی از مهمترین حقوق صنفی - سیاسی را رسمیت دادند سنت بزرگداشت اول ماه مه را رونق فراوان و اعتبار نوینی بخشیدند و بالاخره، کارگران را علیه سیاست‌های استعمار انگلیس، بخصوص علیه سیاست‌های راهزانه شرکت نفت انگلیس بسیج کردند و شکل اتحادیه‌های را به سلاح کارگران در مبارزه علیه فاشیسم، ارتجاع و وابستگی و همچنین مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی و استقلال ملی بدل کردند.

امپریالیسم و ارتجاع نتوانست بیش از این فعالیت اتحادیه‌ها را تحمل کند و کم‌به‌کم به فروپاشی آن بست. در سال ۱۳۲۷ با اعلام انحلال "شورای متحده" از جانب رژیم شاه وسایل ارتباط جمعی دولتی، اوباش و مرتجعین و وابستگان امپریالیسم انگلیس و آمریکا، نوک حملات خویش را متوجه اتحادیه نمودند. با وجود این قادر به اضمحلال اتحادیه‌ها نشدند.

بطور کلی جنبش سندیکائی ایران در سالهای ۲۷ - ۱۳۲۳، رونق و اعتلای چشمگیری داشت در این رابطه فراگیر شدن مبارزات اتحادیه‌ای و سهمی که کارگران در پیشبرد مبارزات صنفی - طبقاتی و ملی داشتند، قابل تاکید است. به جرات می‌توان گفت که جنبش ملی نفت را بیش از هر چیز، مبارزات کارگری و سندیکائی ایران پی‌ریزی کرد. این نکته‌ای است که باید کم و کیف آن را در فرصتی دیگر دقیقاً مورد بررسی قرار دهیم.

و اما ارتجاع و امپریالیسم با پی‌بردن به نیروی شکل و توان مبارزاتی طبقه کارگر، احساس خطر نموده، با نزدیک شدن پایان جنگ به جان شورای متحده مرکزی افتادند. دوران

سرکوب اعتصابات و توقیف و بازداشت فعالین اتحادیه‌ها آغاز گشت. تا اینکه در بهمن ۱۳۲۷ رژیم شاه همزمان با غیرقانونی کردن حزب توده شورای متحده مرکزی کارگران ایران را نیز منحل اعلام نمود.

در دوره دولت قوام، "حزب دمکرات" - ا. مذبحخانه تلاش کرد، اتحادیه‌های تحت عنوان "اتحادیه سندیکاهای کارگران ایران" تاسیس نموده و آن را به عنوان نماینده واقعی کارگران ایران به محافل جهانی معرفی نماید. ولی این تلاش نقش بر آب شد و "فدراسیون سندیکائی جهانی" (فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری) در سال ۱۳۲۶ شورای متحده مرکزی را به عنوان یگانه نماینده کارگران ایران به رسمیت شناخت. و این گام ارزنده و موثری بود در راه اتحاد و همبستگی طبقه کارگر ایران با کارگران سراسر جهان. شورای متحده مرکزی به خاطر تحکیم همبستگی بین‌المللی از اتحادیه‌های کارگری شوروی، انگلیس و فرانسه دعوت به عمل آورد که قبل از همه نمایندگان اتحادیه‌های شوروی به ایران آمدند و مورد استقبال پرشور کارگران ایرانی قرار گرفتند. شورای متحده مرکزی، یک ارگان مرکزی به نام روزنامه "ظفر" منتشر می‌کرد. این نشریات، کارگران را با مسائل صنفی - سیاسی، فوایس سندیکائی، مسائل بین‌المللی و... آشنا می‌نمود و در آشنا ساختن طبقه کارگر به وظایف و امکانات خویش نقش مهمی بازی می‌کرد. بدین لحاظ، همچون خاری بود در چشم مرتجعین و امپریالیست‌ها.

سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹ سالهای تحدید آزادی‌های دموکراتیک و فروکش نسبی مبارزات اتحادیه‌ای بود سرمایه‌های ملی که در فاصله سالهای ۲۷ - ۱۳۲۵ به نحو قابل توجهی رشد کرده و انباشته شده بود، عرصه مساعدی جهت فعالیت نداشتند. بزرگترین علت آن ورود بی‌رویه کالاهای خارجی و سیاست‌های اقتصادی ضدملی رژیم بود. این امر امکان رشد سرمایه ملی را تضعیف می‌نمود. بحران اقتصادی (به ویژه در صنایع) بیکاری فقر روزافزون و تورم و گرانی، رو به فزونی نهاد. کارفرمایان به واسطه تشدید رکود اقتصادی بر فشار خویش نسبت به زحمتکشان افزودند. بورژوازی ملی و خرده‌بورژوازی با ورشکستگی روبرو بودند.

حمایت از صنایع ملی کشور شعار کلیه نیروهای ملی بود در طول این دو سال، هرچند ارتجاع توانست با تضعیف جنبش سندیکائی رشد فزاینده و یکپارچه آن را کند نماید. ولی قادر نشد، جنبش کارگری و دموکراتیک را برای مدتی طولانی به بند کشد. در طی این دو سال، نارضائیهای عمومی شدت می‌یافت و زمینه وجود حرکات اعتراضی متعدد ولی پراکنده در اکثر واحدهای تولیدی، که تحت رهبری سندیکاهاشکل می‌گرفت موبد این نظر است.

از اوائل سال ۲۹ (در آستانه اعتلای جنبش

ملی) اعتصابات و نمایشات قدرت کارگران ایران که خصلت صنفی - سیاسی بارزی داشت به سرعت پا گرفت. در همین سال بیش از ۲۵۰ اعتصاب کارگری انجام پذیرفت. هر یک از این اعتصابات ضربه‌ای بود که بر پیکر ارتجاع و امپریالیسم وارد می‌آمد. یکی از ویژگی‌های اساسی و بارز اعتصابات کارگری این دوره (که خود از نشانه‌های نویدبخش شکل‌گیری یک جنبش ملی بود)، حمایت فعال و عملی کلیه اقشار و طبقات ملی از اعتصابیون بود. هر جا که کارگران بیا می‌خواستند، دانشجویان، محصلین، پیشه‌وران و دهقانان... به پشتیبانی‌شان می‌شتافتند. در این دوره، وحدت سندیکائی تا حدی ضعیف گشته بود و جنبش کارگری - سندیکائی ایران از رهبری صحیح و سیاستی اصولی و پرولتری بی - بهره بود، و همچنین "حزب توده ایران"، از درون و بیرون ضربات سنگینی خورده و فاقد سیاست و درایت لازم جهت هدایت جنبش پرولتری بود. این عوامل دست به دست هم داده و موجب شد که جنبش کارگری - سندیکائی ایران نتواند اعتراضات متعدد و پراکنده خود را بطور یکپارچه بسیج و متشکل ساخته و در راستای یک سیاست انقلابی و اصولی کانالیزه نماید. و اما مهمترین حرکات مبارزاتی این دوره را می‌توان چنین برشمرد:

کارفرماها، در کارخانه‌های نساجی شاهی، (که دولتی بود) در نظر داشتند دستمزد را کاهش داده و بر ساعات کار روزانه بیفزایند. تصمیماتی از این قبیل در اکثر واحدهای کشور، با سوءاستفاده از بحران اقتصادی موجود، صورت می‌گرفت و این بدیهی بود که کارگران از حداقل حقوق صنفی - سیاسی‌شان که محصول یک دهه مبارزه متشکل و پیگیرانه بود، دست نخواهند کشید. کارگران شاهی نیز برای احقاق حقوق خود، در بهار سال ۱۳۲۹ دست به اعتصاب بزرگی زدند که از حمایت همه‌جانبه مردم شهر برخوردار شد. نیروهای دولتی در ۴ اردیبهشت این اعتصاب را با آتش گلوله پاسخ دادند که در اثر آن بنابه اظهارات مقام رسمی دولت، ۵ کارگر کشته و تعدادی زخمی شدند. کارگران ریسندگی سمنان در تابستان ۱۳۳۱ به تعطیل شدن کارخانه اعتراض نموده و طی اعتصابی افتتاح مجدد آن را مطالبه کردند. پیشه‌وران و مردم شهر از کارگران حمایت نموده و بازار را تعطیل نموده و در یک میتینگ ده‌هزار نفری شرکت کردند. دولت به جای تأمین حقوق کارگران به سرنیزه متوسل شد که طی آن در ۱۳ شهریور، ۵ کارگر شهید و تعدادی نیز زخمی شدند. این حق‌کشی و کشتار، انزجار مردم، به ویژه کارگران را برانگیخت. در ۱۴ شهریور، ۴۳ سندیکای کارگری تهران طی جلسهای، از کارگران سمنان پشتیبانی به عمل آورد. در دی‌ماه ۱۳۳۱ یکی از کارگران مبارز کفاش به دست گروه‌های

بقیه در صفحه ۲۲

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

خبرهایی از روستاهای کشور

کلیه دیون و بدهی های گذشته دهقانان زحمتکش لغو باید گردد

شهرکرد - روستای جونقال روستائیان زحمتکش جونقال از توابع شهرکرد طی طوماری از مقامات دولتی خواستار لغو بدهی های مربوط به اصلاحات ارضی رژیم گذشته شدند. لازم به یادآوری است که در سال گذشته بر اثر جاری شدن سیل در منطقه و همچنین آفات نباتی کلیه محصولات این روستائیان از بین رفته است و هم اکنون دهقانان زحمتکش این روستا در وضع بد اقتصادی به سر می برند.

شکر مورد نیاز زنبورداران باید تامین شود

آذربایجان - زنجان - کمبود قند و شکر علاوه بر فشاری که بر توده های زحمتکش در مصرف عمومی به جا گذاشته به طریقی دیگر نیز روی بعضی از محصولات تولیدی آنان تاثیرات منفی داشته است. برای نمونه تاثیر کمبود شکر در رابطه با زنبورداران منطقه آذربایجان و زنجان قابل ذکر است. زنبورداران روستاهای فوق برای تسریع در امر تولید عسل از سالها پیش به خوراک زنبورها شکر می افزودند، این شیوه اکنون نیز در روستاهای مختلف رایج است. با آغاز فصل بهار یعنی آغاز فصل زنبورداری، زنبورداران این مناطق با مشکل کمبود شکر روبرو گشته اند و این مسئله برای روستائینی که تنها درآمد آنها از طریق زنبورداری است بسیار مهم است. با توجه به این مسئله که عسل یکی از محصولات سنتی

روستاهای ایران است و در سالهای گذشته به دلیل سیاست های رژیم شاه در معرض نابودی قرار داشت اکنون بردولت و دیگر مسئولین امور کشاورزی است که به این امر توجه جدی نموده و نیاز روستائیان را از نظر شکر جهت احیاء زنبورداری تامین نمایند.



دره شهر - هاشم آباد

دره شهر یکی از توابع استان ایلام است و هاشم آباد دهی است که در حوالی دره شهر واقع است. روستای هاشم آباد همواره یکی از کانون های سبزی دهقانان با خوانین و زمینداران بزرگ بوده است. فتودال معروف این روستا جهانگیرخان است که بیشتر زمین های این روستا را در اختیار خود دارد. جندی پیش جهانگیرخان با کمک ایادی و دوستان خود نظیر جهان شاه خان با خواست برحق دهقانان بی زمین و کم زمین منطقه به مبارزه برخاسته و قصد داشت زمین های مورد نیاز دهقانان را شخم بزند اما دهقانان زحمتکش این روستا به مقابله با آن دست زده و از شخم زدن زمین ها جلوگیری به عمل آوردند. دهقانان

معتقدند که این زمین ها حاصل دسترنجشان است و به آنها تعلق دارد. دولت باید با به اجرا درآوردن کامل قانون اصلاحات ارضی از جمله بندهای "ج" و "د" به خواست دهقانان مبنی بر سپردن زمین به آنها پاسخ داده و به حاکمیت زمینداران بزرگ و خوانین و فتودال ها پایان بخشد.

خراسان - اسفراین

اسفراین یکی از مراکز تولید دام در استان خراسان است. در حال حاضر نزدیک به ۹ میلیون گوسفند، ۴

در ادامه طور مراهی که از طرف دهقانان زحمتکش روستاهای سراسر کشور برای آیتاله خمینی و مسئولین دولت جمهوری اسلامی ایران فرستاده شده و در آن خواستار اجرای بند "ج" و "دال" قانون اصلاحات ارضی گردیدند، این بار نیز به دلیل کمبود صفحات از کلیشه همه آنها خودداری کرده و فقط به ذکر اسامی روستاها اکتفاء می کنیم و برای بار دیگر توجه مقامات مسئول را به این خواست اساسی و مشترک میلیون ها دهقان زحمتکش ایرانی جلب می نمایم:

روستای جعفر صادق از توابع شهرستان رامهرمز استان خوزستان
روستاهای اوجاق فشلاق و یوسف آباد از توابع گرمی مغان استان آذربایجان.

برای افزایش تولید و گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب بند (ج) و (د) را اجراء کنید

روستای رودان برآن از توابع شهرستان اصفهان.
روستای خورموج از توابع شهرستان بوشهر استان ساحلی
روستاهای کارتیج کلا، موسی کلا، نجار کلا جدید، نجار کلا قدیم، آزاد محله (پائین دسته سابق) و کوشی کلا از دهستان کیا کلا شهرستان قائم شهر استان مازندران
روستای عطا آباد از توابع آق قلا منطقه ترکمن صحرا
روستای تکیه علیا از توابع شهرستان قروه استان کردستان
نمایندگان روستای یوسفعلی از توابع شهرستان بروجرد استان لرستان
روستاهای منطقه گوران شهرستان کمرند استان کرمانشاهان.



زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ترکمن صحرا

اطلاعیه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ترکمن صحرا

درباره: اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی انقلاب

در دفاع از استقلال ملی است، فعالیت در چهارچوب این قانون را می‌پذیریم و پای بندی حاکمیت از جمله ارگان‌های منطقه را به آن خواستاریم. ما بار دیگر توجه مسئولین منطقه از جمله دادستانی را به مراتب فوق جلب می‌کنیم و خواهان آنیم که گام‌های لازم و اساسی در جهت ایجاد و گسترش زمینه‌های تفاهم ملی و زدودن کدورت‌های موجود بین ملت‌ها و پیوند آنان و وحدت هرچه بیشتر نیروهای مدافع انقلاب در منطقه بردارند.

گسترده‌باد همکاری و همگامی همه نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ترکمن صحرا
اول خرداد ۶۰



مقامات مختلف منطقه صورت می‌گیرد. مورد تأیید و پشتیبانی قرارداده و خواهیم داد. ما هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ترکمن صحرا تلاش داریم همچنان گذشته از جمهوری اسلامی ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا و متحدین آن حمایت کنیم و با تمام نیرو برای درهم شکستن توطئه‌های ضدانقلاب در منطقه و دیگر جاها بکمک نیروهای ضدامپریالیست بشتابیم، شاهد ادعای ما وجود هزاران نفر از یاران ما در جبهه‌های نبرد علیه رژیم صدام و جانبازی‌های آنان در دفاع از استقلال میهن عزیزماست. ما ضمن اعلام اینکه هیچ‌یک از افراد ما مسلح نیستند، هیچگاه با جمهوری اسلامی که رژیمی است ملی و رهبری آن در دست ضدامپریالیست است مبارزه مسلحانه نخواهیم کرد. ما با پذیرش اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علیرغم همه نارسائی‌ها قانونی است که سمت اصلی آن علیه سلطه امپریالیسم و

ضدانقلاب و عوامل فئودالها به انحاء مختلف از قبیل تفرقه بین شیعه و سنی، تشکل افغانی‌های مهاجر، نفوذ و حضور در ارگان‌های دولتی و... سعی دارند، حاصل مبارزات توده‌ها، مخصوصاً دهقانان زحمتکش و شوراهای مردمی موجود منطقه را بی ثمر گردانند. ما در این مدت برای خنثی کردن همه تلاش‌های ضدانقلابی فوق سعی کرده‌ایم که در حد توان خود، با اتخاذ سیاست‌های اصولی به دفاع از دست‌آوردهای مبارزات زحمتکشان منطقه، سراسر کشور، انقلاب و جمهوری اسلامی بپردازیم. ما کوشیده‌ایم با پیگیری سیاست تفاهم ملی که در جهت تقویت انقلاب و تحکیم صفوف خلق است، از وحدت تضادهای درون خلق‌های منطقه کاسته و توده‌های زحمتکش منطقه را صرفنظر از تعلقات ملی و قومی‌شان به ضرورت دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی واقف گردانیم، ما همچنین کلیه اقداماتی را که در این مورد و موارد مشابه دیگر، از جانب حاکمیت، نهادها، و

تحکیم وحدت فراخواندند. مواضع واقع بینانه‌فوق و تلاش‌های قابل توجه دیگری که توسط سایر عناصر و نهادهای جمهوری اسلامی در برقراری حاکمیت قانون و گشودن فضای سالم سیاسی صورت می‌گیرد، می‌تواند و باید در جهت تحکیم، تقویت و گسترش انقلاب قرار گیرد، از آنجمله است: ضرورت برخورد درست و واقعی از جانب همه نیروها و نهادهای انقلابی در منطقه با اعلامیه ده ماده‌ای دادستانی و تلاش در جهت تحقق آن، مخصوصاً اینکه اجرای اعلامیه فوق در منطقه ما حائز اهمیت فراوانی خواهد بود، منطقه‌ای که هنوز پس از گذشت بیش از ۲ سال از انقلاب از همه توان توده‌های مردم و نیروهای انقلابی برای دفاع از دست‌آوردهای انقلاب بهره‌برداری نشده است. منطقه‌ای که هنوز پی‌آمدهای ناگوار دو جنگ برادرکشی و ناخواسته را همچنان بدوش می‌کشد. منطقه‌ای که با وجود کوتاه شدن دست مالکان و سرمایه داران بزرگ باعتبار پاره‌های مشکلات،

قریب چهارماه پیش آیت‌الله خمینی با پیام امیدبخشی در باره کردستان افق روشنی را در راه حل مسئله بغرنج آن منطقه پیش روی انقلاب گشودند. این پیام که حاوی نکات مثبتی بود، تا ثیرات قابل ملاحظه‌ای در اقدامات اولیه برای پایان دادن مشکلی که هم‌اکنون جمهوری اسلامی، خلق کرد و مردم سراسر ایران درگیر آن هستند داشت نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی از جمله سازمان ما با جواب مثبت به این پیام بار دیگر بر جانبداری از حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با دشمنان انقلاب ایران پای فشردند و با اقدامات عملی صف نیروهای انقلاب را تقویت و اتحاد نامقدس ضدانقلاب را آسیب پذیر ساختند. امام پس از اعلام این موضع درست درباره کردستان در خطابه و سخنرانی‌های متعدد دیگر خود مخصوصاً در سالروز تا سیس جمهوری اسلامی همه گروه‌ها و نیروهای دلسوز انقلاب را در سراسر کشور به دفاع از جمهوری و

با اجرای بند (ج) و (د)

دست زمینداران بزرگ را از زندگی روستائیان

کوتاه کنیم!

صادر می‌نماید و ژاندارمری نیز جهت اجرای حکم به روستای فوق یورش آورده و چند تن را به جرم درگیری با قوای انتظامی دستگیر می‌نماید. اکنون مسئله زمین همچنان حل نشده باقی مانده است و ایزدی نیز با برخورداری از پشتیبانی دادگاه انقلاب، لیبرال‌ها و خوانین منطقه مشغول توطئه بر علیه دهقانان زحمتکش زندانی شده می‌باشد.

روستائیان زحمتکش و در پی برنامه‌ریزی‌های متوالی سرانجام موفق شد بین این روستائیان و کسانی که قبلاً زمین‌ها را از مالکین اجاره می‌کردند درگیری بوجود آورد. به دنبال این درگیری حدود ۴۰ نفر از روستائیان جهت ختم ماجرا به شیراز مراجعه نموده که در آنجا ۳ تن از نمایندگان آنان به جرم ضدانقلاب دستگیر و زندانی می‌شوند. در پی این مسئله، دادگاه انقلاب شیراز که تاکنون عمدتاً از ملاکین و خوانین پشتیبانی نموده است حکمی را مبنی بر استرداد زمین‌های ایزدی

مروودشت - روستای گودرز شک - یکی از روستاهای حوالی مروودشت است که مالک زمین‌های این روستا و چند روستای اطراف آن از جمله منصورآباد و کمزرد، علی ایزدی، برادر علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی دولت گام به گام می‌باشد. بعد از انقلاب، روستائیان زحمتکش با مبارزات خود موفق شدند زمین‌های وی را که در زمان شاه به زور سرنیزه به تصرف درآورده بود بازپس بگیرند. اما ایزدی به همراه دیگر مالکین بزرگ منطقه با توطئه‌های مکرر بر علیه





اردوگاه سوسیالیستی و نقش آن در روند انقلابات جهانی

● در طول نیم قرن گذشته بشریت با سرعت بی سابقه‌ای در مسیر تکامل اجتماعی به پیش رفته است. در این فاصله علاوه بر دستاوردهای عظیم علمی و فنی و علاوه بر اکتشافات بیشتر علمی انقلاب‌های اجتماعی عمیقی به وقوع پیوسته و تغییراتی اساسی در مناسبات جهانی بوجود آمده است. نظام سوسیالیستی که با انقلاب اکتبر و پیدایش اتحاد جماهیر شوروی پای گرفت، اکنون به یک سیستم جهانی و به نیرویی قاطع در تعیین مسیر حوادث جهان تبدیل گشته است.

از سوی دیگر اکنون بیش از همیشه آشکار گشته است که نظام سرمایه‌داری قادر به تامین پیشرفت اجتماعی نیست و تضادهای عمیق اجتماعی، اقتصادی حادی‌گیر آن است. سرمایه‌داری جهانی از حل تضادهای درونی خویش ناتوان است و روز به روز بیشتر در معرض بحران‌های اقتصادی عمیق، بحران انرژی، بحران‌های تجاری و سیستم پولی خود قرار گرفته است. مبارزه بین کار و سرمایه در پیوندهای گیتی حادثه‌گشته و اعتصابات متعددی با خصلت اقتصادی و سیاسی در کشورهای سرمایه‌داری به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این تضادهای ناشی از رقابت بین گروه‌های انحصاری نیز تشدید یافته است. خلق‌های بسیاری از طریق انقلابات آزادیبخش به استقلال دست یافته و سرشت تجاوزگر امپریالیسم رابه‌عریانی بیشتری آشکار ساخته‌اند.

تغییرات اجتماعی جهان بیش از هر چیز به فعالیت اردوگاه سوسیالیستی جهانی و تاثیر قاطع آن بر روند وقایع گیتی بستگی داشته است. نوشته حاضر به ارائه تصویری کلی از اردوگاه سوسیالیستی جهان و مناسبات درونی و بیرونی آن می‌پردازد.

گرفتند.

بنا بر این اگر در آغاز قرن بیستم زمینه برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک کشور فراهم بود با همکاری شریک‌های تمام نیروهای سوسیالیسم و ضدفاشیسم در هر کشور و در عرصه گیتی در جنگ بین‌المللی دوم، زمینه پیروزی سوسیالیسم و پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی جهان فراهم شد.

پیدایش اردوگاه سوسیالیستی مستلزم روابط نوین ویژه‌ای بین دولت‌ها و خلق‌های این کشورها بود. آنچه که در این شکل مناسبات بیش از هر چیز اهمیت دارد عامل عینی وجود این کشورها به عنوان دولت‌های از لحاظ تاریخی مستقل می‌باشد. عامل مهم دیگر حفظ و تحکیم حاکمیت دولت‌های سوسیالیستی و پرورش روابط رفیقانه و برادرانه در چارچوب خانواده کشورهای سوسیالیستی است.

باید خاطر نشان ساخت که کشورهای اردوگاه سوسیالیستی از سطوح متفاوتی از تکامل اقتصادی اجتماعی (در چارچوب سوسیالیسم) برخوردارند، چرا که وضعیت نیروهای مولده و مناسبات اجتماعی و همچنین شرایط طبیعی و جغرافیایی هر یک از این کشورها در هنگام گام نهادن به مسیر تکامل سوسیالیستی، متفاوت بوده است و بنا بر این مسائل مشخص اجتماعی - اقتصادی آنها نیز به گونه‌ای مختلف حل شده و خواهد شد. مثلاً مردم اتحاد شوروی اکنون به مرحله سوسیالیسم رشد یافته رسیده و به سوی ساختمان کمونیسم گام می‌نهند. در جمهوری دمکراتیک آلمان و چکسلواکی سطح تکامل صنعتی و کشاورزی به درجات عالی رسیده است. در مجارستان، لهستان، بلغارستان، رومانی و یوگسلاوی پیروزی‌های عظیمی در فائق آمدن بر عقب‌ماندگی‌های اقتصادی حاصل گشته است. جمهوری خلق مغولستان که قبلاً یک کشور عقب‌مانده با اقتصاد شبانی و دامداری بود، پس از انقلاب با درپیش گرفتن سمت‌گیری سوسیالیستی به پیشرفت‌های درخشانی نائل گشته است. کوبای سوسیالیست که قبلاً یک کشور سرمایه‌داری عقب‌مانده با اقتصاد تک

پیدایش و تکوین اردوگاه سوسیالیستی

سوسیالیسم به مثابه یک نظام اجتماعی نوین ابتدا با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در شوروی بنیان نهاده شد. ساختمان سوسیالیسم و تکامل آن در اتحاد شوروی دستاورد بزرگ خلق‌های این کشور به رهبری حزب کمونیست آن و در عین حال دستاورد جنبش طبقه کارگر جهانی و پیروزی ایده‌های انترناسیونالیستی مارکسیسم - لنینیسم می‌باشد.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر همانگونه که لنین گفته است آغازگر عصر تاریخی جدیدی بود که محتوای عمده آن را گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم تشکیل می‌دهد این انقلاب طلایه‌دار سرنگونی سرمایه‌داری و تاسیس بنیادهای نظام سوسیالیستی بود.

واقعیه بسیار مهم دیگری که در دگرگونی توازن نیرو و مناسبات جهانی نقشی عمده ایفاء کرد پیروزی ارتش سرخ شوروی بر فاشیسم درنده‌خوی آلمان و میلیتاریزم ژاپن، یعنی ارتجاعی‌ترین و تجاوزکارترین نیروهای امپریالیسم جهانی بود.

پیروزی ارتش شوروی و سایر نیروهای ضد فاشیست سراسر جهان که به بهای زندگی میلیون‌ها انسان بدست آمد به دنبال خود اوج‌گیری جدیدی در جنبش‌های دمکراتیک کشورهای سرمایه‌داری، و پیروزی انقلاب‌های دمکراتیک خلق و سوسیالیستی در چندین کشور آسیا و اروپا را بوجود آورد که مسیر تحول سوسیالیستی را درپیش گرفتند. این پیروزی در عین حال پیروزی نیروهای پیشرو و آزادیخواه سراسر جهان محسوب می‌شد.

توده‌های کشورهای سوسیالیستی تحت رهبری احزاب م - ل. درس‌های ارزشمندی از گذشته از تاریخ، و از تجربه مبارزات طبقاتی و آزادیبخش فرا گرفته و در اتحاد با خلق‌های مبارز و آزادیخواه سراسرگیتی بر ضد ارتجاع و فاشیسم راه صلح و سوسیالیسم را درپیش

محصولی بود اکنون با موفقیت به ساختمان سوسیالیسم ادامه می‌دهد. جمهوری دمکراتیک خلق کره با وجود تمام دشواری‌هایی که ناشی از سلطه امپریالیست‌ها بر کره جنوبی بود، به دستاوردهای عظیمی در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی نائل گردیده است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام که بیش از ۳۰ سال بر علیه تجاوز امپریالیست‌ها، و به خاطر آزادی ملی و وحدت کشور پیکار نمود، گرچه با مشکلات پیچیده اجتماعی - اقتصادی فراوانی مواجه است لکن قهرمانانه در بازسازی سوسیالیستی جامعه کوشیده و پیروزی‌های چشمگیری داشته است. کشور لائوس نیز اکنون فعالانه سرگرم بازسازی جامعه‌ای است که در هنگام پیروزی انقلاب یک اقتصاد کشاورزی عقب‌افتاده داشته است.

بنا بر این با توجه به جنبه‌های گوناگون هر یک از کشورهای سوسیالیستی بدیهی است که اشکال مشخص مناسبات بین آنها نمی‌تواند در تمام موارد یکسان باشد. اما اصول اساسی این مناسبات همواره یکسان است.

اشکال مشخص روابط بین کشورهای سوسیالیستی بیانگر سطح تکامل سوسیالیسم در این یا آن کشور، منافع ملی و درجه آمادگی اقتصادی برای پذیرش پیوندهای بیرونی است این مطلب بدان معناست که هر دولت سوسیالیستی، حزب کمونیست و کارگری آن مطلقاً در انتخاب اشکال و شیوه‌های همکاری با دیگر کشورهای برادر آزاد می‌باشند. برای درک بهترین مطلب بهتر است مفهوم سوسیالیسم جهانی را کمی بیشتر توضیح دهیم. روند انقلابی جهان، امروزه بر تمام جنبه‌های زندگی انسان و مناسبات بین‌المللی تاثیر می‌گذارد. سوسیالیسم گرایش تاریخی اصلی جوامع بشری معاصر است و در یک روند واحد انقلابی متجلی می‌گردد. عامل اصلی رشد این روند همانا فعالیت کشورهای سوسیالیستی است چرا که در این کشورها انقلاب سوسیالیستی به وقوع پیوسته و ساختمان جامعه نوین آغاز گشته است. اجزاء دیگر این روند را مبارزه طبقه کارگر و متحدانش به خاطر سوسیالیسم در کشورهای سرمایه‌داری، فعالیت احزاب کمونیستی و کارگری، گرایشات ضد سرمایه‌داری و اساساً سوسیالیستی در کشورهای تازه استقلال یافته، و جنبش‌های ضد - امپریالیستی سراسر جهان تشکیل می‌دهند.

سوسیالیسم جهانی اکنون مفهوم علمی و واقعیت زنده‌ای است که بیانگر انطباق فعالیت‌های مشترک نیروهای اجتماعی فوق به خاطر هدف مشترک آنها، یعنی انهدام ستم و استثمار انسان از انسان و ایجاد ساختمان سوسیالیسم می‌باشد. مفهوم سوسیالیسم جهانی امروزه در وجود اردوگاه سوسیالیستی تبلور می‌یابد. این اردوگاه به عنوان نیروی عمده‌ای عمل می‌کند که کمک‌های سیاسی، اقتصادی و در صورت لزوم نظامی رابه مبارزات آزادیبخش خلق‌ها ارائه می‌دهد.

بنا بر این حفظ و استحکام اردوگاه سوسیالیستی جهان و در راس آن اتحاد شوروی و کوشش در جهت رشد آن وظیفه

همکاری‌های سیاسی و ایدئولوژیک

کشورهای اردوگاه سوسیالیستی و احزاب کمونیست این کشورها کوشش خود را همواره بر ارتقاء همکاری‌های سیاسی متمرکز می‌سازند که در اشکال مختلف صورت می‌پذیرد و دامنه‌های وسیعی را دربر می‌گیرد. همکاری میان احزاب کمونیست، میادله تجربیات ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم، هماهنگی سیاست خارجی و مبارزه بر ضد سیاست امپریالیسم، و بالاخره همکاری در حوزه دفاع از موجودیت و حفظ دستاوردهای سوسیالیسم. این همکاری‌ها مطلقاً داوطلبانه و بر اساس آگاهی مردم کشورهای سوسیالیستی از منافع سوسیالیسم صورت می‌پذیرد. امروزه جامعه سوسیالیستی از لحاظ سیاسی، اخلاقی و ایدئولوژیک غنای بیشتری یافته و سیستم دولتی سوسیالیستی و دموکراسی سوسیالیستی تکامل بیشتری یافته است. اشکال مختلف میادله تجربه‌ودانش و تکنولوژی در ساختمان سوسیالیسم که بین کشورهای برادر برقرار است وسیعاً در سرعت بخشیدن به امر پیشرفت و ترقی مشترک این کشورها کمک می‌نماید. پیمان‌های همکاری، دوستی و کمک متقابل که عملاً بین تمام کشورهای اردوگاه سوسیالیستی به امضاء رسیده است اساساً بیانگر یک ایده مشترک می‌باشد: حفظ دستاوردهای سوسیالیسم و دفاع از آن در مقابل توطئه‌های امپریالیسم و گسترش مناسبات بین دولت‌ها بر اساس کاملاً نوین. علاوه بر پیمان‌های دوجانبه‌ای که بین کشورهای اردوگاه سوسیالیستی وجود دارد، تعدادی از این کشورها (اتحاد شوروی، لهستان، چکسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان، مجارستان، بلغارستان و رومانی) در سال ۱۹۵۵ در ورشو به انعقاد یک معاهده سیاسی نظامی مبادرت ورزیدند. هدف پیمان ورشو حفظ تمامیت ارضی کشورهای سوسیالیستی و تأمین امنیت کشورهای امضاء کننده آن بود. بر اساس پیمان ورشو، هرگاه یکی از کشورهای عضو مورد تهدید نظامی قرار گیرد، کمک متقابل سیاسی و نظامی سایر کشورهای این پیمان در اختیار آن کشور قرار خواهد گرفت. انعقاد پیمان ورشو ضرورتی بود که از افزایش خطر حمله نظامی قدرت‌های سرمایه‌داری اروپا و آمریکا به کشورهای سوسیالیستی ناشی می‌شد. لازم به تذکر است که پیمان ورشو به عنوان عکس‌العملی دفاعی و چند ماه پس از انعقاد پیمان تجاوزکارانه امپریالیستی "ناتو" بوجود آمد. کشورهای سوسیالیستی که با خطر فزاینده تجاوز امپریالیست‌ها مواجه بودند، مشترکاً به اتخاذ سیاستی هماهنگ دست زدند. امضاء کنندگان پیمان ورشو اعلان داشتند که اتحاد سیاسی-نظامی آنها دقیقاً خصیصه دفاعی دارد. اعضای پیمان ورشو تاکنون چندین بار پیشنهاد خلع سلاح مشترک، عدم دخالت در امور جهانی و حفظ امنیت اروپا را ارائه داده‌اند آنها در سال ۱۹۶۶ آمادگی خود را برای لغو همزمان دو پیمان ورشو و ناتو اعلان داشتند. این پیشنهادها همواره با عدم پذیرش امپریالیست‌ها مواجه گردیده است.

کشورهای اردوگاه سوسیالیستی در بسیاری از مسائل بین‌المللی بطور هماهنگ اقدام می‌نمایند این امر قدرت و توانایی آنان را در مقابله با سیاست‌های امپریالیستی ده‌چندان می‌نماید. مثلاً کوبا اولین دولت سوسیالیستی در قاره آمریکا است که اکنون بیش از دو دهه تکامل سوسیالیستی خود را قاطعانه پشت سر نهاده و در عرصه جهانی یک سیاست ضد امپریالیستی فعال را دنبال کرده و از

اردوگاه سوسیالیستی و...

سرمایه‌داری وسایل عمده تولید و استقرار مالکیت اجتماعی (سوسیالیستی) بر وسائل تولید است. ثانیاً نظام سیاسی یکسانی دارند که حاکمیت طبقه کارگر بر پایه اتحاد با سایر زحمتکشان می‌باشد. وثالثاً ایدئولوژی مشترکی دارند که مارکسیسم لنینیسم است و بالاخره هدف مشترک آنها ایجاد جامعه کمونیستی نوین می‌باشد. منافع مشترک این کشورها در دفاع از اهداف انقلابی و استقلال ملی به خاطر مقابله با تجاوزات اردوی امپریالیستی و توسعه مداوم اقتصاد و فرهنگ و ارتقاء زندگی زحمتکشان تبلور می‌یابد.

این وحدت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمینه عینی روابط رفیقانه مستحکم را در درون اردوی سوسیالیستی فراهم می‌نماید که همانا تجلی‌گر انترناسیونالیسم سوسیالیستی است. برابری کامل، احترام متقابل به استقلال و حاکمیت هر کشور و نیز کمک و همکاری برادرانه و متقابل مشخصه جنبه‌های روابط موجود بین کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد. روابط بین دولت‌های سوسیالیستی، وسیع، همه‌جانبه و تعمیق یافته می‌باشد. این روابط به تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی خلق‌های این کشورها گسترش یافته است. مناسبات سیاسی اقتصادی، فرهنگی، نظامی، ایدئولوژیک علمی و فنی بین کشورهای سوسیالیستی به عالی‌ترین درجه گسترش یافته و باز هم می‌یابد. این مناسبات بطور کیفی از مناسبات کشورهای سرمایه‌داری با یکدیگر متمایز است.

محور روابط بین دولت‌های سوسیالیستی مناسبات بین احزاب کمونیستی و کارگری آنها است. این کشورها در رابطه با سیاست تجاوزکارانه قدرت‌های امپریالیستی همواره از دستاوردهای سوسیالیسم و خدشه‌ناپذیری مرزهای کشورهای سوسیالیستی محافظت می‌نمایند. آنها هرگونه تلاش تجاوزکارانه امپریالیست‌ها را قاطعانه پاسخ داده و خواهند داد و از اصول همزیستی مسالمت‌آمیز لنین و عدم مداخله در امور داخلی کشورها حمایت می‌نمایند.

کشورهای سوسیالیستی بر اساس محورهای مشترک بالا به ایجاد سازمان‌های مناسب پرداخته و فعالانه در جهت تحقق اهداف مشترک سوسیالیستی خویش همکاری می‌نمایند. سازمان پیمان ورشو، شورای کمک‌های اقتصادی دوجانبه، بانک همکاری‌های اقتصادی و تعدادی موسسات دیگر بدین منظور ایجاد گردیده‌اند.

سهم کشورهای اردوگاه سوسیالیستی در تولید صنعتی جهان که در ۱۹۱۷ فقط ۳ درصد بود در ۱۹۳۷ به ۱۵ درصد و در ۱۹۷۶ به بیش از ۴۰ درصد رسیده است. در حال حاضر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی قریب دوینجم محصولات صنعتی جهان را تولید می‌کنند. پیروزی‌های چشمگیر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی در توسعه اقتصاد، علم، فرهنگ و ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان تأثیرات قاطعی بر رشد مبارزه طبقاتی کشورهای سرمایه‌داری صنعتی برجای نهاده است. در نتیجه پیروزی‌های درخشان کشورهای اردوگاه سوسیالیستی و تغییرات اجتماعی عظیمی که با درهم شکستن سیستم استعماری پدید آمده ایده‌های سوسیالیسم علمی دامنه نفوذ بیشتری یافته و تلاش زحمتکشان سراسر گیتی برای به گور سپردن کل سیستم سرمایه‌داری افزایش یافته است.

انترناسیونالیستی نه تنها احزاب کمونیست و کارگری و زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی، بلکه تمام نیروهای پیشرفته سراسر جهان است. اردوگاه سوسیالیستی جهانی، دستاورد اصلی طبقه کارگر بین‌المللی و محصول همبستگی انترناسیونالیستی است که نطفه پیدایش جامعه کمونیستی متحد آینده را در بر دارد و بنا بر این استحکام این اردوگاه منافع حیاتی کشورهای سوسیالیستی و بشریت بطور کلی را تأمین می‌نماید.

باید خاطر نشان ساخت که اردوگاه کشورهای سوسیالیستی یک گروه‌بندی خلق‌الساعه و موقتی نبوده و همچنین آنطور که مبلغان بورژوازی وانمود می‌سازند یک بلوک سیاسی نظامی هم نیست. این اردوگاه مرحله کیفی نوینی در تکامل جامعه انسانی است که بطور منطقی و تاریخی از مراحل پیشین تکامل جامعه استنتاج می‌گردد. اردوگاه سوسیالیستی در حال حاضر شامل چندین دولت سوسیالیستی مستقل است که هر یک اقتصاد ملی خاص خود را داشته و در عین حال جزء مستقلی از اقتصاد سوسیالیستی جهانی محسوب می‌گردند.

لازم به توضیح است که در جهان کنونی، برخی از نیروها گرچه به ظاهر مدعی طرفداری از سوسیالیسم هستند، لکن در واقعیت به بی-اعتبار کردن ایده‌های سوسیالیستی پرداخته و به سود سرمایه‌داری و امپریالیسم عمل می‌نمایند. هم‌اکنون از احزاب سوسیالیست دمکرات رفرمیست که سیاست بورژوازی دنبال می‌نمایند گرفته، تا احزاب و سازمان‌هایی که با خصیصه‌های کاملاً مذهبی و ماهیتی محافظه‌کارانه ادعای سوسیالیست بودن می‌کنند از چپ‌های افراطی از تروتسکیست‌ها گرفته تا تروریست‌ها و مائوئیست‌ها که طیف رنگارنگی تشکیل می‌دهند همگی ادعای طرفداری از سوسیالیسم می‌نمایند. اما اینان ایده‌های سوسیالیسم را عوام‌فریبانه در جهت منافع طبقاتی خویش و بر طبق نگرش خویش تعبیر و تفسیر می‌کنند و بدیهی است که مفهوم سوسیالیسم جهانی چنین نیروهایی را دربر نمی‌گیرد.

همانگونه که مارکس و انگلس و لنین گفته‌اند حقیقت همواره مشخص است و لذا سوسیالیسم جهانی نیز در حال حاضر به سوسیالیسم واقعاً موجود جهانی اطلاق می‌گردد، که بیانگر چند گونگی روند انقلابی است و خط مرز دقیقی بین گرایش‌های انقلابی و گرایش‌های فرصت‌طلبانه و واپسگرا ترسیم می‌نماید. امروزه در جنبش انقلابی بر ضد امپریالیسم و سرمایه‌داری جهانی نقش عمده را کشورهای اردوگاه سوسیالیستی ایفاء می‌نمایند. اردوگاه سوسیالیستی جهانی و رشد پیروزمندانه آن تأثیری عظیم بر سراسر روند تاریخی معاصر بر جای نهاده است. این اردوگاه تاکنون کمک‌های بی‌دریغی به تمام جنبش‌های آزادیبخش سراسر گیتی ارائه داده و برتری نیروهای سوسیالیسم بر امپریالیسم را نمایان‌تر ساخته است.

مناسبات کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر

کشورهای اردوگاه سوسیالیستی اولاً اساس اقتصادی یکسانی دارند که همانا الغای مالکیت

بقیه از صفحه ۱۱

اردوگاه و...

تمامی خلق‌ها و جنبش‌هایی که به خاطر استقلال ملی می‌جنگیده‌اند، حمایت کرده است. انقلاب کوبا و فعالیت بین‌المللی شدید این کشور یک نمونه برجسته وحدت انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی است و همانطور که رهبران کوبا بارها اعلان داشته‌اند پیروزی انقلاب و تکامل سوسیالیستی این کشور در پرتو کمک‌های بی‌دریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی صورت گرفته است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام نمونه دیگری از تجلی وحدت کشورهای اردوگاه سوسیالیستی را نشان می‌دهد. خلق ویتنام که بیش از ۳۰ سال بر ضد مداخله امپریالیست‌ها در کشورشان جنگید از حمایت کامل و همه‌جانبه اردوگاه سوسیالیستی برخوردار بود و همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی این کشورها در پیروزی خلق ویتنام تأثیری بسزا داشت. علاوه بر این نمونه‌ها، همکاری‌های فرهنگی، علمی، ادبی و هنری بین کشورهای اردوگاه سوسیالیستی نیز در جهان تاکنون بی‌سابقه بوده است. کشورهای اردوگاه سوسیالیستی همگی از دموکراسی سوسیالیستی برخوردارند. دموکراسی سوسیالیستی حقوق و آزادی‌های شهروندان جامعه را تأمین می‌نماید و نهادهای دموکراتیک را مداوماً ارتقاء می‌بخشد. حق کار، استراحت، تفریح، آموزش، بهداشت و امنیت اجتماعی در دموکراسی سوسیالیستی به خوبی تأمین می‌شود. دموکراسی سوسیالیستی دموکراسی را از شعار به واقعیت تبدیل ساخته است حال آنکه در کشورهای سرمایه‌داری این دموکراسی عملاً به صورت ظاهری و تشریفاتی وجود دارد. قانون اساسی کشورهای سوسیالیستی شرایط ضروری برای تکامل مادی و معنوی همه جانبه، آزادی بیان و انجمن‌ها، آزادی مذهب و برابری کامل سیاسی ملت‌ها و ملیت‌ها، و برابری زن و مرد را تأمین می‌نماید.

اردوگاه سوسیالیسم توسعه موفقیت‌آمیز خود را در خلال مبارزه‌های قاطع و اصولی بر ضد ایدئولوژی بورژوازی و تجلیات آن در تمام زمینه‌ها به دست آورده و مقاصد عوام‌فریبانه امپریالیست‌ها را که در زیر پوشش "دموکراسی"، "حقوق بشر" و غیره پنهان شده‌اند برملا ساخته است.

روابط اردوگاه سوسیالیستی با کشورهای استقلال یافته

شورای کمک‌های متقابل اقتصادی که توسط چند کشور سوسیالیستی بوجود آمده است، سازمانی اقتصادی است که علاوه بر وحدت و همکاری بین کشورهای سوسیالیست، به تمام کشورهای نو استقلال و ضد امپریالیست نیز یاری می‌رساند. در جلسات این شورا نمایندگان کشورهای آنگولا جمهوری دموکراتیک خلق کره، لائوس و اتیوپی نیز به عنوان ناظر شرکت می‌نمایند. کشورهای اردوگاه سوسیالیستی مناسبات خود را با کشورهای در حال رشد بر اساس برابری کامل و همبستگی در مبارزه به خاطر استقلال اقتصادی و سیاسی بنا نهاده‌اند. اردوگاه سوسیالیستی همواره خلق‌هایی را که به خاطر رهایی ازستم استعماری پیگار می‌کند، به عنوان متحدان طبیعی خویش محسوب می‌دارد. اردوگاه سوسیالیستی همه‌گونه کمک معنوی سیاسی، اقتصادی، تکنولوژی

علمی، فرهنگی و تقویت نیروهای دفاعی را به این کشورها ارائه می‌دهد. مثلاً کشورهای اردوگاه سوسیالیستی همواره از آرمان برحق خلق‌های عرب و فلسطینی حمایت کرده و آنها را در مبارزه بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم یاری می‌رسانند. لازم به تذکر است که همکاری‌های اقتصادی و تکنولوژیک کشورهای سوسیالیستی با کشورهای در حال رشد هیچگونه وحه اشتراکی با اصطلاح کمک‌های امپریالیست‌ها به این کشورها ندارد. همکاری‌های اردوگاه سوسیالیستی با این کشورها مبتنی بر کوشش غایتمند آنها برای حذف اشکال نابرابری اقتصادی و سیاسی است و مزایای متقابل دارد. کشورهای سوسیالیستی به هیچ‌وجه ادعای مالکیت و یا کنترل پروژه‌هایی را که در کشورهای دیگر بنا می‌نهند نمی‌نمایند. هدف آنها کمک به صنعتی شدن و شکوفایی اقتصادی و تقویت نیروهای مولد و نیل به استقلال اقتصادی این کشورهاست. وانگهی برخلاف امپریالیست‌ها که معمولاً به صنایع مونتاژ، ساختمان هتل، تفریحگاه و غیره می‌پردازند، کشورهای سوسیالیستی به احداث کارخانه‌های دوب فولاد، کارخانه‌های تولید برق و سایر پروژه‌های تقویت کننده زیر بنای کشور می‌پردازند. کشورهای اردوگاه سوسیالیستی تاکنون به بیش از ۸۰ کشور استقلال یافته آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین کمک‌های اقتصادی و فنی ارائه داده‌اند. مثلاً در حال حاضر کشورهای سوسیالیستی قراردادهای مختلف همکاری‌های اقتصادی فنی بهداشتی، آموزشی و غیره با کشورهای سوریه، الجزایر، لیبی، موزامبیک و آنگولا و غیره منعقد ساخته‌اند.

اردوگاه سوسیالیستی و جهان سرمایه‌داری

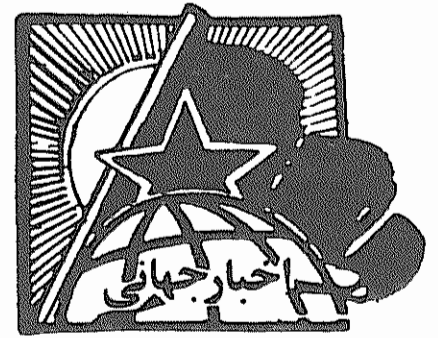
دشمنان سوسیالیسم یعنی امپریالیست‌ها و تمام نیروهای ارتجاعی جهان می‌کوشند که اساس قدرت حکومتی کشورهای سوسیالیست را درهم کوبیده و به ساختمان سوسیالیسم خدشه وارد سازند و در صورت امکان مسیر تکامل این یا آن کشور سوسیالیستی را به عقب باز گردانند. آنها تلاش‌های مذبحخانه‌بیشمار برای از هم گسیختن وحدت کشورهای سوسیالیستی انجام می‌دهند. تردیدی نیست که مناسبات کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر مشکلات و نارسائی‌های ناچیزی نیز در بردارد. علل این مشکلات علاوه بر دشواری‌های ناشی از تکامل اقتصادی و سیاسی جامعه، به تلاش‌های دشمنان سوسیالیسم در این کشورها نیز بستگی دارد. اینگونه نارسائی‌ها تاکنون همواره با کوشش مشترک همه کشورهای اردوگاه سوسیالیستی برطرف گردیده و بزرگ وانمود کردن آنها حاکی از شگردهای تبلیغاتی امپریالیست‌ها و مقاصد پلیدشان می‌باشد.

اردوگاه سوسیالیستی جهان امروزه از تجارب پربراری در مبارزه با ضدانقلاب جهانی برخوردار است و توطئه‌های امپریالیست‌ها را در تمام زمین‌ها خنثی می‌سازد. قدرت کشورهای سوسیالیستی اکنون به حدی رسیده است که تناسب قوا را در عرصه گیتی به سود نیروهای سوسیالیسم و جنبش‌های آزادیبخش تغییر داده است. سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز میان نظام‌های اجتماعی متضاد که اردوگاه سوسیالیستی دنبال می‌کند، به هیچ‌وجه به معنای نادیده گرفتن واقعیات سیاسی و نظامی جهان معاصر نیست، بلکه بر پایه ضرورت برخورد قاطع با سیاست‌های تجاوزکارانه امپریالیسم استوار است. سیاست اردوگاه سوسیالیستی قبل از هر چیز متوجه متحد کردن همه نیروهای مترقی و دموکرات گیتی بر مبنای اهداف مشترک ضد امپریالیستی است.

جنبه‌های دیگر این سیاست را نباید ساختن بقایای استعمار و نژادپرستی، مبارزه با تمایلات نواستعماری و پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی که صلح جهانی را تهدید می‌نماید تشکیل می‌دهد. کمک به جنبش‌های آزادیبخش و کشورهای تازه استقلال یافته و ایجاد روابط عادلانه و برابر با آنها بر اساس چنین سیاستی صورت می‌پذیرد. علاوه بر این سیاست هماهنگ کشورهای اردوگاه سوسیالیستی ناظر بر حفظ صلح جهانی و کاهش تشنجات دز عرصه بین‌المللی و جلوگیری از گسترش سلاح‌های مرگبار اتمی است. آینده از آن این سیاست سوسیالیستی می‌باشد و واقعیات جهان معاصر این مطلب را به خوبی اثبات کرده است. اردوگاه سوسیالیستی جهان مداوماً گسترش می‌یابد در حالی که سرمایه‌داری رو به زوال می‌رود و این امر علیرغم جنگ‌های فرسایشی، علیرغم تحریم‌های اقتصادی سیاسی و علیرغم همه فشارهای دیگری که سوسیالیسم متحمل شده تحقق یافته است. آینده از آن سوسیالیسم است زیرا این نظام بهره‌وری عالی، تسلط کامل بر نیروهای طبیعت و استفاده کامل از منابع و امکاناتی را که علم و تکنولوژی جدید به روی بشریت گشوده است مهیا می‌سازد. این نظام به خلق‌ها شیوه واقعی دوستی و همکاری اشتراک مساعی و فعالیت مشترک در حوزه‌های مادی، معنوی و فرهنگی را نشان می‌دهد. این نظام روابط کاملاً جدیدی در عرصه بین‌المللی به وجود آورده که استثمار انسان از انسان در آن وجود ندارد و مسیر همکاری شمربخش بین خلق‌ها را هموار ساخته است. سوسیالیسم همچنان به پیش می‌رود و این ضرورت تاریخ است امروز برتری نیروهای سوسیالیسم بر امپریالیسم، در عرصه گیتی هرچه بیشتر نمایان گردیده است!

اعتبار ۱۰ میلیارد ریالی مسکن چه شد؟

همانطور که در "کار" ۱۰۹ در مقاله‌ای تحت عنوان "حل مشکل مسکن ... نوشتیم"، در تاریخ ۴ مرداد ماه سال ۵۸ بانک مرکزی اعتباری به مبلغ ۱۰ میلیارد ریال جهت برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت خانه‌سازی در اختیار بانک مسکن گذارد و طبق قرارداد تاریخ بازپرداخت آن دو سال بعد یعنی ۴ مرداد ماه ۶۰ تعیین شد. هم‌اکنون موعد بازپرداخت این مبلغ کلان نزدیک است و بانک مسکن می‌خواهد این مبلغ را به صورت اوراق قرضه به بانک مرکزی بازپرداخت کند اما با توجه به اینکه در این مدت هیچ اقدامی جهت خانه‌سازی بلند مدت و کوتاه مدت انجام نشده است و زحمتکشان بیشتر از گذشته در تب بحران مسکن می‌سوزند، معلوم نیست این پول قابل توجه که می‌توانست تا حدودی گر‌ه‌هایی از این مشکل را بکشد، به کجا رفته و گرفتار چه سرنوشتی شده است که بانک مسکن به جای آن اوراق قرضه پس می‌دهد! ما از مسئولین مملکتی بخصوص مسئولین بانک مرکزی و مسکن مصرأ می‌خواهیم که در این باره به مردم توضیح دهند یعنی اینکه اولاً چرا طبق قرارداد اولیه برنامه خانه‌سازی پیش نرفته است ثانیاً پول‌ها چه شده است؟ و ثالثاً ۱۰ میلیون ریالی که از فروش پرسشنامه‌های ۱۰۰۰ ریالی مربوط به مسکن زحمتکشان به دست آمده چه شده است و چه خواهد شد؟



لئونید برژنف:

«مگر می توان در برابر محرومیت و مصائب

میلیون ها فلسطینی چشم فرو بست»

در حالی که دامنه بحران لبنان هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند و رژیم صهیونیستی اسرائیل تحت حمایت کامل آمریکا بر عملیات تجاوزکارانه خود علیه لبنان بطور وسیعی افزوده است، آمریکا نیز می کوشد اعراب را به پذیرش شرایط تسلیم طلبانه برای "حل" مسئله لبنان وادار سازد. از این روی در پی سفر فیلیپ حبیب به عنوان نماینده ویژه ریگان برای به اصطلاح میانجیگری میان سوریه، لبنان و سازمان آزادیبخش فلسطین از یک سو و رژیم صهیونیستی اسرائیل از سوی دیگر، آمریکا می کوشد حضور نظامی خود در منطقه را نیز گسترش دهد. بر اساس گزارش خبرگزاری ها آمریکا تصمیم دارد یکی از ناوهای هواپیمابر خود را به سواحل لبنان گسیل دارد. هم اینک ۳۰ ناو جنگی آمریکا در دریای مدیترانه

بیش از ۸۰۰ هزار کارگر، دهقان و کارمند مشغول درس خواندن هستند دایر گشته است. ضدانقلابیون افغانی موانع بسیاری در راه مبارزه با بیسوادی در افغانستان که قریب به ۹۰ درصد مردم را شامل می شود بوجود می آورند باند های ضدانقلابی با آتش زدن مدارس، کتابخانه ها و مراکز علمی و به قتل رسانیدن معلمین مبارز تلاش دارند تا حرکت پیش رونده مبارزه با جهل و بیسوادی را مختل سازند. لیکن به برکت انقلاب شور، تاکنون عده زیادی خواندن و نوشتن را آموخته اند.

مستقر می باشند. از سوی دیگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان حمایت خود را از سوریه و نیروهای فلسطینی اعلام داشته اند. لئونید برژنف رهبر شوروی در نطقی که به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس جمهوری شوروی سوسیالیستی گرجستان ایراد کرد خاطر نشان ساخت که:

"آنچه در خاور نزدیک روی می دهد فجع مساوت آمیز و خطرناک است. مگر می توان در برابر محرومیت و مصائب میلیون ها فلسطینی چشم فرو بست؟ مگر می توان به سرنوشت لبنان کشوری که به معنای واقعی کلمه از سرپایش خون جاری است و قداره - بندان اسرائیلی به جانش افتاده اند، بی تفاوت ماند؟"

برژنف در نطق خود لزوم تشکیل یک کنفرانس بین المللی پیرامون این مسئله را خاطر نشان ساخت و افزود این پیشنهاد که با واکنش مثبتی در کشورهای عربی و در بسیاری دیگر از کشورهای جهان مواجه بوده است با سکوت و مخالفت امپریالیست ها و وابستگان شان روبرو بوده است.

از طرف دیگر کنفرانس کشورهای عرب با شرکت ۲۱ کشور منطقه علیرغم حضور نیروهای وابسته به امپریالیسم و مرتجع در آن توطئه علیه لبنان را محکوم ساخت و حمایت خود را از سوریه اعلام داشت. باید توجه داشت که نیروهای مرتجع تحت فشار خلق های منطقه و با توجه به برخی اختلاف های موجود این رژیم ها با رژیم صهیونیستی، چنین موضعی را اتخاذ کردند. اما به هر حال اتخاذ چنین موضعی موجب افشای هرچه وسیعتر توطئه امپریالیسم در جهان می شود.

افغانستان در راه محو بیسوادی

در افغانستان اعلام شد که تاکنون بیش از ۲۳ هزار کلاس مبارزه با بیسوادی که در آنها

ژاپن، کنفرانس بین المللی

مجازات افریقای جنوبی را تحریم کرد

کنفرانس بین المللی مجازات افریقای جنوبی که با شرکت نمایندگان بیش از ۱۰۰ کشور جهان در پاریس تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد. در این کنفرانس که توسط آمریکا، انگلستان، ژاپن، آلمان غربی و اسرائیل تحریم شده بود رژیم نژادپرست افریقای جنوبی محکوم گردید.

از جانب ایران نیز آقای محمد هاشمی در این کنفرانس شرکت داشت که حمایت ایران را از مجازات مردم نامیبیا اعلام و رژیم افریقای جنوبی را محکوم نمود.

از سوی دیگر کنگره ملی افریقا از مردم جمهوری افریقای جنوبی دعوت کرد که در اعتراض به برگزاری بیستمین سالگرد جمهوری در این کشور از ۴ تا ۶ خرداد دست به اعتصاب غذا بزنند.



به دستور فرح و رضاپهلوی، بختیار و اوپسی و با حمایت تجار عمده بازار و روحانیت مخالف انقلاب

سلطنت طلبان برای گسترش نا امنی در اماکن عمومی بمب می گذارند

حجت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیویی تلویزیونی اعلام داشت که اعضای اصلی یک گروه سلطنت طلب که قصد براندازی جمهوری اسلامی ایران را داشته اند، توسط سپاه پاسداران و دیگر مامورین انتظامی دستگیر شده اند. هدف اصلی سازمان پارس (مخفف پاسداران رژیم سلطنتی) ایجاد و گسترش جو نارضایتی در میان مردم و آماده کردن زمینه برای انجام کار نهائی یعنی سرنگون ساختن رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حاکمیت وابسته به امپریالیسم بوده است. این دار و دسته ضدانقلابی که بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر عضو داشته و تاکنون تنها ۱۸ نفر آنها دستگیر شده اند، تماس های وسیعی را با محافل ضدانقلابی در داخل و خارج کشور برقرار کرده بود. افراد دستگیر شده فاش ساخته اند که "بختیار توسط تعدادی از

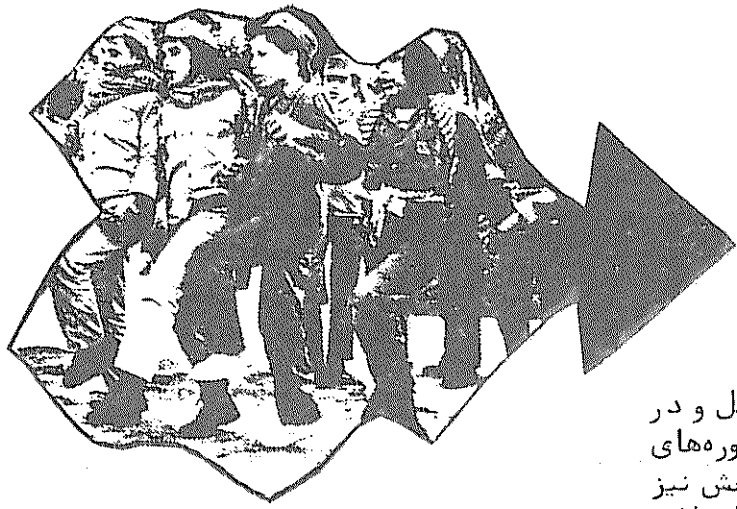
بازاریان حمایت شده... برای بختیار تعدادی حساب در بانک های کشور باز شده و کمک هایی نیز جمع آوری شده است" و همچنین یکی از دستگیر شدگان گفته است: "بختیار وقتی با من صحبت می کرد، گفت با تعدادی از روحانیون مخالف انقلاب در قم تماس دارند." تشکیل این سازمان ضد انقلابی و سلطنت طلب حلقه های از زنجیره توطئه های گوناگون آمریکا علیه انقلاب ایران بوده و از این جهت کشف و دستگیری تعدادی از اعضای آن پیروزی برای انقلاب ایران به حساب می آید. در این میان آنچه همداربرانگیز است، حمایت

تعدادی از تجار عمده بازار و روحانیون مخالف انقلاب در قم از این گروه ضدانقلابی است. حمایت این عناصر ضد انقلابی به امپریالیسم آمریکا فرصت می دهد تا با استفاده از امکانات وسیع آنان پیپی چنین توطئه های را علیه انقلاب مردم ما تدارک ببیند همانگونه که در جریان دستگیری سلطنت طلبان "پارس" فاش شد، سرمایه داران وابسته، زمینداران بزرگ، تجار عمده بازار و روحانیون مرتجع پایه اجتماعی این باندهای ضد انقلابی هستند و تنها با مبارزه قاطع با این پایگاه اجتماعی است که می توان منشاء تشکیل این دار و

دسته های ضدانقلابی را خشکاند و انقلاب را از گزند آنان مصون داشت. حجت الاسلام ری شهری در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: "هدف این گروه طرح بمب گذاری در رابطه با براندازی جمهوری اسلامی بوده است و باید توضیح بدهم که این توطئه یک توطئه امریکائی است." این سخنان بخوبی نشان می دهد که چه نیروهایی در شرایط کنونی خواهان به آشوب کشیدن جو سیاسی و گسترش تروریسم و بمب گذاری هستند. امپریالیسم آمریکا، سلطنت طلبان، سرمایه داران و زمینداران بزرگ،

روحانیون مرتجع و... حامیان و مشوقین اصلی این پدیده بوده و سخنان حجت الاسلام ری شهری در واقع اثبات هشدارهای مکرر سازمان ماست.

هدف امپریالیسم و عوامل سلطنت طلب آن از بمب - گذاری ها ایجاد محیط تشنج و دامن زدن به نا امنی های اجتماعی است. بمب - گذاری ها متوجه آن است که مانع تثبیت و تحکیم انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی شود، از این رو مبارزه قاطع با عوامل ترور و بمب - گذاری ها ضرورت حیاتی انقلاب است. با توجه به این حقیقت سازمان ما یکبار دیگر از دولت جمهوری اسلامی سؤال می کند که نتیجه تحقیقات در مورد مسببین حمله و بمب اندازی به میتینگ اول ماه مه در میدان آزادی به کجا انجامیده و دولت چه اقداماتی در جهت شناسایی و دستگیری عاملین آن به عمل آورده است؟



به مناسبت اول ژوئن (۱۱ خرداد) روز جهانی کودک آموزش رایگان، بهداشت و رفاه کودکان باید تأمین شود

نگهداری یک کودک در پرورشگاه ۵۵۰ روپل و در یک کودکستان ۴۷۰ روپل هزینه دارد (دوره‌های قبل از تحصیلات ابتدایی) که در این بخش نیز دولت اتحادشوروی ۸۰٪ تمام هزینه‌ها را علاوه

۲۲ سال پیش به واسطه وضع اسفناک و شرایط غیرانسانی که بر زندگی بخش وسیعی از کودکان جوامع سرمایه‌داری و کشورهای زیر سلطه حاکم بود سازمان ملل متحد زیر فشار نیروهای ترقیخواه و به پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی زنان اعلامیه ده‌ماده‌ای حقوق کودکان را به تصویب رساند که در آن ایجاد شرایط لازم برای رشد فکری و جسمی کودک ، حق مسکن ، تغذیه و آموزش رایگان و ... خواسته شده بود . از این سال (۱۹۵۹) روز اول ژوئن به عنوان روز کودک جنبه بین‌المللی به خود گرفت .

به همین لحاظ کلیه نیروهای ترقیخواه در سراسر جهان در این روز سعی دارند با افزودن بر تلاش‌های خود ماهیت ضدانسانی روابط غارتگرانه سرمایه‌داری را از زاویه ستمی که بر کودکان روا می‌دارد بیشتر و بیشتر افشاء کنند و از این طریق سعی نمایند حتی‌الامکان شرایط بهتری برای کار و زیست کودکان فراهم آورند . طبق آخرین آمار سازمان ملل از ۱/۶۰۰ میلیون کودک جهان قریب یک‌صد میلیون کودک کمتر از ۱۳ سال در کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای تحت سلطه به کار مشغولند . طبق آمار سازمان ملل در سال ۱۹۷۹ استفاده از کار کودکان ۲۰٪ افزایش یافته است این کودکان نه تنها از دستمزد کمتری برخوردار می‌شوند ، بلکه از مزایای اجتماعی نیز سودی نمی‌برند ، به‌شکل‌های صنفی راه نمی‌یابند و مقررات ساعت کار در مورد آنها اجرا نمی‌شود و بنا به میل کارفرما اخراج می‌شوند . طبق گزارش دفتر بین‌المللی کار تعداد کودکانی که بر اثر فشار فقر و گرسنگی مجبورند برای امرار معاش خود کار کنند در آسیا به ۳۸ میلیون در آفریقا به ۱۰ میلیون و در آمریکای لاتین بیشتر از ۳ میلیون می‌باشد . طبق برآوردی که شده کودکان و نوجوانان ۱۴ - ۱۰ ساله نزدیک به ۳۰٪ زحمتکشان این مناطق را تشکیل می‌دهند و طبیعی است که کودکانی که در این سنین شاغل هستند عموماً به هیچگونه آموزش دست نمی‌یابند مجدداً همین جا باید بگوییم که در نقطه مقابل یعنی اردوگاه سوسیالیسم و در کشورهایی که در آنها انقلابات اجتماعی صورت گرفته است ، تغییرات بنیادی در وضعیت زندگی کل جامعه و به همراه آن در زندگی کودکان صورت گرفته است . در کوبا انقلابی یعنی همان کوبایی که پیش از انقلاب ۶۰۰۰۰۰۰ کودک حتی رنگ مدرسه را هم ندیده بودند ، پس از انقلاب ۳/۵ میلیون و نوجوان به مدرسه راه یافتند امروزه ۱۰۰٪ کودکان بالای ۶ سال در کوبا به مدرسه می‌روند و از امکانات آموزش رایگان استفاده می‌کنند . مشخص است در شرایطی که دولت آموزش رایگان و اجباری کودکان را به دقت دنبال می‌نماید ، توجه به چگونگی رشد و شکوفایی کودکان به عنوان سازندگان فردای جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است .

در اتحاد شوروی بیش از ۷۰ میلیون کودک وجود دارد که در سنین ۳ تا ۷ سالگی به کودکستان وارد می‌شوند در نظام آموزشی اتحاد شوروی به رشد تمامی جنبه‌های ذهنی ، هنری ، اخلاقی و جسمی و ... کودکان توجه می‌شود



کارخانه‌ها ، کارگاه‌ها ، کوره‌پزخانه‌ها ، تعمیرگاه‌های ماشین و ... که از ابتدایی‌ترین امکانات حفاظتی بهداشتی بی‌بهره‌اند به کار می‌پردازند . در گوش آنان به جای آوای زنگ مدرسه ، صدای چکش‌هایی که بر سندان کوفته می‌شوند و فریاد آمرانه کارفرمایان در همه‌جا گنج کارخانه‌ها در طنین است و چه راهی بهتر از این، جهت دستیابی امپریالیسم به اهداف شوم خویش وجود دارد ؟ از نیروی کار ارزان کودکان بهره می‌برد و با سلب امکانات آموزشی از آنان ، جامعه را از جوانان باسواد ، آگاه ، خلاق و با استعداد که مایه وحشت امپریالیسم اند محروم می‌سازد .

در رژیم منحوس آریامه‌ری چندین بار تغییراتی در قانون کار به سود سرمایه‌داران انجام گرفت و بالاخره در سال ۱۳۲۹ ، قانون کاری توسط دولت و برای تصویب به مجلس ارائه شد که کودکان ۱۰ ساله را تحت عنوان " کارآموزی " به خودکامگی سرمایه می‌سپرد . به

بر رایگان و اجباری بودن تحصیلات ابتدایی و متوسطه می‌پردازد . علاوه بر موارد ذکر شده برای مراقبت از سلامتی کودکان در هر مدرسه یک پزشک و چند پرستار حضور دارند و هر ساله بیش از ۶۰۰۰۰۰۰ کودک در آسایشگاه‌های ویژه درمان می‌شوند . آمار و ارقام روشن‌تر از هر دلیل و برهانی به ما راه نشان می‌دهند و به ما می‌گویند که :

تنها راه رهایی تمامی زحمتکشان و به همراه آن تمامی محرومان جوامع سرمایه‌داری و جوامع زیرسلطه برای دستیابی به رفاه و عدالت اجتماعی ، سوسیالیسم است . واقعیت عینی در جوامع سرمایه‌داری و همچنین امکاناتی که سوسیالیسم برای توده‌های وسیع مردم فراهم آورده است گواه این مدعا می‌است .

وضعیت کودکان در ایران

کار کودکان : زحمتکشان کوچک میهنمان ، ساعات متمادی از عمرشان را در مزارع کشاورزی ، دامپروری ،

نقشه از صفحه ۱۴

آموزش رایگان

این ترتیب برای نوجوانان ۱۶ - ۱۲ سال ، هفت ساعت کار در شبانه روز و برای کودکان کارگر ۱۲ - ۱۰ ساله ، شش ساعت کار معین گردید . در قانون کار ۱۳۲۲ و اصلاحات بعد از آن تا سال ۱۳۵۲ می خوانیم " به کار گماردن اطفال کمتر از ۱۲ سال حتی به عنوان کارآموزی ممنوع است " . لیکن در قانون کار ۱۳۵۹ ' که حاوی اصلاحات ، منضعات و تغییراتی است که بعد از انقلاب نوشته شده است ، هیچگونه اصلاحیه ای مربوط به مسئله فوق مشاهده نمی گردد . هرچند که ما هم اکنون عدم اجرای همان قانون ناقص قبلی را به صورت کار کودکان ۱۲ سال و حتی گاه زیر ۱۰ سال در کارگاه ها و کوره پزخانه ها و ... شاهدیم ، در حالی که سازمان بین المللی کار ممنوعیت کار کودکان کمتر از ۱۵ سال را توصیه کرده است . کودکان از قبل از تولد و سپس در هنگامی که هنوز توانایی کار کردن را ندارند در معرض سوء تغذیه و خطرات ناشی از آن قرار دارند و همراه با مادران خود در تحمل بار سنگین مصائب ناشی از بهره کشی و استثمار سرمایه داران سهیم هستند جنین مادران کارگر کوره پزخانه ها را خطرات سقط دائمی تهدید می کند . مقررات نادرست مربوط به زنان کارگر از جمله ، عدم برخورداری از مرخصی بعد از زایمان و یا تنها داشتن مرخصی های کوتاه مدت ، مجاز نبودن به شیردادن کودکان در بین ساعات کار ، عدم استخدام زنانی که مجبورند کودکان را نیز با خود به کارخانه ببرند و یا در صورت اشتغال اخراج آنان منجر به وقوع حوادث وحشتناکی می گردد .

و اما کودکانی که از خردسالی به کار کشیده می شوند نمونه های بی شماری از اینگونه فجایع بر آنها می رود . یک رفیق پزشکی از شرایط طاقت فرسای زندگی و کار کودکان میهن مان می گوید :
" در هر لحظه کار و زندگی در روستاها و مناطق زحمتکش نشین شهرها واقعیت های تلخی را می توان دید که حکایت از عمق فجایع ناشی از سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری می نماید . نمی دانم ، از سرانگشتان زخمی و دست های پینه بسته دختران کوچک و خردسال قالبیاف بگویم یا از کمردردهای طاقت فرسای کودکان کارگر کوره پزخانه ها ، در اینجا فقط به چند نمونه از بیماری های سخت و کار توان فرسای زحمتکشان کوچک و وطنمان اشاره می نمایم :

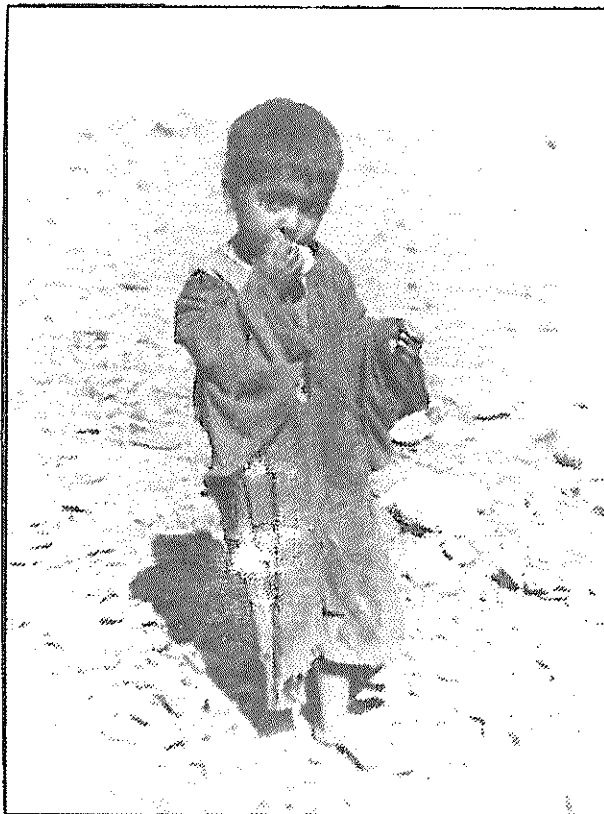
کودکان قالبیاف : در اکثر روستاهای ایران مانند کردستان ، خراسان (روستاهای قائنات) ترکمن صحرا و در همین چند کیلومتری تهران کودکان ۸ - ۶ ساله ، از صبح تا شب قالبی می بافند . مزد روزانه آنها در قائنات ۱۰ تومان است و گاه سالانه با فروش یک قالبی به قیمت ۲۰۰۰ تومان که در واقع در مقابل از دست دادن طراوت و نیروی کودکی و جوانیشان پرداخت می شود ، بخشی از درآمد خانواده شان را تأمین می نمایند . بیماری هایی چون نرمی استخوان ها که منجر به تغییر شکل ستون مهره های آنها ، لگن خاصره و پاها شده ، مرگ و میر مادران و فرزندان متولد نشده آنها را سبب می گردد و بعد از ازدواج نزد این دخترها بسیار شایع است . بیشترین نمونه های آن را در کرمان و روستاهای اطرافش می توان دید .

زحمتکشان کوچک کوره پزخانه ها : آنها از ۹ - ۱۰ سالگی آغاز به کار می نمایند (هرچند که بطور پراکنده ۶ - ۵ ساله ها کار می کنند)

نوع کار ، خصوصا نزد کودکان قالب کش به گونه ای است که کارگر کوتاه قد را می طلبد ، تا قالب های بزرگ و سنگینی بر از گل را روزی صدها بار از زمین بلند نماید . این شرایط منجر به سائیدگی زودرس استخوانی (بیماری مخصوص سالمندان) و دردهای مفصلی ناشی از آن می گردد . اختلال بینایی ، به دلیل تماس مداوم با نوعی از خاک در سنین پائین کودکی ، عفونت های چشمی به دلیل ظرافت ساختمان چشمی و بیماری های پوستی به دلیل لطافت پوست تن نزد کودکان فراوان تر است . آثار شوم استثمار اربابان سرمایه رادر چشم نابینای " اسد " که از ۵ سالگی کارگر کوره بود ، کمر درد شدید " قربان " که بنا به دستور ارباب ، دیگر به مدرسه نمی رود و چشم های نگران مادری که چهار فرزندش را در فضای داغ و گردآلود کوره پزخانه از دست داده و نومیدانه جهت زنده ماندن " فاطمه " نه ماهه اش تلاش می کند ، می توان مشاهده کرد .

زحمتکشان کوچک کارگاه ها و کارخانه ها : هر لحظه چرخ های عظیم کارخانجات و فضای تاریک و غم گرفته کارگاه ها ، کودکان زحمتکش میهن مان را به کام سرمایه داری فرو می برند . حسن ۱۱ ساله کارگر کارگاهی در جاده ساوه ، پارسال در اثر سقوط آوار دچار پارگی کبد شد . قبلا به کارفرما در مورد این خطر تذکر داده شده بود ولی او اقدامی ننمود . قانون هم از " حسن " حمایت نکرد . در کارخانه پشمافی تهران کودکان ۱۵ - ۱۳ ساله از بیماری عفونی چشم رنج می برند . عدم وجود امکانات ایمنی ، موجب انسداد مجرای اشکی ظریف آنان توسط دانه های پشم گشته و چشمانشان دچار ترشح مداوم اشک و چرک می گردد .

غریب فریاد کودکان قالبیاف از کج کارگاه ها و طنین اعتراض شکوهمند کارگران کوچک کوره پزخانه ها در کنار پدران و مادرانشان نوید آن را می دهد که فردا چشمان گران و نا امید مادر " فاطمه " به دیدگان بشاش سربلند و امیدوار مادری زحمتکش مبدل شود ، " قربان " ها به مدرسه بروند " حسن " ها و " پروانه " ها نشکفته پیر نشوند .



کودکان رنج دیده ما به همراه تمام محرومیت ها و مرارت هایی که به مناسبت روابط ظالمانه نظام سرمایه داری و سلطه امپریالیسم متحمل شده اند ، در مناطقی مثل سیستان و بلوچستان و کردستان علاوه بر فقر و محرومیت ، بار ستم ملی را نیز به دوش می کشند .
(عکس : یک کودک بلوچ رانشان می دهد .)

از میان نامه ها

حرف های زحمتکشان

پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است

با درود به سازمان فدائیان خلق " اکثریت " رفقا ، سلام !

من یک کارگر لحافدوز هستم . متأسفانه سواد هم ندارم که با دست خودم برای شما نامه بنویسم . به همین خاطر یکی از رفقا حرف های مرا برای شما روی کاغذ می آورد .

من هم مانند فرزندان هزاران هزار نفر از مردم زحمتکش میهنم به علت فقر خانوادگی نتوانستم به مدرسه بروم و مجبور شدم از سن ۷ سالگی یعنی درست همان سالی که باید به مدرسه می رفتم ، به عنوان شاگرد در لحافدوزی کار کنم . دو برادر هم دارم که یکی تا کلاس پنجم درس خوانده و دیگری که کارگر ساده است ، بی سواد است .

حتما می دانید که کار کردن در لحافدوزی چقدر مشکل است . باور کنید که سینه ام پر از پنبه هایی است که چندین سال آنها را " الک " زده ام .

در رژیم گذشته زندگی بسیار سختی داشتم . وقتی می دیدم که سرمایه دارها برای بچه های خود می توانند همه چیز بخرند ، اما من نمی توانم خرج زندگی خود را تأمین کنم ، تا چه رسد برای بچه هایم چیزی بخرم ، نفرتم به سرمایه دارها زیادتر می شد ولی هنوز راه مبارزه با آنها را نمی دانستم .

یادم می آید در سالهای گذشته ، در زمان رژیم شاه خائن ، در یک لحافدوزی که شاگردی می کردم با یکی از رفقا آشنا شدم . او برایم صحبت های زیادی می کرد و می گفت تنها اتحاد کارگران و زحمتکشان و همه مردم است که می تواند رژیم شاه را سرنگون کند . هنوز مدتی از آشنائی من با آن رفیق نگذشته بود که با خبر شدم او را دستگیر کرده اند .

من دیگر او را ندیدم تا اینکه بعد از انقلاب یعنی زمانی که سازمان رفقای را از مناطق مختلف برای نمایندگی مجلس انتخاب می کرد ، عکس او را دیدم و دانستم که رفیق همچنان به مبارزه ادامه می دهد .

در تابستان ۵۸ بود که توانستم با دیگر رفقای هوادار سازمان آشنا شوم و چون سواد ندارم ، رفقا برایم کار را می خوانند . به امید روزی که خودم بتوانم روزنامه کار نشریه زحمتکشان را بخوانم . همچنین افتخار می کنم که هوادار سازمانی هستم که آرمانش ، آرمان طبقه کارگر و مبارزه اش ، مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر است . امیدوارم بتوانیم با اتحاد هم ، پوزه امپریالیسم و رژیم متجاوز صدام را به خاک بمالیم .

پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است
آمل - کارگر لحافدوز

یداله سحابی، صباغیان یزدی و ۰۰ و دیگر مدافعان منافع تجار بزرگ و وابسته خواهان به تصویب رساندن قانون، درباره تجارت خارجی هستند که عملاً کارتجارت را در دست تجار بزرگ باقی گذارد. اینان همانطور که صباغیان به هنگام طرح تعیین مدت برای دولت جهت تدوین لایحه ملی کردن تجارت خارجی گفت، معتقدند که هم اکنون به موجب قانونی که رضا صدر مدافع قسم خورده منافع سرمایه داران لیبرال و میزان نویس مشهور، در زمان تصدی بر وزارت بازرگانی به تصویب شورای انقلاب رسانید تجارت خارجی ملی شده است. اینان معتقدند که نیازی به تصویب قانونی دیگر نیست اینان در واقع مخالف ملی شدن واقعی تجارت خارجی هستند، چرا که دولتی شدن واقعی تجارت خارجی را تجاوز به حریم سرمایه می دانند. اینان با هم - آوازی نمایندگانی که با توجه به منافع و دیدگاه قشری خود از اجرای سیاست های بنیانی بیم و هراس دارند، در مقابل نمایندگان رادیکال مجلس شورای اسلامی به مخالفت خواهند برخاست. تجار بزرگ و وابسته که بخش مهمی از آنان در بازار تهران و شهرهای بزرگ دیگر مانند اصفهان و تبریز هستند، این روزها تمامی هم خود را به کار خواهند گرفت تا از تصویب قانونی که دولتی کردن کامل تجارت خارجی را دربر داشته باشد جلوگیری کنند.

مادر شماره آینده پیش از آن که به بررسی لایحه قانونی پیشنهادی دولت بپردازیم، قانون "مراکز تهیه و توزیع کالا" را که رضاصدر تحت عنوان قانون ملی کردن تجارت خارجی از تصویب شورای انقلاب گذرانید مورد ارزیابی قرار خواهیم داد تا ببینیم چگونه نمایندگان سرمایه داران لیبرال، تحت لوای ملی کردن تجارت خارجی شیر بی پال و دم و اشکی را تدارک دیدند.

چگونه می توان وابستگی اقتصادی را از میان برد

تجارت خارجی ملی

باید شود

مدت مشابه در سال ۱۳۵۶ برابر با ۴۵ درصد و نسبت به ۱۳۵۸ برابر با ۶۹ درصد افزایش یافته است. با حساب های ساده می توانیم ببینیم که در شرایط بحرانی اقتصاد وابسته میهن، تجار بزرگ و وابسته به چه میزان به سودهای خود افزوده اند در حالی که با کنترل بیش از ۷۱ درصد از واردات میهن (در نه ماه نخست سال ۵۹) به به میزان زیادی به بحران اقتصادی میهن دامن زده اند قیمت ها را گران کرده اند و بار آن را بر دوش کارگران و زحمتکشان میهن قرار داده اند.

از این روست که ما معتقدیم ملی کردن تجارت خارجی و خلع ید از تجاری که در کار تجارت خارجی هستند از الزامات اساسی مقابله با وابستگی اقتصادی و مقابله با بحران اقتصادی میهن است. ما از نخستین روزهای سرنگونی دولت وابسته شاه و استقرار دولت جمهوری اسلامی بر ملی کردن تجارت خارجی پای فشرده ایم و بر اجرای سیاستی روشن و منسجم در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی در زمینه تجارت خارجی تاکید ورزیده ایم. اکنون که لایحه ملی کردن تجارت خارجی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار دارد مردم میهن ما با دقت کامل ناظر موضع گیری های نمایندگان مجلس هستند بی تردید نمایندگان سرمایه داران لیبرال در مجلس مانند بازرگانان

در دو سال گذشته، به ویژه پس از تحریم اقتصادی ایران به وسیله امپریالیسم و آغاز جنگ تحمیلی دولت ضد مردمی صدام، مردم میهن شاهد کمبودهای شدید کالاهای مصرفی و مواد و تجهیزات صنعتی، گرانی روز افزون و احتکار کالاهای وارداتی توسط تجار بوده اند. در حالی که بسیاری از کالاها در بازارها یافت نمی شد، در حالی که قیمت آنها روز به روز بالاتر می رفت، تجار کالاها را در انبارها احتکار می کردند. احتکار می کردند تا در بازار قیمت ها بالا رود تا بدین ترتیب سود آنها افزون شود. از این راه بخش فزاینده ای از درآمد محدود و اندک کارگران و زحمتکشان میهن به صورت سود به جیب تجار بزرگ و وابسته می رود. صنعتگران و دهقانان کشور با کمبود روز افزون و گرانی فزاینده مواد اولیه و ماشین آلات و تجهیزات وارداتی مواجه می شوند و به مرز ورشکستگی نزدیک تر می شوند. کسبه در مقابل ستم تجار بزرگ و وابسته و عمده فروشان انحصاری هر روز بخش بیشتری از درآمد خود را از دست می دهند. درآمدی که به صورت سودهای کلان و بادآورده نصیب تجار بزرگ و وابسته و عمده فروشان انحصاری می شود. ملی کردن تجارت خارجی نه تنها برای مقابله با وابستگی اقتصادی امری ضروری است، بلکه برای مقابله با بحران اقتصادی کنونی میهن امری حیاتی است. تجارت خارجی باید بطور کامل از دست تجار به درآید. کار تجارت خارجی باید کلاً به دست دولت انجام شود. تجارت خارجی باید با توجه به نیازهای اقتصادی میهن، در چارچوب برنامه های عمومی در جهت مقابله با وابستگی اقتصادی، و در جهت حل بحران اقتصادی کنونی، به دست دولت و نه توسط سرمایه داران که تنها در پی کسب سود هرچه بیشتر هستند، انجام پذیرد. تجارت خارجی باید در جهت قطع پیوندهای وابستگی به انحصارات امپریالیستی و تامین نیازهای کارگران و زحمتکشان میهن، نیازهای صنعتگران و دهقانان زحمتکش میهن سمت و سوی یابد. و این نمی تواند در حالی انجام پذیرد که سرمایه داران وابسته بر گلوگاه اقتصاد وابسته ایران نشسته اند و تمام نیروی خود را بکار می گیرند تا همراه با فشارهای امپریالیسم جهانی انقلاب ایران را به انحراف کشانند و آن را به راه شکست اندازند.

در دو سال گذشته تجار سودهای کلانی بی - دغدغه به دست آورده اند. به میزان واردات بخش خصوصی و بخش دولتی طی ۹ ماه نخست سالهای ۵۸، ۵۶ و ۵۹ نظری می اندازیم (ارقام نه ماهه را مقایسه می کنیم از این روی که برای سال ۱۳۵۹ ارقام مربوط به تمامی سال در دست نیست) فروش ارز برای واردات کالا در نه ماه اول سال ۵۶ متجاوز از ۱۱/۸ میلیارد دلار بوده است این رقم در نه ماه اول سال ۵۸ که اختلافات شدیدی در روابط تجار و صنایع وابسته داخلی با انحصارات امپریالیستی بوجود آمده بود به ۷/۲ میلیارد دلار کاهش یافت واردات ایران در نه ماه نخست ۵۹ به ۱۱/۳ میلیارد رسید اما آنچه بیشتر از این گویای وضع تجار وارد کننده است ارقام مربوط به واردات بخش خصوصی است که از ۵/۵ میلیارد دلار در نه ماه اول سال ۵۶ به ۴/۷ میلیارد دلار در نه ماه اول سال ۱۳۵۸ و ۸ میلیارد دلار در نه ماه اول سال ۱۳۵۹ رسید. بدین ترتیب در نه ماه نخست ۵۹ میزان واردات بخش خصوصی نسبت به

آقای وزیر! کدام «خیر» و «صلاح»

نعمت زاده وزیر صنایع و معادن پس از هفته ها بحث بر سر قراردادهای صنایع ایران با انحصارات امپریالیستی و به ویژه قرارداد یک میلیارد لیره ای ایران ناسیونال با تالبوت انگلستان، سرانجام اعلام کرد:

"تصمیم گرفته شد که ساخت پیکان ادامه یابد و قرارداد مورد نظر (تالبوت) که هنوز تایید نهایی و امضاء نشده است منعقد گردد" (۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰)

وزیر صنایع و معادن هنوز برنامه ای روشن برای بازسازی صنایع وابسته میهن و قطع پیوندهای وابستگی آنها ارائه نکرده است. سیاست کج دار و مریز دولت در تنظیم سیاستی اقتصادی در جهت قطع وابستگی صنایع کشور و عدم تمایل به ایجاد و گسترش روابط متقابل اقتصادی با کشورهای سوسیالیست که دوستان انقلاب ایران هستند، نتیجه ای جز این در پی نخواهد داشت که پیوندهای وابستگی صنایع کشور به انحصارات امپریالیستی تجدید و تحکیم شود. قرارداد تالبوت، تعهد خرید از شرکت امپریالیستی کروپ آلمان، گسترش روابط اقتصادی با لیلاند موتورز انگلیس، ادامه و گسترش فعالیت اتوموبیل سازی رنو در وابستگی کامل به امپریالیسم فرانسه و... نمونه هایی برجسته از نتیجه بی برنامه گی دولت رجایی و وزیر صنایع و معادن آن، و نیز سیاست ارتجاعی "دوایر قدرت" است که نهایتاً بر گسترش پیوندهای اقتصادی با انحصارات امپریالیستی اروپایی و ژاپنی مهر تایید می نهد.

وزیر صنایع و معادن در این راه به این حد پیش رفته است که درباره افزایش صادرات نفت خام گفته است که:

"آنچه ما فکر می کردیم، دیدیم این خیر و صلاح مملکت است و کسانی که می گویند ذخایر مملکت کاهش می یابند فکر کنند که انقلاب یک ماه دیرتر پیروز شده است!" (۳۰ اردیبهشت ۶۰)

وزیر صنایع در راهی گام نهاده است و "منطقی" را پیش کشیده است که چاره ای ندارد جز این که نه در آینده ای چندان دور بگوید:

این قراردادها خیر و صلاح مملکت است و کسانی که می گویند وابستگی صنایع به امپریالیسم باید قطع شود فکر کنند که انقلابی نشده است!!

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

در راهپیمائی اول ماه مه در پاریس کارگران فرانسه حمایت خود را از انقلاب ایران اعلام کردند

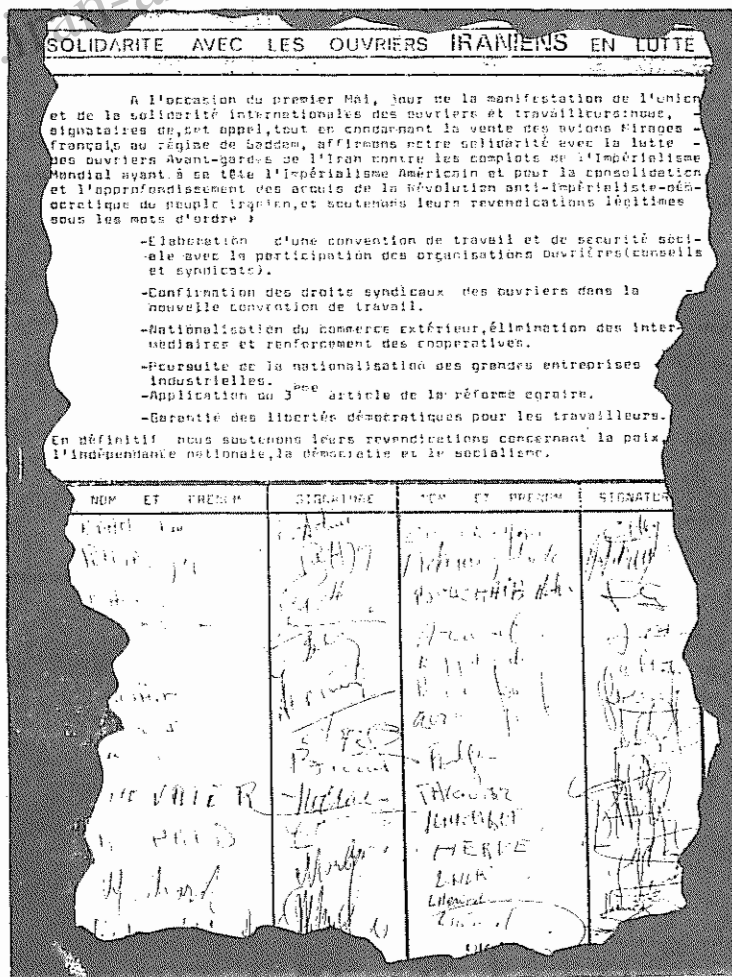
راهپیمائی اول ماه مه در پاریس، امسال نیز همچون سالهای گذشته به دعوت "کنفدراسیون سراسری کار" (C. G. T.) باشکوه هرچه تمام تر برگزار شد. در این راهپیمائی سازمان دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه - هوادار سازمان - با شرکت خود پیام وحدت و همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران را به گوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان فرانسه رسانیدند.

هواداران سازمان از ساعت ۱۰ صبح در میدان "جمهوری" نقطه شروع راهپیمائی حاضر شدند و با ترتیب نمایشگاه عکس و فروش نشریات و کتب سازمان و پخش اعلامیه به زبان فرانسه و توزیع تراکت در محکومیت فروش میراژ به عراق به جمع آوری امضاء از کارگران و مردم فرانسه در رابطه با محکوم کردن فروش میراژ و حمایت از انقلاب ایران و خواستها و نقش طبقه کارگر ایران در روند حفظ و تعمیق انقلاب و به افشاکری وسیع علیه توطئه های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا پرداخته و همبستگی و همگامی کارگران و زحمتکشان ایران را با طبقه کارگر فرانسه و همه نیروهای مدافع صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم اعلام داشتند. هواداران با فروش مواد غذایی موفق شدند مقداری کمک مالی برای آوارگان جنگ تحمیلی رژیم صدام جمع کنند.

آنگاه رفقای هوادار سازمان به صفوف راهپیمائی کارگران پیوستند و پلاکاردهای متعددی نیز حمل می کردند که بر روی آنها شعارهای زیر نوشته شده بود:



صحنه ای از راهپیمائی اول ماه مه در پاریس با شرکت هواداران سازمان



بیش از هزارتن از کارگران فرانسوی پیام همبستگی با کارگران مبارز ایران را امضاء کردند که به علت محدودیت جا، نمونه ای از آن را کلیشه می کنیم.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
زنده باد صلح جهانی
السالوادور، ایران
دو جبهه یک نبرد
زنده باد مبارزات مردم
ایران علیه امپریالیسم
یک میراژ به عراق
هزاران گشته در ایران
از مبارزات زحمتکشان ایران
علیه امپریالیسم حمایت کنید
شعارهای هواداران سازمان
با استقبال و حمایت مردم
روبرو شد و آنها با کفزدن
حمایت خود را از انقلاب
مردم ما اعلام می داشتند.

تجلی وحدت و همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان، ما امضاء کنندگان این پیام در عین محکوم نمودن فروش هواپیماهای میراژ فرانسوی به رژیم صدام همبستگی خویش را نسبت به مبارزات کارگران مبارز ایران علیه توطئه های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و برای تحکیم و تعمیق دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک - خلفای ایران ابراز داشته و از خواسته های قانونی آن تحت شعارهای زیر حمایت می کنیم:

- تدوین قانون کار و تامین اجتماعی با مشارکت سازمان های کارگری (شوراها و سندیکاها)
- تامین حقوق سندیکائی کارگران در قانون کار جدید
- ملی کردن تجارت خارجی، از بین بردن دست واسطه ها و تقویت کتوپراتیوها (تعاونی ها)
- ادامه دادن به ملی کردن موسسات صنعتی بزرگ
- اجرای بندسوم (بندج) اصلاحات ارضی
- تامین آزادی های دمکراتیک برای زحمتکشان

در پایان ما خواسته های آنان را در مورد صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم مورد حمایت قرار می دهیم.

همچنین سازمان دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه، هوادار سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" به مناسبت اول ماه مه پیامی به سازمان فرستاده اند.

مردم در مسیر راه به صفوف هواداران پیوسته و از این طریق نیز حمایت خود را اعلام می داشتند. در پایان تظاهرات صدها تن از کارگران و مردم متن پیام همبستگی و حمایت از خواسته های طبقه کارگر ایران را امضاء کردند که ما به درج نمونه ای از این امضاءها اقدام می کنیم.

متن پیام:
همبستگی با کارگران مبارز ایران
به مناسبت اول ماه مه، روز

کارگران مبارز ایران!
با تداوم تولید
و افزایش بازدهی کار
جبهه انقلاب را
تقویت کنید

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

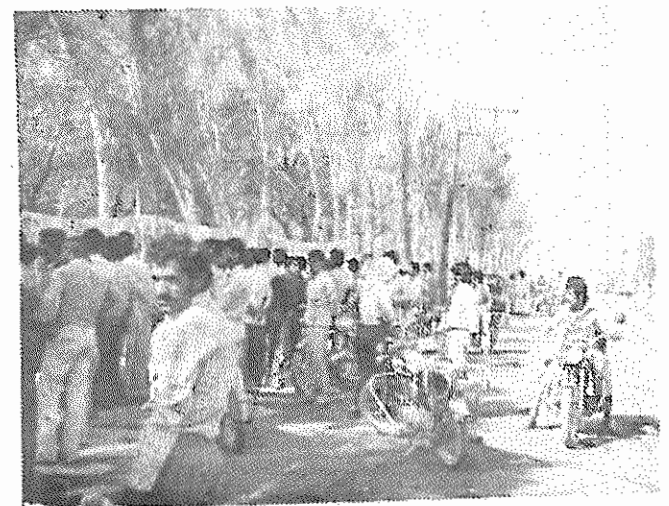
اخبار شهرستان ها

اقدام غیر مسئولانه استاندار اصفهان

اصفهان - گروهی از جوانان دیپلمه و لیسانس که با حقوق کم در ادارات آموزش و پرورش و بهداشتی و برق و چند اداره دیگر اصفهان مشغول فعالیت بودند، به دستور استاندار از کار برکنار شدند. این گروه که بالغ بر ۴۸۰۰ نفر می‌شوند، از سال ۵۸ با حقوق ماهیانه ۱۵۰۰ تومان به کار فراخوانده شدند ولی در تاریخ ۱۷ اسفند ۵۹ به دستور استاندار حقوق آنان قطع شد. به دنبال این اقدام، کارکنان اخراجی، نمایندگانی انتخاب کردند و با تشکیل کمیته هماهنگی به مذاکره با استاندار و نمایندگان سپاه پاسداران و آیت‌الله طاهری نشستند. با اینکه نمایندگان سپاه و آیت‌الله طاهری از خواست کارکنان اخراجی حمایت کردند ولی استاندار با ادامه کار آنان مخالفت نمود. به دنبال برخورد غیرمسئولانه استاندار، کارکنان اخراجی در ۱۵ فروردین در محل پارکینگ استانداری تحصن کردند. این رویداد با توجه به تحریکات لیبرالها و عناصر افراطی و چپ‌رو، زمینه را برای تبلیغ علیه مسئولان و متشنج کردن اوضاع فراهم کرده است. بجاست استاندار دست از لجاجت خود بردارد و با پرداخت حقوق کارکنان و تعیین محل مناسب برای ادامه فعالیت، آنان را به سر کار بازگرداند.

فتودالها از روستائیان بهره مالکانه می‌گیرند

ارومیه - روستائیان زحمتکش منطقه "مرگور" (که در مجاورت مرز ترکیه و عراق قرار دارد) تحت ستم فتودالهای مسلح و ضدانقلابیون این منطقه قرار دارند. فتودالهای مسلح از جمله



برای نخستین بار در هندیجان خوزستان هواداران سازمان دو نمایشگاه عکس در رابطه با توطئه‌های امپریالیسم جهانخوار امریکایی و بزرگداشت روزکارگر برپا کردند. این نمایشگاه‌ها مورد استقبال مردم و به‌ویژه هموطنان مهاجر خوزستانی قرار گرفت.

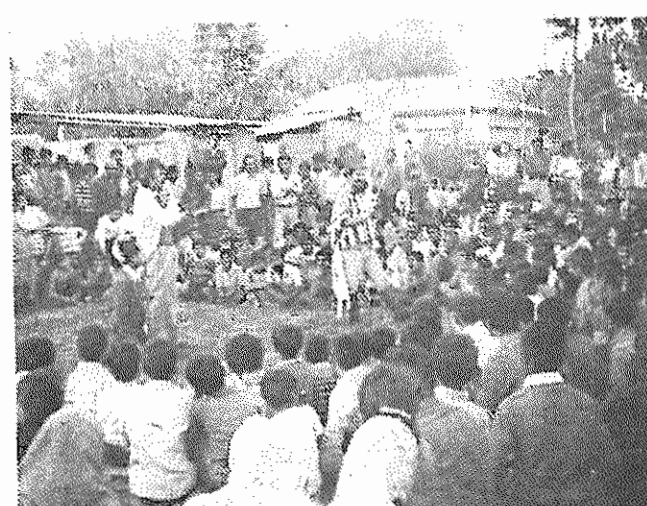
"حاجی سامی"، "رشیدبیگ" و عوامل آنها با اخراج دسته‌جمعی دهقانان مبارز از روستاها، دریافت بهره مالکانه و شکنجه و کشتار روستائیان زمینه را برای فعالیت عناصر وابسته به رژیم گذشته فراهم می‌کنند. هم‌اکنون عوامل اویسی و بختیار و افسران فراری همچون ستوان حاتم در کنار عناصری از باند قاسملو و با کمک رژیم‌های ارتجاعی ترکیه و عراق در این منطقه حساس مرزی، سرگرم توطئه‌اند. فتودالهای مسلح که دست در دست این ضدانقلابیون دارند، می‌کوشند با فشار آوردن بر روستائیان مبارز، نقشه‌های خود را به اجرا درآورند. در این میان اقدامات مشکوک و مرتجعانه برخی از دست - اندرکاران استان و از جمله "ملاحسنی" امام‌جمعه ارومیه راه را برای مقاصد فتودالها و ضدانقلابیون باز کرده است.

روستائیان "مرگور" و زحمتکشان مناطق اطراف ارومیه که از فشار فتودالها به تنگ آمده‌اند، خواستار اجرای فوری اصلاحات ارضی، مبارزه پیگیر با فتودالها و ضدانقلابیون و طرد "ملاحسنی" و عوامل مزدور و مورد حمایت اوهستند.

رئیس ساواکی

آموزش و پرورش علی‌آبادگران بازداشت شد

گران - رئیس آموزش و پرورش علی‌آباد گران که در رژیم گذشته با ساواک همکاری داشت و با عوام‌فریبی به عضویت انجمن اسلامی فرهنگیان درآمد بود، پس از شناسایی از کار برکنار و بازداشت شد. این شخص که "ابراهیم نوری" نام دارد، ضمن عضویت در انجمن اسلامی مسئولیت کتابخانه مسجد جامع گران را نیز به عهده داشت! این عنصر ضدانقلابی چندی پیش تعدادی از معلمین مبارز و از جمله ۵ تن از هواداران سازمان ما را پاکسازی کرده بود!! ما ضمن اینکه خواستار بازگرداندن معلمان مبارز و متعهد به سر کارهایشان هستیم، از مسئولان منطقه و به‌ویژه سپاه پاسداران که در دستگیری "ابراهیم نوری" ابتکار عمل را به دست داشت، می‌خواهیم تا با قاطعیت انقلابی به این پرونده رسیدگی کنند و ساواکی مزبور را به مجازات برسانند.



نمایشنامه "سنگرانقلاب" توسط گروه نمایش پیوند (هواداران سازمان) در محله‌های کارگرنشین پشت راه‌آهن "توکمه‌محله"، "گونی‌آباد" و "چهارراه حسن‌آباد قائم‌شهر به اجرا درآمد.

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

● هواداران سازمان در پالایشگاه شیراز با صدور اعلامیه‌ای ضمن پشتیبانی خود از خواسته‌های معقول و اساسی کارکنان پالایشگاه شیراز، تحصن و اعتصاب را در شرایط کنونی محکوم کرده‌اند. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است:

"... مسئولین انقلابی باید خود به میان جمع بیایند و از زبان کارگران مشکلات را بشنوند و در حد امکانات آن را چاره کنند."

قوانین و موانع دست و پاگیر را از پیش پای

دهقانان بردارید!

شاخه مازندران سازمان تراکتی با عنوان فوق منتشر کرده که در آن ضمن برشمردن مشکلات و کمبودهای کشاورزان این منطقه و نیز چگونگی بهره‌برداری ضدانقلاب از این مشکلات، از دولت خواسته است که:

- ۱- شرط داشتن سند مالکیت برای گرفتن وام کشاورزی را ملغی اعلام نماید.
- ۲- بازپرداخت بدهی سال قبل کشاورزان خسارت دیده و به‌ویژه دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین را لغو کرده و وام تعاونی به آنان بپردازد.
- ۳- وام به صورت نقدی و وسائل کشت و کار بموقع و به میزان کافی در اختیار کشاورزان قرار داده شود.

سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ را

محاکمه انقلابی کنید

هواداران سازمان در شهریار خطاب به مردم مبارز این شهر اعلامیه‌ای منتشر کردند. در قسمتی از اعلامیه چنین می‌خوانیم:

"... همانطور که می‌دانید "بهاء‌الدین کهبید" معروف به مجتهد نهان‌پوش سرمایه‌دار و مالک متنفذ شهریار به‌وسیله دادگاه انقلاب اسلامی مرکز بازداشت شده‌است. ما ضمن تأیید و پشتیبانی از این عمل انقلابی دادستانی در محاکمه آیدای طاغوت و سرسپردگان رژیم منحل گذشته خواهان مجازات انقلابی و شدید وی هستیم. ما خواهان مصادره کلیه کارخانه‌ها و بخصوص گاوداری‌های کهبید هستیم."

از اقدامات انقلابی سپاه پاسداران میناب

حمایت کنیم

هواداران سازمان در "سیریک" اعلامیه‌ای به منظور پشتیبانی از اقدامات انقلابی سپاه پاسداران میناب در رابطه با دستگیری و مجازات ضدانقلابیون منطقه منتشر کرده و در آن چنین نوشته‌اند:

"... ما نیز به سهم خود در جهت برآورده کردن خواسته‌های توده‌های زحمتکش منطقه اعلام آمادگی می‌کنیم و از همه مردم منطقه می‌خواهیم برای تثبیت و تداوم انقلابمان و برای ریشه‌کن کردن عوامل مزدور و ضدانقلابی به حمایت از این نهاد انقلابی برخیزند."

باند‌های سپاه را افشاء کنیم

«کمیته پل سیمان» تهران

را از عناصر ضد انقلاب و فاسد پاکسازی کنید!

• «کمیته پل سیمان» اگرچه در ردیف باند‌های سپاه و ضدانقلاب نمی‌گنجد، ولی به علت نفوذ گسترده عناصر فاسد و ضدانقلاب در آن و نیز به علت روابط گسترده آن با باند‌های سپاه و مشکوک در خارج از کمیته، عملاً به ارگانی در دست ضد انقلاب بدل شده است. به همین دلیل ما در این شماره کار به افشاء گردانندگان و رهبران اصلی این کمیته و نوع فعالیت آن می‌پردازیم.

کمیته پل سیمان تهران همچون دیگر کمیته‌ها در سراسر کشور، از میان مردم جوشید و شکل گرفت. لیکن بعد از پیروزی انقلاب با قدرت گرفتن حاجی‌غفوری، روحانی محل و حمایت پاره‌ای سرمایه‌داران و تجار و عناصر قشری درون دستگاه‌های دولتی، به مرور محتوای اصلی خود را از دست داد و به تسخیر عناصر لمپن و ضدانقلاب درآمد. بدین ترتیب حاجی‌غفوری در پی دشمنی آشکار خویش با زحمتکشان و نیروهای مردمی و تصفیه آنان از کمیته، سلاحی را که از مردم دریافت کرده بود به اعوان و انصار خویش سپرد. اعوان و انصاری مانند علی‌گرگی، سیدرحیم ماشاءالله و محمدرضا، یدی و اصغر زمانی و غیره و غیره که پاره‌ای از آنها بعدها به جرم اشاعه فحشاء و فروش هروئین دستگیر و زندانی شدند.

حاجی‌آقا که از نفوذ قابل‌توجهی در اداره امور سیاسی و اقتصادی منطقه برخوردار است و نفوذ او را در همه‌جا از کارخانه‌های سیمان و چیت‌سازی تا شورای محلات و معاملات زمین و غیره می‌توان دید، اغلب در تمام فعالیت‌های ضد مردمی خویش به همین عناصر فاسد متکی است.

ترکیب کمیته و سابقه افراد آن

همانطور که گفته شد در آغاز از هر قشر و طبقه‌ای در کمیته یافت می‌شد اما به مرور به دنبال قدرت گرفتن حاجی‌آقا در محل و انتصاب علی‌گرگی از جانب وی به ریاست کمیته، وجود عناصر لمپن و ضدانقلاب در کمیته غالب گردید. این عناصر فاسد به علت نداشتن کار مشخص و به‌خاطر حس ماجراجویی و قدرت‌طلبی و علیرغم سوابق ننگین خود توانسته‌اند با استفاده از نفوذ حاجی‌آقا در کمیته و دیگر ارگان‌های محل رخنه کرده و آزادانه به فعالیت خویش ادامه دهند. نمونه این افراد را می‌توان به ترتیب زیر نام برد:

- ۱- قربون‌لره یا قربون‌کوری. فرد مزبور کسی است که اهالی اعمال کربیه و ضدانقلابی او را در دوران گذشته بخاطر دارند. بطوریکه در روزهای قیام واقعی که مردم برای خرید نفت در صف می‌ایستادند، شخص یادشده با فحاشی به امام خمینی، به مردم می‌گفت: "بروید از خمینی نفت بگیرید." و غیره. وی که در گذشته از طریق اداره کردن قمارخانه امرار معاش می‌کرد و پرونده‌های زیادی در کلانتری در زمینه چاقوگشی مشروب‌خواری و باج‌گیری داشته، اکنون با "امام

همانطور که در بالا گفته شد، به علت پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم که با کمیته دارند، به صورت گسترده و آزادانه به اشاعه فحشاء و قاچاق مشغول هستند. در این میان حتی چندبار حاجی‌آقا بطور آشکار به دفاع و تبرئه آنان در برابر اتهامات گوناگون برخاسته است.

رابطه کمیته با ارگان‌های دیگر

سپاه که نفوذ چندانی در کمیته ندارد، از همان ابتدا با کمیته اختلافاتی داشته که گاه این تضادها به برخورد مسلحانه نیز کشیده شده است. انجمن اسلامی نیز بیشتر با بخش فرهنگی کمیته همکاری داشته و در زمینه‌های مختلف چندین بار با کمیته درافتاده که هر بار با حمایت حاجی‌آقا از کمیته، عقب نشسته است.

کمیته پل سیمان که تاکنون در کنار دیگر نیروهای ضدانقلاب در محل از هیچ اقدام ضد مردمی فروگذار نکرده و خشن‌ترین رفتار را نسبت به نیروهای انقلابی و مردم زحمتکش روا داشته‌اند - که شکنجه و ضرب و شتم و دستگیری‌های غیرقانونی و ممانعت هرروزه از فعالیت سالم نیروهای انقلابی از آن جمله است - مجموعاً نارضایتی عمیق مردم منطقه را موجب گردیده است.

مردم که در گذشته کوچک‌ترین مشکلات و اختلافات خود را برای یافتن چاره و راه حل به کمیته ارجاع می‌دادند، اکنون با مشاهده عناصر فاسدی که در کمیته راه یافته‌اند، نسبت به کمیته بدبین و با گفتن جملاتی از قبیل "کمیته محل یک عده اوپاش است" نارضایتی خود را نشان می‌دهند.

امام" گفتن خود گوش آسمان را کر می‌کند. ۲- علی‌گرگی، رئیس سابق کمیته است. این شخص روابط نزدیکی با لمپن‌های صفائی دارد و پس از رسیدن به منصب ریاست کمیته توانست کارخانه جوجه‌کشی در ملایر (زادگاه خویش) تاسیس کند و نیمی از یک حمام در منطقه را به تصاحب خویش درآورد. در کار قاچاق تریاک دست داشته و پس از برکنار شدن از ریاست کمیته روابط گسترده‌تری با "داودپسی" و "محمد اتوشوی" (ازسران باند قاچاق و اشاعه فحشاء در محله و همچنین از افراد مورد اعتماد حاجی‌غفوری) برقرار کرده است. ۳- یدی (احتمالاً یدالله‌احمدی می‌باشد) گرچه وی از افراد کمیته نیست ولی با آنها روابط نزدیکی دارد. بطوریکه می‌توان گفت غیررسمی کمیته‌ای است. او از لمپن‌های محل و به الکل معتاد بوده و بطورکلی از سابقه بدی برخوردار است. در ردیف چنین افرادی می‌توان کریسم حسین‌پور، برادران باباپور، صدر، ابراهیم ملکی کاظم حسینی و حسین خانی را نام برد.

باند‌های قاچاق و فواحش

نفوذ نسبتاً زیاد این افراد در منطقه برای ساکنین محل کاملاً ملموس است. این افراد

ضد انقلاب را افشاء کنیم (۸)

باند سردار جاف

باند سردار جاف

این دار و دسته یکی از مهم‌ترین مزدوران مسلح رژیم عراق به شمار می‌روند که با ژنرال‌های فراری ایرانی نیز ارتباط دارند. سردار جاف حدود ۱۵۰۰ مزدور مسلح در اختیار دارد و پایگاه آنها در ده "جوارکلا" در استان سلیمانیه عراق می‌باشد.

افراد این باند به سلاح‌های برنو، کلاشینکف، خمپاره ۶۰، آرپی‌جی ۷، تیربار و ... مسلح هستند. مزدوران سردار جاف در مناطق "دالاهو" "قلقله" و "آقوویی" عملیات خرابکارانه انجام می‌دهند. یکی از افراد این باند در بخش ثلاث باباخانی به نام "احسن نظری" (پسر کدخدا محمود نظری) است که فرماندهی ۵۰۰ مزدور را به عهده دارد.

عمل خرابکاری این مزدوران بیشتر در "چناره دالاهو" و نیز نواحی گیلانغرب، سومار و گاهی جنوب کشور است.

"دارابیگ جاف"، "خسروجاف"، "حاتم نظری" و "کدخدا محمودالیاسی" از جمله کسانی هستند که فرماندهی این مزدوران را به عهده دارند. افراد این باند ضدانقلابی بیشتر از طوایف قلخانی و تایشه‌ای هستند و با دریافت

نفوذ ضد انقلاب در بسیج عشایری

باند‌های ضدانقلابی پالیزبان، بختیار و سردار جاف یکی از تاکتیک‌های عمده خود را نفوذ در بسیج عشایری جنوب (گروه مشترک جنگ‌های نامنظم) که مورد حمایت سران عشایر و زمینداران بزرگ وابسته به جبهه ملی و عمدتاً فرماندهان ارتش است، قرار داده است.

چندی پیش یکی از افراد بسیج عشایری که با اسلحه دولتی فرار کرده و به عراق رفته بود، مورد سرزنش سردار جاف قرار می‌گیرد و به او دستور داده می‌شود مجدداً به بسیج عشایری بازگردد!

همچنین در فروردین‌ماه حدود ۳۰ نفر از عناصر شناخته‌شده در منطقه "بیونیح" که در روستاها معروف به "چریک‌های سردار جاف" هستند، وارد بسیج عشایری شده‌اند. این عده که از طرف بسیج عشایری مأمور کنترل جاده کردند - بیونیح شده‌اند، مسافران را وادار به گفتن "جاویدشاه" می‌کنند.

بهباد نبوی در مصاحبه‌ای گفت:

۱ - " دولت جمهوری اسلامی ایران بارها سیاست نه شرقی نه غربی خود را اعلام کرده است و به نظر دولت ابرقدرت غرب و ابر قدرت شرق تفاوت کیفی با یکدیگر ندارند... اختلاف کیفی بین دو ابرقدرت وجود ندارد "

۲ - " ... در زمینه گسترش روابط فنی و اقتصادی با ژاپن مانعی وجود ندارد چون دولت ایران در عین حال که ژاپن را یک کشور سرمایه‌دار می‌بیند ، ولی یک کشور استعمارگر او را نمی‌داند... "

۳ - " ... کل قضیه (قرارداد تالبوت) چیزی نیست که قابل اعتراض باشد بدین معنی که خرید موتور برای پیکان یک کناه کبیره نیست... و تا همین خرداد هم یک قرارداد ۱۰ ساله موجود بوده که بعد از انقلاب هم هیچکس آن را لغو نکرده است... "

(به نقل از اطلاعات ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)
ما بارها در صفحات " کار " بر این نکته تاکید ورزیده‌ایم که نظر ارتجاعی " دوا بر قدرت " نتیجه‌ای جز گسترش روابط وابستگی به امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم آمریکا ، از طریق تحکیم پیوندهای وابستگی به امپریالیسم اروپا و ژاپن ندارد . ما بر این نکته تاکید ورزیده‌ایم که دنبال کردن سیاست " نه شرقی نه غربی " پای نهادن در کوچه بن‌بستی است که سرانجامی جز کوفتن بر در امپریالیسم جهانی ندارد .

ما نکته‌هایی را از سخنان وزیر مشاور در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در هفته گذشته در بالا آورده‌ایم . اینها نمونه‌هایی است از بیاناتی که رئیس جمهور ، نخست‌وزیر وزیر صنایع و معادن و برخی دیگر از مقامات جمهوری اسلامی در هفته گذشته ایراد کرده‌اند .

وزیر مشاور و سخنگوی دولت در این مصاحبه مطبوعاتی ، آنچنان که سیاق تفکر مدعیان سیاست " نه شرقی نه غربی " است نه تنها اعلام داشت که امپریالیسم آمریکا با اتحاد شوروی تفاوت کیفی با یکدیگر ندارند ، بلکه اعلام داشت که امپریالیسم ژاپن این شریک جنایتکار امپریالیسم جهانی را بر دول

آقای بهزاد نبوی !

امپریالیست‌های ژاپنی ، اروپائی و امریکائی همه اعضای پیکر واحد امپریالیسم جهانی اند !

می‌شود . آقای وزیر مشاور نمی‌خواهد در نظر آرد که استعمار به آن گونه که تا پیش از جنگ جهانی دوم از جانب امپریالیسم جهانی اعمال می‌شد ، که از قضا امپریالیسم ژاپن هم در آن نه تنها بی نقش نبود ، بلکه از ارکان مهم آن نیز بشمار می‌آمد ، دیگر برقرار نیست . پرتغال آخرین قدرت استعماری بود که مستعمرات خود را در سالهای دهه اخیر از دست داد . اما اعمال سلطه اقتصادی و سیاسی از جانب امپریالیسم جهانی ، منجمله امپریالیسم ژاپن ، همچنان برجای خود باقی است .

آقای وزیر مشاور بهتر است به یاد بیاورد که ژاپن در زمان دولت وابسته‌شاه

توجه‌گری بزنند و با دکرکون نشان دادن واقعیات بکوشند رابطه اقتصادی با امپریالیسم جهانی را موجه جلوه‌گر سازند . همچنان که بهزاد نبوی در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود کرده است . " ژاپن کشوری استعمارگر نیست " ، " ژاپن کم خطرتر از آمریکا ، روسیه ، انگلیس و فرانسه است " ، بنا بر این " در زمینه گسترش روابط فنی و اقتصادی با ژاپن مانعی وجود ندارد ! "

آری ، تکیه بر نظر ارتجاعی " دوا بر قدرت " کار را بدینجا می‌رساند که امپریالیسم ژاپن ، این امپریالیسم غارتگر و سلطه‌گر جهانی ، به عنوان کشوری که هر عیب داشته باشد ، استعمارگر نیست قلمداد

سوسیالیستی ترجیح می‌دهد آنان که نظریه ارتجاعی " دوا بر قدرت " را می‌پذیرند آنان که صف دوستان و دشمنان خلق را یکی می‌انگارند ، و می‌کوشند . علیرغم تجربه روشن و مسلم خلفهای تحت ستم جهان این نظریه ارتجاعی را رواج دهند ، آنگاه که در می‌یابند نمی‌توان در خلاء و مزروی از اقتصاد جهانی به سربرد ، به ویژه آنگاه که در می‌یابند که اقتصاد وابسته‌ایران در پیوندهای گسترده عمیقی با انحصارات امپریالیستی است ، و مبارزه در جهت قطع این پیوندها مستلزم برقراری روابط گسترده با کشورهای سوسیالیستی جهان است ، چاره‌ای جز این نمی‌یابند که دست به

استخدام معلمان منعهد به انقلاب ضروری است و ضروری تر از آن بازگرداندن معلمان بناحق پاکسازی شده است

خواهند کرد؟ حال که آموزش و پرورش درصد ۷۰۰۰ استخدام معلم جدید برآمده است باید پرسید که برای بازگرداندن آن دسته از معلمان که بناحق محروم کردن انقلاب از بخشی از نیروهای صدیق و وفادار به آن می‌باشد .

محمد محمدی نماینده گرگان در مجلس شورای اسلامی ، ضمن برشمردن مشکلات موجود بر سر راه انقلاب می‌گوید:

" تصفیه‌های سیاسی و عقیدتی و روحیه دفع مخصوصا در محیط‌های آموزشی دردناک‌ترین خنجری بود که بر قلب انقلاب فرو رفت . این مسئله یکی از فاجعه‌های انقلاب است حساب عناصر ضدانقلاب و ساواکی جداست . "

(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹ اردیبهشت ۶۰)
آیا مقامات مسئول به مفهوم این گفته‌ها توجه

اکون حدود یک سال است که هزاران معلم کارآمد و متعهد به انقلاب به اتهام غیرمکتبی بودن در کنار عده‌ای ساواکی و ضدانقلاب " پاکسازی " شده‌اند . اندکی پس از اجرای " پاکسازی " ، بر اثر نارضایتی گسترده معلمان و دانش‌آموزان و نیروهای ترقیخواه ، مقامات مسئول پذیرفتند که پاکسازی با معیار درست و یکنواختی نبوده و اشتباهات بسیاری صورت گرفته است و حتی وعده دادند که به‌زودی اشتباهات گذشته را در این زمینه جبران کنند . با این همه نزدیک به یک سال است این معلمان که می‌توانستند با پشتکار و ایمانی انقلابی به امر آموزش و پیشبرد فرهنگی انقلابی در مدارس مشغول باشند ، همچنان بلا تکلیف باقی مانده‌اند . آنها پس از " پاکسازی " علیرغم تحمل سختی‌ها و مشقات با درک

دومین صادر کننده محصولات انحصارات امپریالیستی به اقتصاد وابسته ایران بود و نیز انحصارات امپریالیستی آن از بزرگترین سرمایه‌گذاران امپریالیستی در اقتصاد ایران بوده‌اند . سرمایه‌گذاری‌های انحصارات ژاپنی در ایران در رشته‌هایی از تولید چرخ گوشت و تلویزیون گرفته تا عظیم‌ترین کارخانه پتروشیمی کشور بوده است .

آقای وزیر مشاور بهتر است دریابد که نه تنها سرمایه‌های انحصارات امپریالیستی امریکایی در مشارکت با سرمایه‌های امپریالیستی ژاپنی ، به نام شرکت‌های ژاپنی در بسیاری از نقاط گیتی فعالیت دارند بلکه انحصارات ژاپنی خود به تنهایی بازارهای جهان سرمایه‌داری را در بسیاری از رشته‌های تولیدی قبضه کرده‌اند . انحصارات اتومبیل سازی ، موتور - سیکلت سازی ، فولاد سازی ، کشتی سازی ، پارچه‌بافی ،

پتروشیمی امپریالیسم ژاپن تا اعماق بازارهای امریکای لاتین ، افریقا و آسیا نفوذ کرده‌اند و در تشدید وابستگی جوامع تحت سلطه در این قاره‌ها نقشی بس عمده داشته‌اند . رژیم سر - سپرده کره جنوبی و اقتصاد وابسته این کشور بهترین نمونه غارتگری امپریالیسم ژاپن است . برای اثبات نظریه ارتجاعی " دوا بر قدرت " چه دریای عظیمی از واقعیات را که مقامات دولت جمهوری اسلامی نادیده می‌گیرند و چه میزان از ستمگری‌ها و غارتگری‌های امپریالیست‌های جهانی را انکار می‌کنند .

ماز شماره آینده مطالبی را درباره امپریالیسم ژاپن ، غارتگری‌های آن در سراسر جهان و انحصارات امریکا - ژاپنی در کار به چاپ خواهیم رساند تا آنان که واقعا هنوز نمی‌دانند امپریالیست‌های اروپائی ، ژاپنی ، و امریکایی جمله اعضای یک پیکرند واقعیات را بهتر دریابند . ما افشای چهره امپریالیسم ژاپن ، افشای دیدگاه ارتجاعی سه جهان و نشان دادن رابطه سلطه اقتصادی و سیاسی انحصارات امپریالیستی را به ویژه در شرایط و اوضاع و احوال امروز وظیفه همه نیروهای انقلابی می‌دانیم و خود در شماره‌های آینده " کار " بیش از پیش در این راه خواهیم کوشید .

به پیشنهادات صلح جویانه جمهوری دمکراتیک افغانستان پاسخ مثبت دهید

دولت جمهوری اسلامی ایران باید برای مردم توضیح دهد که چرا سیاست آن نسبت به جمهوری انقلابی افغانستان با سیاست آمریکا، انگلستان، مصر، اسرائیل، پاکستان، عربستان سعودی و چین نسبت به این کشور تفاوتی ندارد؟

اسلامی طلب می‌کند که به سیاست خصمانه خود علیه دولت انقلابی افغانستان پایان دهد، از حمایت گروه‌های ضدانقلابی دست بردارد و با استقبال از پیشنهادات صلح جویانه و ترقیخواهانه وزارت خارجه افغانستان در جهت عادی ساختن روابط دو کشور بکوشد. روابط دوستانه و حسن همجواری دو کشور ایران و افغانستان سلاح نیرومندی در خدمت انقلاب دو کشور است. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و تمامی رژیم‌های دست نشانده منطقه و ضدانقلاب داخلی از سیاست کنونی جمهوری اسلامی ایران شادمان هستند و مذبحخانه تلاش می‌کنند که مانع تصحیح سیاست کنونی جمهوری اسلامی شوند. تصحیح بی‌درنگ سیاست بغایت ارتجاعی که علیه انقلاب و مردم افغانستان در پیش گرفته شده است، گام بلندی در راه تحکیم اتحاد خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده و ارتجاعی است.

سرنوشت ضدانقلابیون فراری ایرانی، نظیر بختیار و اویسی‌هاست. با این تفاوت که میزبان ضدانقلابیون "ایرانی" کشورهای امپریالیستی همچون آمریکا و فرانسه و رژیم‌های دست نشانده منطقه هستند ولی میزبان فراریان ضد انقلابی افغانی، متأسفانه دولت جمهوری اسلامی ایران است! مردم ایران نسبت به اتخاذ چنین سیاستی از سوی جمهوری اسلامی جدا اعتراض دارند. آنها خواهان برقراری روابط دوستانه بین دو کشور انقلابی ایران و افغانستان و مبارزه مشترک علیه تجاوزات و توطئه‌های امپریالیسم جهانی هستند. سازمان ما با تاکید بر اقدامات صلح جویانه و ترقیخواهانه جمهوری دمکراتیک افغانستان یکبار دیگر از دولت جمهوری

نادرست و زیان‌آور خویش نسبت به آنچه در افغانستان می‌گذرد، به واقعیت انقلاب مردم افغانستان عناد می‌ورزید و حاضر به پذیرش واقعیات انقلاب آن کشور نیستند: جمهوری اسلامی ایران در پی این ارزیابی نادرست اقدام به حمایت از گروه‌های امریکاساخته‌ای کرده است که برای اعاده وضعیت گذشته و برقراری مجدد تسلط امپریالیسم بر خلق قهرمان افغانستان مذبحخانه می‌کوشند. هم‌اینک میهن انقلابی ما جولانگاه فئودالها، خان‌ها، روحانیون مرتجع و قاچاقچیان است که در جریان انقلاب افغانستان از این کشور گریخته‌اند و اکنون گوش به فرمان امپریالیسم جنایتکار آمریکا به توطئه‌های خود علیه خلق افغانستان و ایران ادامه می‌دهند. سرنوشت آنها همانند

و مورد قبول شده است. چنین پیشنهادی از سوی جمهوری دمکراتیک افغانستان تاکنون بارها و بارها تکرار شده است. از جمله چندی پیش شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان در جریان دیدار رسمی خود از هندوستان اعلام داشت که کشور متبوع وی حاضر است بدون هیچگونه شرط مقدماتی برای عادی کردن روابط افغانستان با دولت‌های ایران و پاکستان با مقامات دو کشور فوق به مذاکره بنشیند. متأسفانه پیشنهادات صلح جویانه و سازنده دولت انقلابی افغانستان که منطبق بر مصالح و منافع عالیه خلقهای منطقه است، تاکنون با بی‌توجهی کامل جمهوری اسلامی ایران مواجه شده است. مقامات جمهوری اسلامی با پافشاری بر ارزیابی

وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان یکبار دیگر کشورهای ایران و پاکستان را به مذاکره برای حل مسائل مورد اختلاف طرفین دعوت کرد. دولت افغانستان در بیانیه رسمی وزارت خارجه آن کشور که چندی پیش منتشر شد، به مناسبت نخستین سالگرد اعلام پیشنهادهای این کشور به جمهوری اسلامی ایران و دولت پاکستان، مبنی بر حل مسالمت‌آمیز اختلافات موجود، راه‌حل‌های صلح‌آمیز خود را برای چندمین بار اعلام کرده است. وزارت خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان در این بیانیه باز هم بر لزوم حل مسالمت‌آمیز اختلافات موجود میان این کشور با کشورهای همجوار تاکید کرده و خواهان آغاز گفتگوهای مستقیم برای دست یافتن به یک راه حل مشترک

این و دیگر عوامل در محاسبه دقیق آن نیروهای ارتجاع بین‌المللی که از دیرباز و به ویژه پس از روی کار آمدن برژینسکی - این ضد کمونیست کینه‌توز در ایالات متحده آمریکا لهستان را به مثابه "حلقه اصلی" شکاف در سیستم سوسیالیستی انتخاب کرده بودند در نظر گرفته شد. در مقاله آمده است: این نقشه "در ردیف همان تلاش‌هایی قرار دارد که هدفش به هم زدن صلح و آرامش در اروپا و در جهان است. این نقشه که بنابه ماهیت خود برای لهستان، ضدملی و کلا ضد سوسیالیستی است در مجموع خود علیه امنیت اروپا معطوف شده زیرا اصل تعادل قوا و ثبات را که در روند تاریخی در این قاره ناآرام برقرار شده به هم می‌زند" به همین سبب خیلی‌ها چه در خود لهستان و چه در اروپا از آن جمله برخی از دولتمردان و شخصیت‌های کاتولیک با نگرانی روزافزونی به اعمال افراد ماجراجوی لجام گسیخته از "کمیته بقیه در صفحه ۲۲

ایدئولوژی سوسیالیستی و هرگونه کناره‌گیری از آن به معنای تقویت ایدئولوژی بورژوازی خواهد بود" در مقاله خاطر نشان می‌شود که: در لهستان بیش از هر کشور دیگر سوسیالیستی هم عوامل ذهنی (کم بهاء دادن به ایدئولوژی سوسیالیستی) و هم عینی برای تاثیر افکار بورژوازی و خرد بورژوازی بر اذهان و قلوب مردم خود را آشکار ساختند. لهستان تنها کشور جهان سوسیالیستی است که در آن بطور کلی مالکیت فردی کشاورزی و همچنین هزاران موسسه و بنگاه شخصی در رشته خدمات و مصرف حفظ شده است. و در این مسئله نیز نمی‌توان تردید داشت که کلیسای کاتولیک چه نقش جدی در لهستان ایفا می‌کند

عوض شد. بعضی‌ها با سبقت جستن بر تاریخ و جلوه دادن آرزو به صورت یک واقعیت اعلام داشتند که گویا در لهستان، دیگر زمینه اجتماعی برای مبارزه مسلکی سیاسی و طبقاتی وجود ندارد. نویسنده مقاله خاطر نشان می‌سازد: وضعی که در لهستان پدید آمده دیگر جاودانگی سخنان لنین را که در اثر "چه باید کرد؟" آمده به اثبات می‌رساند. لنین نوشت: ... مسئله فقط بدین شکل مطرح است: یا ایدئولوژی بورژوازی یا ایدئولوژی سوسیالیستی. حد وسط در اینجا وجود ندارد (زیرا بشریت هیچ ایدئولوژی سومی تدوین نکرده ...) از این جهت هر گونه کم بهاء دادن به

روزنامه "لیتراتورنایا - گازتا" می‌نویسد: در جمهوری خلق لهستان پیکار طبقاتی بی‌امان و آشتی‌ناپذیر بسط می‌یابد. در دستور روز مسئله‌ای حیاتی - مسئله آینده لهستان قرار دارد" نویسنده در آغاز مقاله خود خاطرنشان می‌کند: خصوصیت اوضاع لهستان عبارت از آن است که "دشمنان سوسیالیسم مخفی می‌شوند و یا اینکه نیت واقعی خود را پنهان می‌دارند". شگرد تاکتیکی "خزیدن" ضد انقلاب در لهستان اعم از اینکه هر قدر هم خوب انجام گیرد نشان می‌دهد که سوسیالیسم به مثابه نوع پرورانه‌ترین و بشیر دوستانه‌ترین نظام اجتماعی واقعا عادلانه به حدی در اذهان و قلوب مردم زحمتکش لهستان ریشه عمیق دوانده که حتی غدارترین دشمنان سوسیالیسم جرات نکردند با شعارهای ضد سوسیالیستی به میان توده‌ها بروند. برعکس آنها ناگهان نقاب "دوستان زحمتکش" را به چهره زدند

درباره اوضاع لهستان

ف - کوزنتسوف می‌نویسد: نیروهای ضد سوسیالیستی طی تمام نیمه دوم دهساله ۷۰ بطور غیر علنی بحران فعلی را آماده می‌کردند. ارتجاع، ماهرانه با استفاده از اشتباهات و خطاهای بسیار جدی در سیاست داخلی و همچنین آن لاقیدی ایدئولوژیکی که در سالهای آخر رهبری گیرک در لهستان برقرار شده بود این بحران را آماده کرد. مقاله گفته می‌شود که: "در حزب و در کشور مفهوم مبارزه مسلکی - ایدئولوژی از دستور روز حذف گردید. و نه تنها ایدئولوژی بلکه فرهنگ سوسیالیستی و پرورش معنوی مردم نیز با روحیات پراگماتیسم علمی - فنی و بی پرنسیبی و سازشکاری نسبت به فساد ایدئولوژیکی و معنوی

بقیه از صفحه ۷

مروری بر...

فاشیستی به شهادت رسید. در اعتراض به این ترور جنایتکارانه تمام کارگاه‌های کفشی تهران در ۲۰ دی ماه برای یکروز دست به اعتصاب عمومی زدند و نزدیک به سه هزار کارگر بر مزار این کارگر رزمنده گرد آمدند در این اجتماع کارگری، نمایندگان سندیکاهای کارگران راه آهن، سیلو، چاپخانه و دخانیات و... شرکت کرده و اتحاد عمل خویش را به نمایش گذاشتند.

در بهمن ۱۳۳۱ کارخانجات کبریت‌سازی ممتاز نساجی ظفر و کلکته‌چی در تبریز دست به اعتصاب زده و ضمن برشمردن خواست‌های صنفی سیاسی خویش خواستار آزادی جنبش سندیکایی شدند در اول فروردین ۱۳۳۰ چند روز پس از روی کار آمدن علاء کارگران بندر معشور به مدت دو هفته اعتصاب کردند و این اعتصاب که از پشتیبانی کامل اهالی شهر برخوردار بود به خونریزی میان نیروهای دولتی و کارگران انجامید کارگران قهرمان نفت، نقش برجسته‌ای در ملی شدن صنعت نفت ایفاء نمودند. نفتگران شجاع آبادان در فروردین ۱۳۳۰ اعتصاب ۱۲ روزه ۴۰ هزار نفره‌ای بپا داشتند. اهالی شهر و کارگران اصفهان و تهران از این اعتصاب قاطعانه حمایت کردند. در حالی که فرماندهان مرتجع دستور آتش داده بودند، نیروی مسلح از تیراندازی به سوی اعتصابیون خودداری کردند. روح مقاومت کارگران و همبستگی مردم پوزه کمپانی نفت انگلیس را به خاک مالید. این اعتصاب پیروزمند از رویدادهای مهم جنبش کارگری ایران بود. در خرداد ۱۳۳۰ بر فراز موسسات شرکت نفت، پرچم ایران به اهتزاز درآمد و تابلوی "شرکت نفت ملی ایران" به جای شرکت نفت انگلیس و ایران زینت‌بخش واحدهای نفتی شد. حرکات کارگری نفت در طول این سالها توأم با خونریزی و سرکوب بود. مدت‌ها خوزستان در حکومت نظامی به سر می‌برد و خطر هجوم نظامی امپریالیسم انگلیس، میهن ما را تهدید می‌کرد. در این شرایط دشوار جنبش انقلابی میهن ما و به ویژه مبارزات کارگران ایران از همبستگی و حمایت پرولتاریای جهان و به ویژه کشورهای سوسیالیستی برخوردار بود. در سال ۱۳۳۱ "قدر آسیون سندیکایی جهانی" ضمن ابراز همدردی با کارگران ایران، اعلام کرد:

"فدراسیون سندیکایی جهانی به حوادثی که در کشور شما جریان دارد مانند تظاهرات ضد-استعماری، اعتصابات زحمتکشان آبادان و تهران و اصفهان، با توجه و علاقه بسیاری می‌نگرد. فدراسیون جهانی به نام هشتاد میلیون کارگرانی که در صفوف آن متشکل گردیده‌اند، به خلق و زحمتکشان قهرمان ایران که با فعالیت نیرومند خود علیه فقر، امپریالیسم و ارتجاع قاطعانه مبارزه می‌کنند، صمیمانه درود می‌فرستد".

چنانکه سیر جنبش کارگری - سندیکایی این دوره (دهه ۲۰) نشان می‌دهد، "شورای متحده مرکزی" علیرغم مجاهدت‌های پیگیرانه‌اش آنچنانکه باید نتوانست مبارزات سندیکایی را تحت رهبری و سازماندهی یکپارچه و هماهنگی قرار داده و با سیاست منسجم و متینی به پیش برد. علت آن را باید نه‌تنها در دسائس ضد انقلابی و ضدکارگری امپریالیسم و ارتجاع داخلی بلکه در عین حال در ضعف و خطاهای رهبران جنبش ملی (دولت مصدق) و همچنین حزب توده ایران جستجو کرد. حکومت دکتر مصدق متأسفانه از تحکیم جنبش کارگری که مهم‌ترین

منضمین تعمیق جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق است، نه‌تنها پشتیبانی لازم را به عمل نیاورد، بلکه با میدان دادن به تحریکات مرتجعین و سازشکاران، موجبات تضعیف و انفراد آن را نیز فراهم آورد. در کابینه دولت مصدق عناصر ضد کارگر و ضد کمونیست کم نبودند. دکتر مصدق قانون آزادی احزاب و سندیکاها را به اجرا درنیاورد و حتی برخی از اعتصابات را که در راستای جنبش ضدامپریالیستی رخ می‌داد، نیز مانع می‌شد. در سراسر مدت زمامداری وی، اتحادیه‌ها همچنان ممنوع بودند. در شرایطی که سردمداران جنبش ملی، سلاح مبارزات - زحمتکشان را کند می‌کردند، دست نیروهای ضد انقلابی در اجرای دسائس ضدکارگری و ضد سندیکایی باز گذاشته می‌شد. در سالهای استقرار حکومت ملی، برگزاری جشن اول ماه مه ممنوع اعلام شد. سیاست دولت مصدق حتی به سران نظامی توطئه‌گر امکان می‌داد به دلایل واهی و با ماسک هواداری از مصدق، کارخانه‌ها را به اشغال درآوردند تا "اعتصابات در آنها صورت نگیرد". در آذر و دی سال ۳۱ کارخانجات و موسسات نظیر دخانیات، چیت‌سازی تهران و ری، سیلو، راه آهن و بی‌سیم در اشغال نظامیان بود و این وضع در برخی از کارخانجات حتی تا ۲۸ مرداد نیز ادامه یافت. حال آنکه طبقه کارگر ایران در آن شرایط، علیرغم فشارهای اقتصادی، به اعتبار آگاهی سیاسی و شناختی که نسبت به وظیفه انقلابی خویش در دفاع از حکومت ملی مصدق و تثبیت دستاوردهای جنبش ملی داشت، عموماً از توسل به حربه اعتصاب و کم‌کاری پرهیز می‌کرد و مساعی خود را معطوف به تداوم تولید و افزایش بازدهی کار می‌کرد. مطابق شواهد موجود در چند ماهه قبل از کودتای ۲۸ مرداد، اعتصاب مهمی در واحدهای تولیدی رخ نداد. به هر حال ضعف‌ها و خطاهای دولت مصدق در تشدید پراکندگی درونی تشکلهای کارگری و تفرقه در صفوف خلق و تقویت ضدانقلاب سهم داشت.

"حزب توده ایران" نیز علیرغم خدماتی که در جهت تامین وحدت سندیکایی کارگران (طی دهه ۲۰) نمود، بنوبه خود و متقابلاً در تضعیف رشته‌های پیوند جنبش کارگری و جنبش ملی، خطاهای دولت مصدق را تشدید و تکمیل می‌کرد. درک مخدوش و غیراصولی "حزب توده ایران" از چگونگی رابطه میان جنبش کارگری و جنبش ملی، در تضعیف تشکلهای کارگری در سالهای زمامداری مصدق اثر گذاشت. نتایج ضعف تشکلهای کارگری را به‌ویژه در حرکات اعتصابی از هم‌گسیخته و غیرمتشکل کارگری در سالهای پس از کودتا (سالهای ۳۲ تا ۳۷) بخوبی می‌توان دید. آری، از مدتها پیش از آنکه ضربات وحشیانه کودتاگران بر پیکر تشکلهای کارگری فرود آید، آنها از درون آسیب‌پذیر شده بودند. طی این دوره از جنبش سندیکایی (۳۲ - ۲۹) دشمنان طبقه کارگر و خلق برای درهم شکستن اراده واحد کارگران و زحمتکشان و منحرف کردن مبارزات سندیکایی، سیاست ایجاد سندیکاهای زرد و فرمایشی را در پیش گرفتند.

"حزب زحمتکشان" بقائی به اصطلاح اتحادیه ملی تشکیل داد. "اتحادیه سندیکاهای کارگران ایران" (اسکی) که به ماهیت ضدکارگری آن قبلاً اشاره کرده‌ایم، بر فعالیت خرابکارانه خویش بیش از پیش افزود. این اتحادیه‌های فرمایشی در بسیاری از جملات کثیف‌ها و اغتشاش‌آفرینی‌ها علیه جنبش سهم فعال داشتند و راه را جهت پیشبرد دسائس امپریالیستی و پیروزی کودتای سیاه ۲۸ مرداد هموار می‌کردند. تجربه سالهای ۲۹ تا ۳۲ جنبش کارگری و جنبش ملی نشان داد که تضعیف وحدت سندیکایی طبقه کارگر ایران (توسط نیروهای ملی و مترقی) و عدم توجه به رابطه اصولی میان جنبش ملی و جنبش کارگری در مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک تا چه اندازه می‌تواند موجبات تقویت نیروهای ضدانقلابی را فراهم آورده و دستاوردهای انقلابی زحمتکشان را برباد دهد.

ادامه دارد

درباره اوضاع...

بقیه از صفحه ۲۱

آزموده‌ای قرار گرفته که ماهرانه نیت واقعی خود را پنهان می‌دارد و از نیروهای ذخیره زیادی در رسانه‌های گروهی در میان روشنفکران لهستان و در بین به اصطلاح "انتلکوتل‌ها" و به نحوی یکسان در بین دهقانان خرده‌پا برخوردار است.

کوزنتسوف می‌نویسد:

"امروز نه‌تنها سوسیالیسم در لهستان، بلکه سرنوشت آن همانند سرنوشت تشنج‌زدائی و آرامش در سراسر جهان در کفه ترازوی تاریخ نهاده شده: در یک کفه ترازو منافع اجتماعی و ملی دیرپای مردم لهستان، وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی، مراقبت از حفظ تعادل سیاسی و ثبات در اروپا و در تحلیل نهائی سرنوشت صلح سراسر جهان و در کفه دیگر اعمال غیرمسئولانه و ماجراجویی نیروهای افراطی راستگرا قرار داده شده‌است. نیروهائی که خود را در پوشش شعارهای چپ افراطی پنهان کرده و آماده‌اند به خاطر تمایلات ارتجاعی خود و تمایلات اربابان خود که با آتش بازی می‌کنند، همه چیز، صلح، تشنج‌زدائی، رفاه مردم لهستان و بازسازی سوسیالیستی لهستان را روی میز قمار قرار دهند.

دفاع کارگران "کور" می‌نگرند، ماجراجویانی که می‌کوشد برای نیل به اهدافی که هیچ وجه مشترکی با منافع اجتماعی زحمتکشان و مصالح ملی خود لهستان ندارد، توده‌های کارگران عضو اتحادیه "همبستگی" را به‌راه خطرناک بکشند.

نویسنده در مقاله خود تنگنای اقتصادی و اشتباهاتی که در دوران رهبری سابق حزب رخ داد، مورد تحلیل قرار داده و می‌نویسد:

"انتقاد و انتقاد از خود توده‌های مردم، ناراضی از بدی انجام کارها، اعتراض از داخل نسبت به ریخت و پاش و سوء استفاده و حرص مال‌اندوزی که به بخشی از کمونیست‌ها هم سرایت کرده بود و اعتراض نسبت به جدائی بین حرف و عمل - نتیجه مستقیم آگاهی اجتماعی و وظیفه‌شناسی توده‌های کارگر بود که در سالهای برقراری نظام سوسیالیستی به نحوی چشمگیر بالا رفته بود...

"حزب در این انتقادات شدید، سوای روندهای منفی و خطرناک آنها، نکات مثبت زیادی را هم مشاهده نمود و این، بدون تردید جنبه قوی آن است."

در دنباله مقاله گفته می‌شود:

"در رویاروی حزب، دشمن زیرک و کار -

شهادت رفیق امیر سعید واعظی آشتیانی در

جبهه سوسنگرد



و در گروه‌ها ادغام شدیم بد
جبهه‌های آمدم بنام مالکیده
که حساس‌ترین جبهه
سوسنگرد است و جایی که ما
هستیم نزدیکترین فاصله را
با عراقی‌ها داریم یعنی
آنقدر نزدیک هستیم که کله
را بیرون بیاوریم به توپ و
تانک مفتخر می‌شویم .
به تمام دوستیمان قسم
خود را در یک آن به داخل

فدایی همیشگی امیر

الان بعد از ۸ روز ماموریت
برای شرکت در مجلس یادبود
بهترین همزمانان به اهواز
آمده‌ایم .

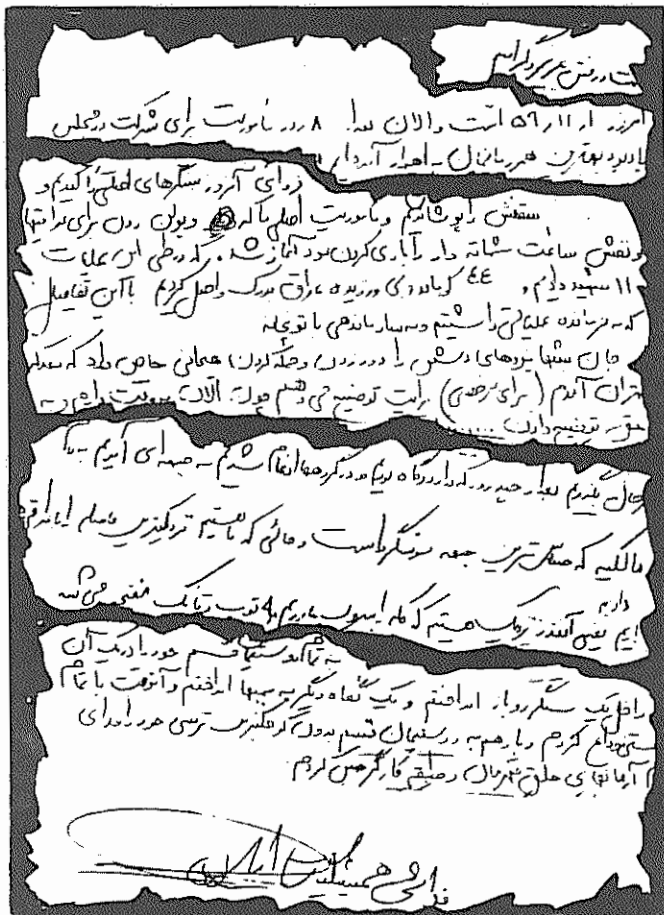
فردای آن روز سنگرهای
اصلی را کندیم و سقش را
پوشاندیم و ماموریت اصلی
ما که ویلن زدن برای
عراقی‌ها و نقش ساعت
شما تها دار را بازی کردن بود ،
آغاز شد . که در طی این
عملیات ۱۱ شهید دادیم و
۴۴ کماندوی ورزیده عراق را
به درک واصل کردیم با این
تفصیلات که نه فرمانده
عملیاتی داشتیم و نه
سازماندهی با توپخانه
... جان ، شب‌ها نیروهای
دشمن را دور زدن و حمله
کردن هیچانی خاص دارد که
بعد که تهران آمدم (برای
مرخصی) برایت توضیح
می‌دهم چون الان نه وقت
دارم و نه حق توضیح
دادن ...

به هر حال بگذریم بعد از
چند روز که در اردوگاه بودیم

نمود و دهها متجاوز عراقی را
به هلاکت رسانید روز پنجم
فروردین در خط اول جبهه
سوسنگرد به شهادت رسید .
رفیق شهید امیر سعید
واعظی آشتیانی به هنگام
شهادت در آستانه بیست و
یک سالگی بود و همزمان
و دانش‌آموزان دبیرستانی که
در آنجا تحصیل می‌کرد و
دوستان و بستگانش طی مراسم
متعددی خاطره‌اش را ارج
نهادند . ما نیز با چاپ
قسمت‌هایی از نامه‌هایی که او
طی اقامت در جبهه به
دوستانش نوشته است ، و
نشانه سلحشوری و روحیه
رزمندگانه و انقلابی
رفیق شهید ماست یاد همیشه
جاودش را گرامی می‌داریم و
به همزمان و دوستان و
خانواده‌اش درود می‌فرستیم
دوست و رفیق عزیز و
گرامی‌ام !

امروز ۵۹/۱۱/۱ است و

به دنبال تجاوز
جنایتکارانه رژیم ضد مردمی
صدام به میهنمان و براساس
رهنمود سازمان مبنی بر شرکت
فعالانه در مقاومت خلق در
برابر تجاوزگران ، رفیق
امیر سعید واعظی آشتیانی
همچون سایر اعضا و
هواداران سازمان در سراسر
ایران آماده دفاع از
استقلال و آزادی میهن شد و
با ثبت نام در بسیج
مستضعفین خواستار اعزام به
جبهه گردید . رفیق پس از
طی دوره کوتاهی در یکی از
پادگان‌های تهران روز ۸
دیماه ۵۹ عازم جبهه‌های
جنگ علیه مزدوران رژیم
ضدام شد . او در جبهه‌های
جنگ نمونه بارز فداکاری
در راه خلق و تسلیم ناپذیری
در برابر دشمنان مردم بود .
سرانجام پس از ماه‌ها مقاومت
و مبارزه و در حالی که بارها
دو شادوش سایر رزمندگان در
دفع حمله و به محاصره
درآوردن تجاوزگران شرکت



دیگر فرزندانمان دکتر سبزه‌قبايي ، کوشرال‌علي
حسین رستگاری و منصور صفري تنها به سود
ضدانقلاب است .

ماداران فدائیان خلق (اکثریت) خواهان
معرفی عاملین این جنایت توسط مسئولین
جمهوری اسلامی هستیم جنایتکارانی که یک
روز میتینگ فداکارترین نیروهای مردمی را به
خون می‌کشند و دیگر روز عادل اسکندری را
اعدام می‌کنند .

ما از مسئولین جمهوری اسلامی مصرانه خواهان
معرفی عاملین این جنایت و آزادی فوری دیگر
فرزندانمان هستیم ما نگرانیم که مبادا جان این
فداکارترین انقلابیون میهن دستخوش توطئه‌های
ناجوانمردانه گردد . به امید روزی که توطئه‌های
تفرقه‌افکنانه امپریالیسم و ایادی آن دچار شکست
کامل شود و صفوف مردم ما هرچه بیشتر متحد
گردد .

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی
امپریالیسم آمریکا
مرچه کسترده‌تر باد همگامی و همکاری تمامی
نیروهایی که در راه ایرانی آزاد و دموکراتیک
مبارزه می‌کنند

ماداران شهدای سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت)
۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

نامه مادران شهدای سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت) به نشریه کار

کرده است ، مبارزه واقعی اکنون در جبهه‌ها
جریان دارد و مبارزه با صدام و آمریکا نیز تنها
با وحدت صفوف به هم فشرده مردم امکان‌پذیر
است اگر چنین است ، چرا با اعدام و زندانی
کردن این فرزندان فداکار خلق سعی در پراکندن
صفوف مردم و تفرقه در میان خلق می‌کنند .
مادارانی هستیم که با تمام وجودمان سلطه
آمریکا و وابستگی‌اش را احساس کرده‌ایم و شب‌های
سیاه دیکتاتوری آریامهری را به صبح رسانده‌ایم ،
اینک خوب می‌دانیم که پاسداری از دستاوردهای
انقلاب کاری بس مهم و ضرور است و ما برای
حفاظت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب
حاضریم همه هستی خود و حتی فرزندانمان را
تقدیم کنیم .
اما افسوس که هنوز دست‌هایی در کارند که
توطئه می‌کنند و چشم‌هایی وجوددارند که هنوز
بر واقعیت گشوده نشده‌اند و در راه وحدت
اصولی نیروهای انقلابی میهن سنگاندازی
می‌کنند، اعدام عادل اسکندی و زندانی نمودن

یک بار دیگر نام فرزندانمان را در شمار
زندانیان سیاسی و یا اعدام‌شدگان می‌خوانیم .
در این زمان که در سرتاسر کشور مبارزه با آمریکا و
رژیم جنایتکار صدام جریان دارد ، ما شاهد
اعدام فرزند عزیز و قهرمانمان عادل اسکندری
هستیم ، او را به جرم مبارزه باصدام دسگیر و
جبارانه به شهادت رساندند . همان‌طور که او
خواست ما نیز می‌دانیم که عادل " در جنگ با
صدام خونخوار شهید شده است و این پیام او
را به گوش مردم می‌رسانیم .
ما مادران فدائیان خلق که تمام تلاش خود را
برای مبارزه با ضدانقلاب و تقویت پشت جبهه‌ها
به کار می‌گیریم ، ما که فرزندانمان داوطلبانه به
صفوف مقدم جبهه رفته‌اند چگونه این مصیبت را
تحمل کنیم ، چرا عادل را اعدام کردند ؟ این
کدام دستی است که می‌کوشد در صف متحد مردم
ما بذر نفاق و تفرقه بپراکند ؟ مقامات جمهوری
اسلامی به این سئوالات ما چه جوابی می‌دهند ؟
همان‌طور که آیت‌اله خمینی بارها خاطر نشان

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید

شهادت دهها تن از افراد ژاندارمری، حلقه دیگری از توطئه امپریالیستی کنفرانس طائف

دیگر باید بر ضرورت از میان برداشتن هرگونه ستم مذهبی و ملی بر خلقها و اقلیت‌های مذهبی تاکید نمود. عدم تامین و تضمین حقوق برابر ملی و مذهبی مردم ایران از سوی جمهوری اسلامی اکنون به سلاح خطرناک و ظاهرفرینی در دست امپریالیسم و عمال آن تبدیل شده است. به رسمیت شناختن حقوق خلقها و تجدید نظر در اصل ۱۲ قانون اساسی در جهت تامین برابری مردم ایران صرف نظر از عقاید مذهبی، از سلسله اقدامات انقلابی است که می‌تواند بزرگترین ضربه را بر سیاست‌های تفرقه‌افکن و امپریالیستی که این چنین مردم میهنمان را به خون می‌کشد و انقلاب را به مخاطره می‌افکند، وارد آورد. تعلل و ناپیگیری در پیشبرد هر کدام از این اقدامات از سوی مردم ایران و زحمتکشان بلوچ محکوم بوده و قابل پذیرش نیست.

سازمان ما ضمن محکوم ساختن قتل عام ناجوانمردانه افراد ژاندارم و ابتراز همدردی با وابستگان آنان با تاکید بیش از پیش، از همه هواداران خود در منطقه می‌خواهد که با همه نیروی خویش در جهت مقابله با دسایس خان‌ها و طیف رنگارنگ ضدانقلابیون به همکاری هرچه بیشتر با نهادهای انقلابی بپردازند.

✱

پوشش اسلام فعالیت می‌کنند و حمایت جمهوری اسلامی از این گروه‌ها، ضربات هولناکی بر پیکر انقلاب ایران وارد ساخته و عملاً یکی از نیروهای فعال ضدانقلابی منطقه را تشکیل می‌دهند، کنترل دقیق مرزهای شرقی میهن و سد کردن راه ورود اسلحه و

مبنی بر ایجاد اختلاف میان "شیعه و سنی" بیش از پیش متشکل شده و در مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. ضدانقلاب در منطقه برای پیشبرد سیاست‌های جنایتکارانه خود بر روی حمایت بی‌وقفه شورای مرکزی

تشکیل گردید و اقدامات خرابکارانه‌ای را در بلوچستان به کمک خان‌ها، ساواکی‌ها، قاچاقچیان و ضدانقلابیون افغانی مقیم منطقه آغاز نمود.

این نیروها در پی اجرای توطئه شوم خود، نخستین قربانی را از میان روحانیون اهل تسنن برگزیده و مولوی سیدحسین بر روحانی مدافع جمهوری اسلامی را که مدرس حوزه عین‌العلوم گشت سراوان بود، در ۲۵ اردیبهشت ناجوانمردانه به شهادت رساندند. به دنبال این جنایت نیروهای انتظامی منطقه که در صدد دستگیری قاتلین مولوی سیدحسین برآمده بودند، با یک نقشه از پیش تدارک شده، مورد هجوم ضدانقلاب و عوامل خان‌ها قرار گرفته و بسیاری از آنها به شهادت رسیدند. ابعاد این جنایات از سوی ضدانقلابیون، نشانگر جدی بودن خطری است که این بخش از خاک میهنمان را تهدید می‌کند. همه شواهد حاکی از آن است که ضدانقلاب در این منطقه برای پیشبرد سیاست امپریالیستی کنفرانس طائف

باردیگر ضدانقلاب وابسته به امپریالیسم دست به جنایت تازه‌ای زد و دهها تن از افراد ژاندارم را که قصد دستگیری قاتلین روحانی مبارز "مولوی سیدحسین بر" را داشتند، به شهادت رساند. بنا به گزارش روزنامه‌ها در این جنایت هولناک بیش از ۳۵ نفر از افراد ژاندارم به دست خان‌ها و دیگر ضد انقلابیون بیرحمانه قتل عام شدند.

این جنایت وحشیانه حلقه‌ای از زنجیر توطئه‌های امپریالیستی مبنی بر ایجاد آشوب و تشنج در مناطق جنوب شرقی میهن ما به منظور ایجاد یک "جمهوری اسلامی بلوچ"!! می‌باشد. ماجرا از آنجا آغاز شد که طراحان سیاست امپریالیستی به منظور مقابله با انقلاب ایران مجدداً به حيله كهنه شده و هميشگي خود متوسل شده و مسئله "شیعه و سنی" را پیش کشیدند. این توطئه جدید در کنفرانس طائف مورد بحث و بررسی قرار گرفت و همزمان با آن از سوی کیسینجر صهیونیست رسماً اعلام شد. به دنبال آن عمل امپریالیسم در ایران به تقلا برخاستند تا به بهانه تمایزات مذهبی میان مردم ایران تفرقه و اختلاف ایجاد کرده و سیاست امپریالیستی کنفرانس طائف را به مورد اجرا بگذارند. در همین رابطه بود که شورای مرکزی اهل سنت از سوی جمعی از روحانیون مرتجع بدین منظور

● **اعضاء و هواداران سازمان ما در منطقه، در جهت مبارزه با خان‌ها و طیف رنگارنگ ضدانقلابیون آماده همکاری هرچه بیشتر با نهادهای انقلابی هستند.**

آمد و شده‌های ضدانقلابیون از کشور پاکستان و همچنین مقابله با شورای مرکزی اهل سنت، فوری‌ترین و عاجل‌ترین اقدامات برای قلع و قمع ضدانقلاب در بلوچستان است. یاری جستن از نیروی مردم و همه نیروهای مدافع انقلاب و پایمان بخشیدن به تنگ‌نظری‌ها و انحصارطلبی‌های مضر به حال وحدت مردم از یک سو و تقویت نیروهای انتظامی در این منطقه از سوی دیگر می‌تواند به ایجاد آرامش و امنیت و سرکوب دشمنان انقلاب یاری رساند. در کنار اقدامات فوق بار

اهل تسنن و همچنین کمک‌های برخی از کشورها به ویژه پاکستان و نیز ضد انقلابیون افغانی تکیه دارد. توطئه‌های خطرناک و از پیش تدارک یافته امپریالیسم و عواملش را تنها با نبرد بی‌امان با ایادی آن و برآورده ساختن آن بخش از خواسته‌های مردم که در راس آن مساله زمین و مسئله ملی قرار دارد می‌توان خنثی کرد اتخاذ یک سیاست قاطع در برابر خان‌ها، اشرار و قاچاقچیان منطقه، قطع هرگونه حمایت از ضد انقلابیون افغانی که زیر

رژیم امریکائی پاکستان

علیه انقلاب ایران و افغانستان مجرم می‌شود

نظامی و تقویت قدرت نیروهای نظامی شاه مرتجع سعودی هستند. طرح امپریالیستی تشکیل بلوک نظامی متشکل از عربستان سعودی، ترکیه، شیخ نشین‌های خلیج، مصر، و پاکستان مدت‌ها است که توسط ضیاء الحق فعالانه دنبال می‌شود.

از طرف دیگر پاکستان روابط نظامی خود را با برتری جوان پکن نیز روز به روز گسترش می‌دهد. در طرف ماه‌های گذشته

نظامی و مالی وسیعی از عربستان سعودی و مصر دریافت می‌کند، قراردادهای متعدد نظامی با آنها منعقد می‌نماید و از سوی دیگر واحدهای ارتش

کمک نظامی، این پایگاه‌ها را بطور کامل به امریکا واگذار کند. کمیسیون مناسبات خارجی سنای آمریکا نیز روز پنج شنبه بیست و سوم اردیبهشت ماه از سرگیری

بنشانند. این بار ضیاء الحق نقش "شاه" مهره امپریالیسم را در صحنه خاورمیانه و نزدیک به عهده گرفته است. واقعیت مناسبات پاکستان ضیاء الحق با امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و ایادی مرتجعش در منطقه زبان گویای این نقش جدید است: چندین پایگاه هوایی و دریایی پاکستان عملاً در اختیار امریکا قرار دارد که آقا شاهی وزیر امور خارجه پاکستان در جریان سفر اخیر خود به واشنگتن پذیرفت که در ازای دوونیم میلیون دلار

امپریالیسم آمریکا این روزها به نحو بی سابقه‌ای زیر پوشش مقابله با تروریسم بین‌المللی سیاست تجاوز خود را پیش می‌برد. امپریالیست‌ها که خود سفاک‌ترین تروریست‌های تاریخند، به این ترتیب از سرگشاده باد در شیپور می‌اندازند تا هر حرکت رهاییبخش خلق‌ها را تروریسم جا بزنند و در جنجال ساختگی ناشی از آن آتش‌افروزی‌های خود و ایادیشان را استتار کنند. شاه منفور که ژاندارم امپریالیسم در منطقه بود، با همین ترفند تروریسم سفاکانه خود را علیه مبارزات انقلابی خلق‌های منطقه اعمال می‌کرد اکنون نیز که سه سال از سقوط مفتضحانه او می‌گذرد، امپریالیسم امریکا که ظاهراً موفق شده است، زیر همان علم، جانشین مناسبی بر مسند خالی‌ش در منطقه

● **مردم ایران و به ویژه زحمتکشان بلوچ خواهان سرکوب قطعی خان‌ها، اشرار، قاچاقچیان و ضدانقلابیون افغانی در منطقه بلوچستان از سوی دولت جمهوری اسلامی هستند.**

هیات‌های نظامی متعددی میان چین و پاکستان دررفت و آمد بوده‌اند. در جریان این دیدارها مساله ایجاد پایگاه نظامی دریایی چین در بقیه در صفحه ۲۵

خود را برای سرکوب مبارزات زحمتکشان این کشورها، در اختیار حکام مرتجع آنها قرار می‌دهد. نظامیان پاکستان هم‌اکنون در عربستان سعودی سرگرم ساختمان تاسیسات

کمک نظامی وسیع به پاکستان را تصویب کرد. پاکستان با دست نشانندگان امریکا نیز روابط گسترده‌ای دارد. رژیم این کشور از یک سو کمک‌های

رژیم امریکائی پاکستان ...

نسخه از صفحه ۲۴

نسخه از صفحه ۲۸

با اجرای طرح ۱۰ ماده‌ای

توطئه‌های ضد انقلاب را خنثی و آرامش را به بندرعباس بازگردانیم

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در استان ساحلی بنا به خط مشی اصولی و انقلابی سازمان، در جهت برقراری آرامش و تأمین وحدت صفوف مردم زحمتکش این منطقه در مبارزه علیه ضدانقلاب، تلاش انقلابی و شایسته‌ای را به پیش می‌برند. به دنبال گسترش اعمال ضدانقلابی و بروز ناآرامی در منطقه هواداران سازمان با صدور اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های متعددی پرده از روی مقاصد شوم ضدانقلابیون برداشته و ضمن روشن ساختن عواقب زیان‌آور اعمال تفرقه‌انگیز نیروهای مردمی، بار دیگر از آنها در جهت مبارزه متحد و یکپارچه علیه دشمن مشترک دعوت کرده‌اند.

هواداران سازمان در یکی از اعلامیه‌های خود خطاب به مردم و نیروهای انقلابی منطقه تصریح کرده‌اند که "منافع و مصالح انقلاب ایران ایجاب می‌کند که از هر گونه اقدامی که زمینه را برای اجرای توطئه‌های امپریالیسم فراهم می‌سازد اجتناب ورزیده و علیرغم پاره‌ای کج‌اندیشی‌ها چه از جانب جریان‌های درون ازگان‌ها و نهادها، و چه از جانب رهبری گروه‌ها و سازمان‌هایی نظیر مجاهدین خلق و سایر چپ‌روها، همه متحد و مصمم با قلبی آکنده از نفرتی عمیق نسبت به امپریالیسم و تمامی عمال داخلی در جهت تعمیق و تحکیم انقلاب ایران بکوشیم"

هواداران سازمان ضمن محکوم نمودن اقدامات تروریستی اخیر شهر بندرعباس، تمامی نهادهای جمهوری اسلامی و همه نیروهای مردمی را به دور از هرگونه قشری‌گری و خشک‌اندیشی به مقابله با حربه جدید ضدانقلاب یعنی تروریسم دعوت کرد، و راه مقابله با این پدیده ضدانقلابی را نیز گسترش و تثبیت حاکمیت قانون دانسته‌اند.

نحوی استفاده کرده است. در چنین شرایطی است که طی روزهای اخیر عملیات خرابکارانه نظیر بمب‌گذاری، ترور، سرقت‌های مسلحانه و... در این منطقه و به ویژه بندرعباس گسترش بی‌سابقه‌ای یافته است. از جمله این اقدامات خرابکارانه می‌توان به ترور ۳ تن از پاسداران بندرعباس به نام‌های محمد ذاکری، محمدسقاچی و محمد شمیری اشاره کرد که مناطق جنوبی میهنمان را دچار تشنجات خطرناکی نموده است.

علیرغم تمرکز توطئه‌های ضدانقلاب در این منطقه، متأسفانه نهادها و مقامات جمهوری اسلامی تاکنون توجه جدی و کافی به امر مبارزه با ضدانقلابیون منطقه نکرده و حتی با اقدامات غیر مسئولانه خود عملاً بستر مناسبی برای عملکردهای فاجعه‌آفرین آنان فراهم آورده‌اند. دولتمردان جمهوری اسلامی در منطقه با ناپیگیری که در مقابل عناصر ضدانقلابی وابسته به امپریالیسم از یک سو و قشری‌گری و تنگ‌نظری که در برابر گروه‌های سیاسی از سوی دیگر نشان می‌دهند عملاً در دامن زدن به درگیری و فضای خشونت‌آمیز سهیمند.

باید با پایان دادن به این سیاست نادرست که مدت دو سال و نیم است ادامه یافته و اکنون مضرات آن برای بسیاری از هم‌میهنان ما آشکار گردیده، گام‌های جدی در راه سرکوب ضدانقلاب و استقرار حاکمیت قانون برداشته شود. قبل از همه باید نهادهای جمهوری اسلامی در منطقه از عناصر ضدانقلابی و مشکوک تفضیه گردند. این حقیقتی است که تنها بر بستر سیاست‌های انحصارطلبانه و قشری‌گری برخی مقامات جمهوری اسلامی بوده که ایادی امپریالیسم امکان یافته‌اند در نهادهای جمهوری نفوذ کرده و در بسیاری از موارد از آنان علیه منافع مردم و در جهت اهداف جنایتکارانه خود بهره‌جویند.

تاکنیک امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب وابسته بدان در داخل کشور، تلاش در جهت ایجاد و دامن زدن به جو خشونت و اختلافات میان مردم و نیروهای مردمی است، تاکنون در پیشبرد این سیاست به ویژه بر دو عامل تکیه دارند. یکی استفاده از گرایش‌های تنگ‌نظرانه و قشری برخی از دولتمردان که حاضر به پذیرش و اجرای قانون اساسی و تأمین تضمین آزادی‌های دمکراتیک مصرحه در آن نیستند و دیگری سیاست‌های انحرافی گروه‌های چپ‌رو و آنارشیست، امپریالیسم و ایادی و پیروان آن بر این زمینه تاکنون موفق شده‌اند ضربات جدی بر انقلاب وارد آورده و در مسیر پیشرفت آن موانع فراوان ایجاد کنند.

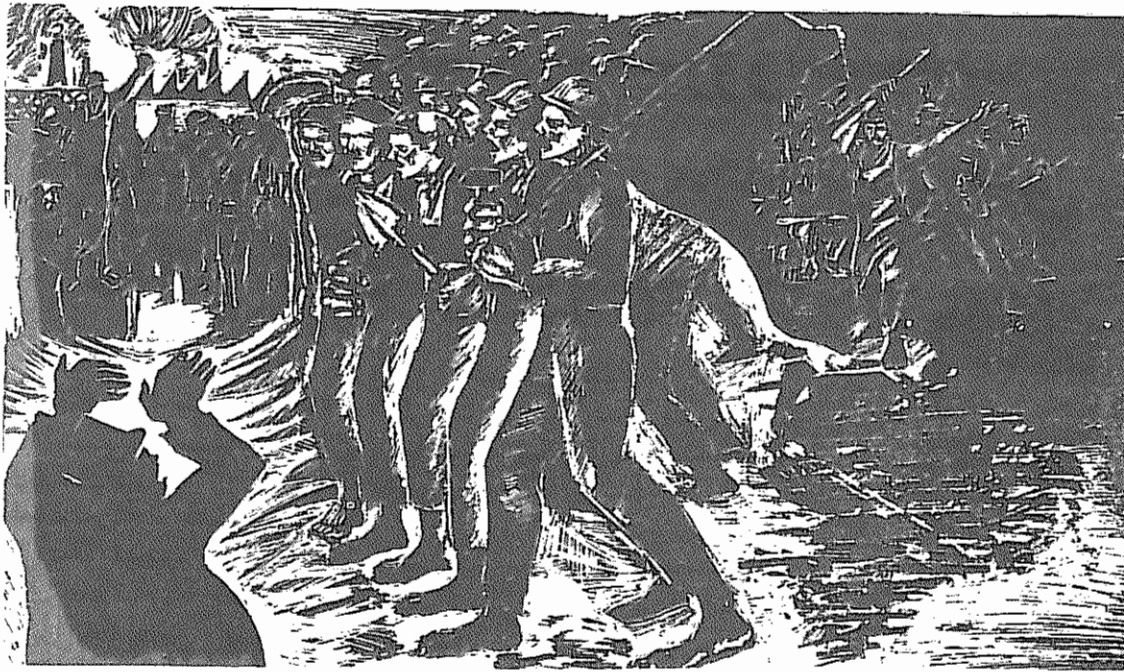
گرای پیشبرد این سیاست امپریالیسم امریکا و ایادی آن این بار مناطق استان ساحلی و شهر بندرعباس را عرصه و جولانگاه اعمال ضدانقلابی خود ساخته‌اند. منطقه استان ساحلی به لحاظ موقعیت حساس و به علت وجود قشریندی‌ها و تمایزات مذهبی که نتیجه سالها ستم امپریالیستی بر میهن ماست پس از انقلاب همواره مورد توجه طراحان سیاست‌های امپریالیستی و عرصه تاخت و تاز عناصر ضدانقلاب بوده است. فتوئال‌ها و خان‌ها، اشرار و قاچاقچیان حرفه‌ای باندهای ضدانقلابی بختیاری ساواکی‌ها و دیگر پس‌مانده‌های رژیم منقر پهلوی با دست زدن به جنایت، سرقت و غارت کوشش می‌کنند آرامش منطقه را سلب کرده و مانع اجرای قانون که استقرار آن مورد مخالفت جدی امپریالیسم و عوامل آن قرار دارد، گردند. گروه‌های "چپ" رو و آنارشیست نیز با ایجاد برخوردهای خشونت‌آمیز و اقدامات غیر مسئولانه عملاً آب به آسیاب این جنایتکاران می‌ریزند. ضدانقلاب در منطقه از اقدامات ماجراجویانه این گروه‌ها که در مواردی آشکارا شکل ضدانقلابی به خود می‌گیرد همواره به بهترین

دیگر علیرغم دعوت مکرر مقامات افغانستان جهت حل مسالمت‌آمیز مشکلات فیما بین، شاهد تشدید روزافزون جنگ اعلان نشده آن علیه جمهوری نوپدید افغانستان هستیم. اینها نشانه انکارناپذیر همان اهداف پلیدی است که فوقاً یادآور شدیم. رژیم نظامی ضیاءالحق یک سر اصلی حلقه محاصره‌ای است که هم‌اکنون در مرزهای ایران و افغانستان در برابر جبهه پایداری اعراب کشیده شده است. پاکستان در این سلسله زنجیره با بیشترین همکاری با عربستان سعودی و با تکیه بر زرادخانه امپریالیسم جهانی می‌کوشد تا روند واحد انقلاب رهاییبخش منطقه را در مرداب مرگ فرو غلطاند. موثرترین شیوه نیل به این مقصود هم، همانگونه که تجربه نشان داده است ایجاد انشقاق در صفوف دول انقلابی و نیروهای آزادیبخش منطقه است.

این مطلب به ویژه قابل توجه مقامات جمهوری اسلامی است که معیارهای غیراصولیشان در انتخاب دوست و دشمن و اعتماد ساده لوحانه‌شان به اسلام پناهانی نظیر ضیاءالحق تاکنون ضربات جدی به انقلاب ایران وارد آورده است. در مقابل جبهه واحد ضد انقلاب منطقه، سلاح برنده هواداران استقلال، آزادی و پیشرفت زحمتکشان، اتحاد عمل گسترش یابنده آنهاست. جبهه واحد ضد امپریالیستی متشکل از همه دول ترقیخواه و ضد امپریالیست ایران، افغانستان اعراب و کلیه نیروهای رهاییبخش صرف نظر از عقیده و مسلک، تنها ضامن مطمئن غلبه بر تروریسم هار امپریالیسم، سگهای زنجیریش و متحدان او است. باید هر روز که می‌گذرد گامی به این هدف والا نزدیک‌تر شد. و این میسر نیست مگر با اتخاذ یک سیاست خارجی فعال که در خور انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما باشد.

بندر کراچی مورد بررسی قرار گرفت. که در واقع پاسخ "مناسب" ضیاءالحق مرتجع به مقامات چین است که از مدت‌ها پیش مقادیر هنگفتی اسلحه و مهمات در اختیار نظامیان مزدور حاکم بر پاکستان قرار داده‌اند. و این همه در حالی صورت می‌گیرد که عملیات تروریستی دارو دسته فاشیست‌ماب ضیاءالحق علیه کشورهای همجوار خود به ویژه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان روزبه‌روز با عباد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. باید گفت که "زاندانم جدید امپریالیسم" اصولاً، قبل از هر چیز و در درجه اول باید همچون سلف خود، شاه بکوشد که انقلاب را در کشورهای ایران و افغانستان "کیش و مات" کند و همزمان با آن به یاری دیگر مرتجعین همپالکی‌اش نظیر انورسادات در مصر، شاه حسین در اردن، شوخ عربستان سعودی، صدام حسین در عراق، شیخک‌های امارات عربی و نظامیان فاشیست ترکیه مرحله به مرحله و جز به جز مبارزات رهاییبخش را در سراسر منطقه در نبرد مرگ و زندگی درگیر سازد.

هم‌اکنون پاکستان تیغ دو دمی در دست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا است از یک سو پایگاه ضدانقلابیون فراری ایران، ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران فراری است که به یاری باندهای مزدور افغانی یک دم مرزهای شرقی میهن ما را در آرامش نمی‌گذارند و از سوی دیگر مخفی‌گاه امن باندهای تروریست به اصطلاح مجاهد افغانی است که مذبوحانه در روند پیشرفت انقلاب و جمهوری دمکراتیک افغانستان کارشکنی می‌کنند. از یک طرف در سیستان و بلوچستان خودمان شاهد فتنه آفرینی‌های گسترده این سگ زنجیری نو قلاده‌ایم و همکاری وسیع آن را با رژیم مزدور صدام در زمینه تربیت و اعزام خرابکاران رژیم سابق به میهن‌مان می‌بینیم و از طرف



اگر به مطالبات حق طلبانه نفتگران پالایشگاه پاسخ دهید

**توطئه
ضد انقلاب
ختی می شود**

● هم اکنون مدتی است که پالایشگاه شیراز به آشوب و تشنج کشیده شده است و بیم آن می رود که در نتیجه فقدان برخورد صحیح و منطقی مقامات مسئول دولتی از یک سو و عدم هشیاری انقلابی کارگران و دیگر کارکنان این واحد حساس تولیدی از سوی دیگر این تشنج همچنان گسترش یافته و منشاء خطرات بسزایی برای انقلاب گردد.

نشست دیگری در تاریخ ۱۹ اردیبهشت در تهران برگزار می شود که در جریان آن قطعنامه شورای کارمندان نوبتکاری پالایشگاه شیراز علی رغم تمام نقائص، زیاده روی ها و کژی های آن مورد تأیید قرار می گیرد و کمیته ای نیز جهت پیگیری این خواست ها تشکیل می شود. اما متأسفانه شورای کارمندان پالایشگاه شیراز بدون توجه به توافقات حاصله در جلسه نمایندگان شوراها مبنی بر پیگیری خواست ها از طریق کمیته مشترک، خود راسا تصمیم می گیرد که چنانچه تا تاریخ ۱۵ خرداد ۶۰ مقامات مسئول به خواست های اعلام شده آنها پاسخ مثبت ندهند، اقدام به اعتصاب غذا در محیط پالایشگاه خواهد نمود این تصمیم گیری غیرمعمولانه

ریشه اصلی حوادث در اینجاست که چندی پیش کارمندان نوبتکاری پالایشگاه شیراز به دنبال طرح و پیگیری یک رشته خواست های صنفی و رفاهی خود و عدم پاسخگویی مسئولین به این مطالبات دست به تحصن زدند. این تحصن همزمان با برگزاری هشتمین نشست سراسری نمایندگان شوراهای عملیات پالایشگاه های سراسر کشور انجام شده و منظور اصلی گردانندگان و سازمان دهندگان آن به ظاهر جلب توجه نمایندگان شوراها به خواست های کارمندان نوبتکاری پالایشگاه بود. تحصن با اعتراض تعدادی از نمایندگان نشست سراسری روبرو می شود و به دنبال اعتراض این دسته از نمایندگان، تحصن پایان می گیرد و در پی آن شورای کارمندان پالایشگاه شیراز اطلاعیه ای صادر می کند که در آن به خواست های زیر تأکید شده بود:

- ۱- تجدیدنظر در پاکسازی
 - ۲- انحلال اداره بازرسی شیراز
 - ۳- آزادی نمایندگان جنگزدگان
 - ۴- تعدیل حقوق کارمندان
 - ۵- ایجاد تعاونی مصرف واقعی
 - ۶- افزایش مرخصی سالیانه به حداقل ۳۰ روز در سال
 - ۷- گسترش بهداری و بهداشت
 - ۸- ایجاد واحدهای مسکونی برای کارمندان بدون مسکن
- برغم پایان تحصن، ادامه جلسات نمایندگان در شیراز متوقف می شود و متعاقب آن

کاری ها، ندانم کاری ها و تنگ نظری های آنان تنها ضدانقلاب و سرمایه داران لیبرال سود می برند. مقامات جمهوری اسلامی و خصوصاً مسئولین ترفیخواه صنعت نفت باید این موضوع را کاملاً درک کنند که نمی توان آن بخش از خواست های مطرح شده کارکنان را که از هسته و جوهری اصولی برخوردارند، در کنار مطالبات زودرسی که حتی از حمایت توده کارکنان این پالایشگاه نیز برخوردار نیست، گذاشته و به طرز غیرمسئولانه دست برد سینه توده عظیم نفتگران انقلابی سراسر کشور نهاد. مقامات مسئول جمهوری اسلامی باید هرگونه پيشداوری و سوءظن بیجا و بی مورد را کنار گذاشته و با بهانه های واهی، بر سر راه پیگیری مسئولانه و مسالمت جویانه نمایندگان شوراهای کارکنان پالایشگاه سنگ اندازی ننمایند. متأسفانه مسئولین امور به بهانه به رسمیت نشناختن شوراها، حتی حاضر به گفتگو با نمایندگان شوراها نیستند که این امر خود به تشبثات توطئه گرانه و تحریک آمیز ضد انقلابیون، لیبرالها، مائوئیست ها و عناصر چپ و ماجراجو میدان عمل وسیع تری می دهد. موکول کردن هرگونه مذاکره به رسمیت یافتن و تثبیت قانونی شوراهای کارکنان توسط مقامات و دولت جمهوری اسلامی، راه برون رفتن از وضع بفرنج و تشنج زای فعلی را سد می کند و تنها برای دشمنان آشکار و پنهان انقلاب فرصت های مناسب تری فراهم می سازد.

نفتگران پالایشگاه شیراز که همواره به مصالح انقلاب پایبند بوده اند، در مبارزه به خاطر استیفای مطالبات برحق خود با صبر و شکیبائی عمل می کنند زیرا به این حقیقت آگاهی دارند که در شرایط حساس کنونی هرگونه اقدام عجولانه و ناسنجیده که به گسترش تشنج بیانجامد، تنها و تنها دشمنان سوگند خورده انقلاب سود خواهند برد. از سوی دیگر مقامات و نهادهای مسئول دولتی باید اوضاع حساس و بفرنج کنونی را عمیقاً درک کرده از هرگونه قشری گری، انحصارطلبی و سهل انگاری در برخورد با خواست های کارکنان این صنعت حساس کلیدی پرهیز نموده و توجه داشته باشند که از اشتباه

و شتابزده که نه تنها گری از مجموعه مشکلات موجود باز نمی کرد بلکه آن را به مراتب بفرنج تر می نمود، زمینه های تشنج در پالایشگاه شیراز را افزایش داده و راه را برای ترفندها و اقدامات خرابکارانه عناصر ضد انقلابی و لیبرال باز کرده است. در حالیکه از آنجا که پالایشگاه ها قلب تپنده اقتصاد کشور و عرصه کار و تولید رزمنده ترین گردان طبقه کارگر ایران که پیگیرانه از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می کند می باشد به ویژه در شرایط حساس کنونی باید از هرگونه تشنج به دور بماند که توجه مسئولان نفتگران قهرمان پالایشگاه شیراز به این حقیقت و به حساسیت زمان راه را بر اجرای توطئه های ضدانقلاب خواهد بست.

تعطیل کارخانه فولاد اهواز

ضربه تازه ای بر پیکر انقلاب

راه اندازی کارخانه توسط کمیته ای که به همین منظور چندی قبل ایجاد شده بود شدند. روز یکشنبه کارگران شرکت مانا به کارگران معترض می پیوندند و همبستگی خود را با آنان نشان می دهند. کارگران این کارخانه با انتخاب نمایندگان خود در صدد پیگیری مسئله هستند. تعطیل کارخانه فولاد اهواز به بهانه قطع وابستگی و راه اندازی مجدد آن در شرایط کنونی نه تنها اقدامی به سود انقلاب نیست بلکه عملاً با بیکار کردن بالغ بر ده هزار کارگر، موجب

تضعیف انقلاب و پراکندن صفوف مردم خواهد گشت. این اقدام که عمدتاً نتیجه بی برنامه گی حکومت و نهادهای مسئول جمهوری اسلامی در زمینه برنامه ریزی و سیاست اقتصادی است، بهترین زمینه و فرصت را به سرمایه داران و عناصر لیبرال جهت انجام توطئه های آنان فراهم می سازد. ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی در مرکز و منطقه می خواهیم که در این تصمیم خود تجدید نظر اصولی نموده و آن را در جهت مصالح انقلاب تغییر دهند.

در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۶۰ خبری از رادیو اهواز پخش شد مبنی بر آنکه طبق تلفن گرام آقای احمدزاده، سرپرست سازمان صنایع ملی فولاد، کارخانه فولاد اهواز تعطیل است. روز شنبه نزدیک به ۲۵۰۰ تن از کارگران این کارخانه در جلوی در ورودی آن جمع می شوند و نسبت به این امر اعتراض می کنند. کارگران یکصدا با شعارهای "مرگ بر آمریکا"، "تعطیل کارخانه توطئه آمریکا" خشم خود را از این اقدام نشان می دهند. کارگران ضمن سخنرانی های خود، خواهان تسریع کار

۴ خرداد، سالروز شهادت بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق گرامی باد ☆☆☆☆☆



مجاهد شهید محمد حنیف‌نژاد

و خدشه‌ناپذیری ترسیم کردند و با جدا شدن از سازشکاران، پرده عوام‌فریبی‌های آنان را دریدند. ثانیاً در مبارزه مشترک با امپریالیسم بسرکردگی امریکا بر اتحاد مسلمانان مبارز، ترقیخواه و انقلابی، با معتقدین اصیل سوسیالیسم علمی تاکید ورزیدند و در مدافعات خویش در بیدادگاه‌های رژیم امریکائی شاه چنین اتحادی را شالوده اتحاد تمامی خلق اعلام نمودند.

سازمان ما خاطره محمد حنیف‌نژاد، علی‌اصغر بدیع‌زادگان، سعید محسن رسول مشکین‌فام و عسکری‌زاده بنیانگذاران و نخستین رهبران سازمان مجاهدین خلق را که با

در سحرگاه چهارم خرداد ماه یک‌هزار و سیصدوپنجاه و یک شمسی قلب‌های پرشور محمدحنیف‌نژاد، سعید محسن، عسکری‌زاده علی‌اصغر بدیع‌زادگان، رسول مشکین‌فام از بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران که صادقانه برای مردم و برای استقلال ایران می‌تپید، آماج گلوله‌های جوخه اعدام رژیم امریکایی و جنایتکار شاه شد از اساسی‌ترین آموزش‌های پیکار انقلابی حنیف، بدیع‌زادگان، مشکین‌فام و عسکری‌زاده در این است که اولاً با خط مشی و اهداف "نهضت آزادی" که به سردمداری مهندس بازرگان و شرکاء برای تأمین آزادی مورد نظر سرمایه‌داران لیبرال ایران تلاش می‌کرد، خط مرز روشن

صداقت و با وفاداری به منافع توده‌های میلیونی مردم جانبازانه به شهادت رسیدند گرامی می‌دارد و انقلابی‌ترین درودهای خود را نثار همه مجاهدین شهیدی می‌نماید که در راه مبارزه علیه امپریالیسم بسرکردگی امریکا و نیروهای متحد و مورد حمایت آن به شهادت رسیده‌اند.



بمناسبت اول ژوئن (۱۱ خرداد) روز جهانی کودک
آموزش رایگان، بهداشت و رفاه کودکان
باید تأمین گردد

در صفحه ۱۴

سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله‌گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مبین و در راه آرمان پر افتخار طغیان کارگر، فدائیان خلق در سگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌های از پیکار تاریخیار خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیزی را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دشت‌ها و دره‌های مبین را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دگرگون‌شده‌ای پهلوی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- | | | |
|---------------|------------------------------|-----------------|
| اکبر بدلی | غلام عباس بخرد | کاظم عبدی |
| اکبر فخور | عنابت‌الله رئیسی | علیرضا کاظمی |
| امیر آقائی | محمد رضا آخربان | علی حاتم‌زاده |
| علی مصاف | سپه‌لا مستحقان زاده | ایرج حسین‌نیا |
| جواد گنجی | حبیب‌الله فرحبخش | لطیف علیزاده |
| علیرضا خللی | ابراهیم شکرچی | پرویز کریمیان |
| مریم رئیسی | عبدالحسین شاه میر | اسحاق بابازاده |
| رحیم بقیطی | محمود اشرف‌آبادی | مرتضی دارابی |
| سعید کوشش | فریدون مرتضی‌زاده | زهره موسویون |
| بهرام ورامینی | محمد قاسم فتح بیگی | وحید نیک‌بیر |
| محمود ابخو | محمد مهدی نین‌اندام | شهریار باقرزاده |
| خسرو کریمی | محمد اسدالله نژاد رودبند | کوروش پاک‌بین |
| حسین شریعتی | محمد حسین صدرآبادی | حمید ولادوست |
| عبدالله مرادی | رحمت‌الله (امیر) انصاریارپور | غلامرضا صمرنژاد |
| محمد بازدار | نوری نیکان | محمد رضا جعفری |
| تقی اسکویی | سعید (عباس) آقاپور | منصور دهقانی |
| حسن صالحی | امیر سعید واعظی آشتیانی | یداله اسماعیلی |
| عباس دبه‌دار | افراساب (زویس) سلمانی | حسن دبه‌دار |
| اکرم غفاری | سید رضا طالب‌نوسوی | |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

بحث‌های آزاد تلویزیونی
باموفقیت ادامه دارد

بحث آزاد سلاخی در خدمت
ارتقاء آگاهی توده‌ها و
تأمین وحدت صفوف خلق

در ادامه بحث‌های آزاد تلویزیونی که به ابتکار شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود در روزهای جمعه و دوشنبه گذشته، دو جلسه بحث سیاسی موفق زیر عنوان "آزادی، هرج و مرج و زورمداری" از تلویزیون پخش گردید. پخش بحث آزاد سیاسی از سیما جمهوری اسلامی ایران همانگونه که انتظار

بقیه در صفحه ۴

در راهیمائی
اول ماه مه در پاریس
کارگران فرانسه
حمایت خود را
از انقلاب ایران
اعلام کردند

در صفحه ۱۷

با اجرای طرح ۱۰ ماده‌ای
توطئه‌های ضد انقلاب را خنثی و آرامش را به
بندر عباس بازگردانیم

امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن در صدد تشدید درگیری‌ها و ایجاد تشنج میان مردم و نیروهای مردمی می‌باشند در این میان گرایش‌های تنگ‌نظرانه و قشری برخی از مسئولین جمهوری اسلامی از سوئی و سیاست‌های انحرافی گروه‌های چپ‌رو از سوی دیگر، بستر مناسبی برای دستیابی دشمنان انقلاب به اهداف پلیدشان که همانا شکست انقلاب و سلطه مجدد امپریالیسم بر میهنمان است، فراهم آورده است. امپریالیسم امریکا و ایادی آن این بار مناطق استان ساحلی و بندر عباس را جولانگاه اعمال ضد انقلابی خود ساخته‌اند. جمهوری اسلامی باید با پایان دادن به سیاست‌های نادرست خود که اکنون مضرات آن برای بسیاری از هم‌میهنان ما آشکار گردیده، گام‌های جدی در راه سرکوب ضدانقلاب و استقرار حاکمیت قانون بردارد.

بقیه در صفحه ۲۵

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر